



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد
علیه
اصحاب
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نور الایمان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَشَارَةٌ لِمَنِ الصَّدُورُ
وَالْهُدَى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

چاپ پنجم

نور الایمان فی احکام القرآن مشتمل بر اصول و فروع و
احکام اجتماعیات بین فقهاء بنحو احتیاط و آداب و اعمال
ایام و شهور و اختیارات و دعوات و حفظ الصلوة و احادیث
و اخبار و غیر ما تفتتبهہ النفس و تَلَسَّدُ الْأَعْيُنُ

از مؤلفات پندہ گناہکار سید صدرالدین الروضانی
الموسوی الاصفہانی من اخلاف صاحب الروضات

چاپخانه ربانی - اصفہان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نور الايمان في احكام القرآن

نويسنده:

سيد صدر الدين موسوي روضاتي اصفهاني

ناشر چاپي:

رباني

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
نور الایمان فی احکام القرآن	۶
مشخصات کتاب	۶
مقدمه در شرح کتاب	۶
باب دوم در فروع و احکام دین مشتمل بر فصول و مقدمه اما مقدمه	۲۴
سوره مبارکه جمعه	۲۸۰
صلوات جامعه روزهای ماه مبارک رمضان	۲۸۲
دعای یستشیر	۲۸۶
مختصری از حدیث کساء	۲۹۴
وصیت مؤلف	۲۹۶
فهرست مطالب کتاب	۲۹۷
فهرست دوازده مجلس	۳۰۲
درباره مرکز	۳۰۳

غریق رحمت یزدان کسی باد *** که صدرالدین با احمدی کند یاد

هر که را بر سر هوای لولوه لالا بود

باید این سلك گهر را طالب وجو یا بود

عامل احکام دین و پیرو شرع مبین

عاقبت منزل گهش در جنت الماوی بود

اندر اینجا از فروع دین بیان صدر دین

کلما افتی به المفتی همان گویا بود

چاپ پنجم

کتاب نور الایمان فی احکام القرآن

مشمول بر اصول و فروع و مسائل فقهیه و احکام مسلمیات بین علماء امامیه و اعمال ایام ولیالی و آداب شرعیه و اختیارات و حفظ الصحه و اخبار و احادیث صحیحہ از مؤلفات بنده گناه کار

سید صدر الدین الموسوی الروضاتی الاصفهانی

چاپ ربانی اصفهان

خیراندیش دیجیتالی : انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

مقدمه در شرح کتاب

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اقراراً بِنِعْمَتِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَاشْرَفَ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ وَآلِهِ وَعِتْرَتِهِ و بعد پروردگار بزرگی را ستایش سزااست که مسئله شناسائیش عاری از جواب می باشد و درود بر برگزیدگان عالمیان و آدمیان و گنجینه های علوم اولین و آخرین حضرت خاتم النبیین و الائمة المعصومین صلوات الله عليهم اجمعین و بعد بتأیید خداوند عز وجل موفقیت حاصل گردید که بنشر این کتاب نفیس برای دفعه پنجم مبادرت نمایم و آنرا در دسترس برادران ایمانی قرار دهم امید است خدمات این بنده گناه کار و امیدوار برحمت پروردگار سید صدر الدین الموسوی الروضاتی الاصفهانی من احفاد آیت الله فی العالمین مولانا میرزا محمد باقر اصفهانی صاحب روضات الجنات قبول صاحب شریعت و ذخیره آخرت واقع شود و مشتمل است این رساله شریفه بر پنج باب و هر بابی بر چند فصل باب اول در اصول دین و ادله آن

باب دوم در فروع و احکام دین تا مسائل ارث و دیات اجماعیات بین علماء معاصرین و آنچه غیر اجماعیات است است بنحو احتیاط ذکر می شود تا هر مکلفی بتواند عمل به آن نماید زیرا این رساله تقلیدی نیست و عمل با احتیاط است الذي هو سبيل النجات باب سوم در اعمال ایام ولیالی و شهور و نمازها و زیارات و دعوات باب چهارم در آداب شرعی و اثر کواکب و اختیارات و حفظ الصحه باب پنجم در اخبار و حکایات و احوالات و مصائب ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین و به نستعین

رَبَّنَا بَارِكْ لَنَا هَذَا الْكِتَابِ *** واجعله ذُخْرًا نَا يَوْمَ الْحِسَابِ

قَدْ أَقُولُ لِلْعِبَادِ الْمُؤْمِنِينَ *** أَنِّي أَتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

مقدمه باید دانست که اسلام عبارت است از اقرار و اعتقاد بچیزهائی که ترتب احکام دنیوی و امت پیغمبر صلی الله علیه و آله آن می شود مثل طهارت و حلیت ذبیحه و محفوظ بودن جان و مال و وجوب رد سلام و تزویج و امثال آن ها و ایمان عبارت است از چیزهائی که موجب نجات آخرت و رسیدن بنعم خداوند عالم است پس اصول اسلام توحید و

نبوت و تصدیق ضروریات دین است که یکی از آن ها معاد است و اموری که اقرار و اعتقاد با نها موجب نجات آخرت است بعلاوه آن سه چیز مسئله امامت دوازده امام است و اما عدل خداوند عالم داخل در توحید است که معرفة الله باشد واضح است که از جمله معرفة الله معرفت بصفات است و از جمله صفات حق تعالی عدل است خواه بمعنی دادخواهی یا بمعنی اقتضاء و مصلحت یا بمعنی مجبور نکردن بندگان بر افعال بوده باشد و بطور کلی ظلم قبیح است و قبیح سزاوار خدائی نیست و شمرده شده اصول دین بر توحید و نبوت و معاد و اصول مذهب بر عدل و امامت باب اول در اصول دین و در آن چند فصل است فصل اول ارکان توحید چهار است : اول اقرار و اعتقاد بواجب الوجود بالذات که صانع عالم است و دلیل بر آن آنکه تمام عالم مصنوعند و محال است بدون صانع موجود باشد و تمام عقلاء اتفاق دارند بر آنکه عالم را صانعی هست واجب الوجود و آن هم یکیست زیرا اگر خدای دیگری بود آثاری داشت بعلاوه عالم هم فاسد می شد

(قَالَ اللَّهُ شَكَ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ) و همه انبیاء از نزد خدای واحد آمدند پس رکن اول از توحید . توحید ذاتی است که ذات مقدس او یکی و شریکی ندارد دوم توحید صفاتی یعنی صفات ثبوتیه او با ذات او یکیست که اصل آن ها علم و قدرت و حیات است و با ذات او متحد است نه آنکه ذاتی باشد و علمی و قدرتی و حیاتی زیرا اگر غیر از این باشد لازم می آید که هر يك محتاج بدیگری باشند مثل ما مخلوق ؛ و احتیاج با واجب الوجود جمع نمی شود بعلاوه مرکب لا محاله محتاج بترکیب کننده است و همان ترکیب دلیل بر مصنوعیت است پس حادث شده و مخلوق شده و خدا مرکب و صاحب اجزاء نیست سوم توحید افعالی یعنی حقتعالی در صدور افعال محتاج بهیچ چیز و هیچ کس نیست مانند خلق نمودن و رزق دادن و امثال آن چه اگر حاجت داشته باشد نان است و خدا ناقص نیست چهارم توحید عبادتی یعنی فقط مستحق پرستش اوست و بس زیر پرستش از کسی باید نمود که نهایت حق را داشته باشد و جمیع حقوق و نعمت ها منتهی باو می شود از این جهة سجده و عبادت بر غیر حقتعالی

جایز نیست و ریا باعث بطلان عبادت است و بعلاوه ارکان توحید که ذکر شد باید اقرار و اعتقاد نمود که خداوند عالم دارای جمیع کمالات است چه اگر دارا نباشد ناقص است و نقص سزاوار خدائی نیست از این جهت علم و قدرت و حیات عین ذات است و محیط است بهر چیزی و عالم و قادر و سمیع و بصیر و صادق است و مدرك و متكلم بدون عضو است و ابدی و ازلی همیشه بوده و خواهد بود (وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)

فصل دوم صفات کمالیه حق تعالی دو قسم است : صفات ذات و صفات فعل . صفات ذات صفاتیست که ذات اقدس را نمی توان متصف بضد آن نمود مثل آنکه علم یا قدرت ندارد ولی صفات فعل صفاتیست که می توان گفت گاهی با او هست مثل خلق کردن یا نکردن ، رزق دادن یا ندادن ، آمرزیدن یا عذاب کردن و هم چنین باید اقرار و اعتقاد نمود که حق تعالی خالی از تمام نواقص است زیرا ناقص محتاج است و خدا محتاج نیست پس آن ها منحصر بجسم و محل حوادث و مرکب نبودن نیست بلکه هر صفت نقصی از ذات مقدس او دور است و لازمه

ص: 6

جسم ترکیب و مرئی بودن و مکان و صفات زائد بر ذات و احتیاج است و خدا جسم نیست یعنی کلیه صفاتی که لازمه جسم است در او نیست مثل آکل و شرب و مسرت و ملالت و غیره و هر چه تصور کنی که خداست آن مخلوق است کمال التوحید نفی الصفات عنه و خدا بوده پیش از آنکه مخلوقی باشد سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر من ان یوصف (فصل سوم) عدل گاهی بمعنی دادخواهی گاهی بمعنی اقتضا و مصلحت، گاهی بمعنی مجبور نکردن بندگان و و تفویض نمودن اختیارات است یعنی خلق فرمود خداوند عالم بندگان را بطوریکه اگر بخواهند خیر را اختیار نمایند و اگر بخواهند شر را اختیار نمایند و بجا آورند و اسباب خیر و شر هر دو در انسان موجود است باین معنی که خداوند هم عقل داد و هم نفس اماره و در مقابل

انبیاء شیطان را خلق فرمود و راه حق و باطل را در خارج موجود نمود از این جهت در هیچ زمانی زمین خالی از حجت نیست و مقابل شیطان روح و نفس ملکوتی هم داد و قدرت

ص: 7

هم بانسان داد بر اتیان بافعال بحول الله وقوته اقوم واقعد باین معنی که قدرت از جانب خداست و فعل از جانب بندگان پس تقویض نیست که بنده مستقل باشد و جبر هم نیست که فعل از خدا باشد ولی این قدرت را برای عبادت داد: نه برای معصیت چشم راقوة بینائی داد جهت نظر کردن بحلال نه بحرام علم نجاری را داد برای ساختن درب و پنجره نه برای تراشیدن بت و بهترین دلیل آنکه افعال صادره از ما مثل رعشه بدن یا حرکت درخت بوزیدن باد نیست بلکه می بینیم اگر نماز بخوانیم یا نخوانیم یا راست بگوئیم یا نگوئیم خودمان می کنیم بلکه امر بفعلیکه انسان در او مجبور باشد یا در معصیت تقویض باشد قبیح است مثل آنکه با دم کور بگوئی بین یا بصاحب رعشه بگوئیم آرام بگیر پس نه جبر است نه تقویض بل الامر بین الأمرین وما توفیقی الا بالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

فصل چهارم دوم از اصول اسلام نبوت است چون خداوند عالم از قدرت خود خلق فرمود خلق را با اختلاف از صورت

ص: 8

و اخلاق و صفات که هر يك دليل است بر خداوندی او پس با اختلافات بسیار این جامعه محتاجند بمعاشرت و زندگانی با یکدیگر و باین جهت تعدی می کنند بر یکدیگر و همچنین برای آموختن علم دین محتاجند بمربی ربی لذا بر حق تعالی لازم بود پیغمبران بفرستد و نظمی و قراری برای امور دنیا و آخرت آن ها بدهد بعلاوه آنکه تعلیم جاهل لازم است و شبهه نیست که همه ما جاهلیم و قابل استفاضه از حق نیستیم پس باید واسطه و پیغمبری از جنس بشر باشد و تعلیم نماید ما را زیرا بحکم عقل خلقت بشر برای افاضه بانهاست و فرستادن حجت موجب حصول غرض از خلقت است که رسانیدن فیض باشد. پس لازم شد فرستادن پیغمبران و نبوت پیغمبران سابق فرمایشات پیغمبر ما ثابت است و اما دلیل بر نبوت پیغمبر آخر الزمان آنکه : آنحضرت اظهار پیغمبری فرمود و معجزاتی از او بظهور رسید و روز بروز دین او شایع و قویتر گردید چنانچه نعوذ بالله برحق نبود برخدا لازم بود در مقابل او کسی را بفرستد که مردم گمراه نشوند

و حال آنکه او را اعانت نمود و بدون اسباب ظاهری یاری آنحضرت نمود و بحمد الله امروزه بسیاری از روی زمین امت آن بزرگوار هستند بعلاوه معجزاتی که بحس و تواتر ثابت است : اما حس قرآنست که در نهایت فصاحت و بلاغت و احکام که عقول عالم از این قرآن مجید متحیر است و هم چنین استحکاماتی که در شریعت آنحضرت از عبادات و معاملات و آداب و احکام حتی در ارث و قصاص و غیره معین فرموده هر کم شعوری فکر نماید کسیکه معلم ندیده و این قدر علوم از او بظهور رسیده البته برحق است و هر دانا و حکیمی نمی تواند جمیع امور خود را نظم بدهد و این بزرگوار جمیع ما یحتاج بشر را تعلیم فرمود و هم چنین معجزات و فرمایشات اوصیاء او هر يك دليل قویست بر اثبات نبوت و ولایت آن ها پس چون ثابت است نبوت و ولایت آن ها ثابت است خاتمیت آنحضرت بقرآن مجید و ادله عقلیه و نقلیه و فرمایش خودش بلکه آن بزرگوار پیغمبر بود بر جمیع مخلوقات و خداوند عالم چیزهایی با آنحضرت عنایت فرمود که ب دیگران

نداد و مطلق روی زمین را بر آنحضرت و امت او مسجد و محل عبادت قرارداد و اموال کفار حربی را بر آن ها حلال نمود و آنحضرت پیغمبر شد بر کل مخلوقات و ختم رسالت باو شد و شفاعت کل مختص او گردید و همان خاتمیت آن حضرت دلیل بر افضلیت اوست بر همه انبیاء و اول مخلوقات نور مقدس او بود چه اگر دیگری افضل بود خلق می شد بلکه علت ایجاد جمیع مخلوقات آن حضرت است که حق تعالی در حق او فرمود :

لَوْلَاكَ لَمَا خُلِقَتِ الْاَفْلَاكُ وَ هَمَّجِنِ مَعْرَاجَ اَنْ بَزْرَگوار که از مراتب کل موجودات خاصه انبیاء و ملائکه بالاتر رفت و آنچه تمام انبیاء از علوم و کمالات و معجزات دارا بودند اعلای آن ها را دارا بود و باید دانست که معراج و رجعت و شفاعت ائمه اطهار از اهم اعتقادات و ضروریات است.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِنُورِ الْاِيْمَانِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قُلُوبَنَا عَلٰى دِيْنِكَ .

فصل پنجم در معاد که سوم از اصول اسلام است و معاد بمعنی عود و برگشتن است که پس از رفتن روح از

بدن تعلق می گیرد در قبر بیدن برای سؤال و بعد تعلق می گیرد بقالب مثالی یا متنعم یا معذب در آن عالم است و بعد از آن در قیامت تعلق می گیرد به همین بدن که جزا داده شود به بهشت یا به جهنم و این مطلب بعقل و نقل و اجماع و ضرورت مذهب ثابت است که روح انسانی نه روح حیوانی در قبر تعلق به بدن پیدا می کند از قبیل حیات آن عالم برای سؤال و اما قالب مثال مثل و شکل همین بدن در وادی السلام یا در بهشت دنیا یا در قبرها یا در برهوت بر حسب مراتب در آن مکانها هستند و اما در قیامت اگرچه این بدن ها پوسیده و خاک شده ولی همان خداوند قادری که از عدم ما را بوجود آورده و خلق نموده دو مرتبه بر می انگیزاند و بهمین بدن عنصری روح را داخل می کند و برای حساب و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم عودت می دهد.

فصل ششم در این مقام لازم است بیان این مطلب که شبهه نیست که خلق در دنیا مختلفند از مطیع و عاصی و لابد باید بر حسب علم و قدرت و عدالت حق تعالی تلافی شود چه اگر تلافی نشود با عدل خدا منافات دارد و این تلافی و

ص: 12

جزای عمل یا در دنیا یا در آخرت باید داده شود اما در دنیا جزای عمل بر وجه کامل داده نمی شود زیرا منافات با ستاریت خدا دارد و اگر هم بشود عیش بر کل مردم ناقص می شود زیرا در هر قبیله اهل معصیت دارند آنوقت سایرین از عذاب آن ها متألم می شوند و از کار خود باز می مانند بعلاوه اگر ثواب و عذاب در دنیا داده شود و مردم بچشم خود به بینند لا بد مشغول عبادت و ترک معصیت می شوند مثل کسی که جبر بآنها بکنند که اگر عبادت نمودی تو را نعمت دهد و اگر نکردی تو را عذاب کند و حال آنکه ثابت است که انسان فاعل مختار است و جبری نیست دیگر آنکه دنیا محل آن قابل مکافات تمام نیست زیرا خلقت دنیا برای فنا شده و نعمت باعذاب آخرت همیشه باقی است و زوال ندارد و وضع دنیا برای هم و غم و مصیبت است پس دنیا گنجایش اعطاء ثواب کامل و عقوبت شدید ندارد چه اگر ذره ای آتش یا زقوم جهنم در دنیا ریخته شود دیگر راحتی و آسایش برای احدی باقی نمی ماند پس باید محل مکافات آخرت باشد و چون طاعت

و معصیت هم از زوح است و هم از جسم باید هر دو مکافات خود برسند لذا نعمت و عقاب هم روحانی و هم جسمانی است اگر روح تنها محشور شود لازم می آید جزای جسم داده نشود و حال آنکه حقتعالی عادل است و بنص قرآن و فرمایشات پیغمبران و عقل و نقل و انصاف و ضرورت دین معاد هم جسمانی و هم روحانی می باشد و بهرکس جزای عمل داده می شود و در قیامت خلق محشور می شوند و نامه اعمال بآن ها داده می شود و صراط و میزان نصب می شود و اهل بهشت بهشت و اهل جهنم جهنم خواهند رفت و کسانی که در بین تحصیل حق مرده اند یا اطفال کفار یا کسانی که اسمی از اسلام نشنیده اند یا دیوانه ها و امثال آن ها در اعراف که مکان معینی خواهد بود مثل دنیا در آنجا خواهند بود و امیدواریم امت مرحومه بشفاعت محمد و آل محمد نجات حاصل نمایند . اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ ارْزُقْنَا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطاهرين .

فصل هفتم در امامت که اقرار و اعتقاد بآن موجب نجات آخرت و رسیدن بنعم خداوند عالم و روح ایمان است

که بعقل و نقل ثابت و ضروری کل ادیان است که در هر عصری حجتی از جانب حق تعالی روی زمین باید باشد و آن یا پیغمبر است با امام و آن حجت باید بشر باشد که خلق با و انس بگیرند و صاحب قوه قدسیه باشد که استفاده از حق بتواند بکند و بخلق برساند و طیب ولادت و شرافت و نجابت داشته باشد و نقص خلقت نداشته باشد و عارف بجمیع علوم و لغات و زبان ها حتی زبان حیوانات بوده باشد که بتواند تمام خلق را هدایت نماید و اعلم و اتقی و از کا از همه خلق باشد و در تمام صفات کمالیه کامل و صاحب معجزات باشد بعلاوه باید دارای مقام عصمت باشد که سه مقام را دارا باشد گرفتن احکام از مبداء و ضبط و حفظ آن و رسانیدن بخلق چه اگر عصمت نباشد ممکن نیست این سه مقام را دارا باشد پس با تفاق دوست و دشمن حضرت امیر المؤمنین و یازده نفر اولاد آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین دارای تمام این صفات بودند دلیل دیگر نص خداوند عالم در قرآن و نص پیغمبر بر امامت امیرالمؤمنین و همچنین نص هر يك از ائمه

اطهار بر امامت دیگری باسم و نسب دلیل دیگر علوم و معجزاتی که از آن ها صادر شده بدون آنکه تعلیم معلمی نموده باشند و علوم آن ها پر نمود سراسر عالم را و اما امام دوازدهم که غائب و حجت باقیه است و ظهور خواهد نمود بدلیل اخبار متواتره از پیغمبر خدا و هر يك از ائمه اطهار پدران آن بزرگوار چنانچه ذکر و معلوم شد که زمین نباید خالی از حجت باشد و غیر از آنحضرت امروزه حجتی نیست دلیل دیگر فریاد رسی های آنحضرت در زمان غیبت آنحضرت که بعلاوه نقل آن ها در کتب معجزات بحس و وجدان نتیجه توسلات آن بزرگوار بما رسیده و اگر آن حضرت غائب نباشد باید از دنیا رفته باشد و زمین خالی از حجت باشد و اگر جانشین معین نموده باشد باید عدد ائمه از دوازده نفر زیادتر باشد و حال آنکه باخبر متواتره که شیعه و سنی در کتب نقل نموده اند از پیغمبر خدا که ائمه هدی منحصر باین دوازده نفراند و آخری آن ها غائب خواهد شد و ظهور خواهد نمود و پر خواهد نمود زمین را از عدل

و اهل توحيد اللهم عجل فرجه الشريف واجعلنا من انصاره و اعوانه

فصل هشتم چنانچه كلمه توحيد ورسالت دوازده حرف است عدد ائمه اطهار هم دوازده است حضرت امير المؤمنين على بن ابيطالب والحسن والحسين وعلى بن الحسين ومحمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد والحسن بن على والحجة بن الحسن صلوات الله عليهم اجمعين و حضرت فاطمه زهرا معصومه است و آن ها افضل از تمام مخلوقات هستند سواى پيغمبر آخر زمان و حق تعالى اسم اعظم را با نها آموخته و مقام شفاعت كل با آن ها است و دارا بودند ولايت عامه را كه ولايت نسبت ب كل خلق باشد و عطاء اين ولايت بايه شريفه انما وليكم الله ثابت است زيرا در قرآن مجيد ولايت را منحصر فرموده بخدا و پيغمبر و آن كسيكه در نماز صدقه دادو باتفاق شيعه و سنى اميرالمؤمنين در حال ركوع انگشتر داد و اين آيه در حق او نازل شد و اين ولايت از نبوت خاصه كه انبياء گذشته باشند مقدم است و پيغمبر ما دارا بود

ص: 17

نبوت عامه و ولایت عامه را از این جهت افضل بود بر تمام مخلوقات و ائمه اطهار نیز چون دارای ولایت عامه بودند از تمام خلق سوای پیغمبر افضلند و هر چه هست از وجود مقدس آن هاست و باید دانست که در اصول دین اعتقاد قلبی ضرور است و لفظ تنها کافی نیست و اطفال قبل از بلوغ متصف بصفه اسلام و کفر نمی شوند مگر بر سبیل تبعیت که بر اطفال مسلمین احکام اسلام و بر اطفال کفار احکام کفر جاریست و بعد از بلوغ تبعیت منقطع می شود باید ملاحظه حال خود آن ها بشود اگر معتقد بعقاید حقه می باشند طاهر و نکاح آن ها صحیح و میراث از مسلم می برند و الا فلا . پس احتیاط آنست که قبل از بلوغ عقاید حقه را درست نمایند و هرگاه کسی نعوذ باللّه سب و دشنام بخدا یا پیغمبر یا ائمه اطهار گفت نجس و پلید است چون بحمد الله اصول دین بادلّه عقلیه بیان گردید شروع می شود در مسائل فروع و احکام دین از مسلمیات بین علماء امامیه با ملاحظه احتیاط و امیدوارم برادران ایمانی این گناه کار سید صدرالدین

روضاتی را از طلب مغفرتی یاد و شاد نمایند.

باب دوم در فروع و احکام دین مشتمل بر فصول و مقدمه اما مقدمه

باید دانست که عبادات بر چند قسم است یکی عباداتی که باید بقصد و اختیار بجا آورد و شرط صحت آن ها قصد قربة است یعنی سبب بجا آوردن بندگی و فرمان برداری خدا باشد حتی این عبادت جهة خوف از جهنم و طمع بهشت هم نباشد که احتیاط ترك این قصد است و عبادات تکلیفیه عبارت از نماز و روزه و خمس و زکوة و اعتکاف و حج و جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر است و اینها اصول است که اسم آن ها فروع دین است و مؤمن باید مسائل و احکام دین از معاملات و ازدواج و غیره را بداند که مرتکب حرامی نشود و مجموع مباحات بقصد و نیت عبادت می شود مثل جماع یا حلال خود و تعلیم احکام دین و اصلاح امور مسلمین و خواندن رساله ها و مواعظ و ذکر مصائب ائمه اطهار همه خواندن رساله اینها عبادت است و خمس تکلیفیه را که باید دانست عبارت است از واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و

ص: 19

مباحات است و کسیکه منکر ضروری دین باشد تکلیف آن مشکل است لذا اجتناب از سه طایفه لازم است ولدالزنا و مخالفان و تارك الصلوة در صورتیکه منکر آن نباشد و الا- منکر آن نجس است و اول فروع دین نماز است و آن اعظم عبادات است و صحت آن موقوف بدانستن مسائل احکام است و آن ها در چند فصل ذکر میشود فصل اول در مقدمات نماز و اول آن ها طهارت از حدث است که عبارت از وضو و غسل و تیمم باشد اما وضو در چند مقام واجب است اول نمازهای واجب غیر از نماز میت دوم اجزاء فراموش شده نماز سوم طواف واجب چهارم و پنجم و ششم برای مالیدن بدن بخط قرآن و فرقی نیست بین خط متعارف یا کوفی یا فرنگی یا کنده کاری باغیر اینها و باسماء خاصه خدا و پیغمبران و ائمه هدی و فاطمه زهرا علیهم السلام گاه واجب شود مالیدن آن ها و حرام است بی وضو مالیدن بدن حتی ناخن و موبانها هفتم وضوئی که بنذر و عهد و قسم واجب شود و موافق احتیاط است وضو برای سجده قرآن

و اما چیزهائی که وضو را می شکند چند چیز است اول و دوم بول و غایط سوم بادیکه از دیر بیرون آید چهارم خوابی که چشم و گوش را فرا گیرد پنجم و ششم و هفتم بیهوشی و مستی و دیوانگی هشتم رطوبت مشتبه از مردپیش از استبراء نهم و دهم و یازدهم حیض و نفاس و مس میت و واجب است در حال تخلی و غیره پوشانیدن عورتین از نامحرم و حرام است رو و پشت بقبله بول یا غایط نمودن و در انزال منی احتیاط رو و پشت بقبله نباشد و در بول محل را دو مرتبه بشوید و احتیاط سه مرتبه شستن است و در غایط نیز بعد از ازاله عین نجاست دو مرتبه بشوید و تأمل نماید که آب غساله برود و استنجا واجب می شود برای چیزیکه طهارت بدن در او شرط است مثل نماز .

فصل دوم اجزاء وضو چهار است اول شستن رو از رستنگاه موی سر تا ذنخ طولا و آنچه فرا گیرد شست و انگشت میان را عرضاً و باید تمام طرفین صورت و ابرو و

ص: 21

لب و دماغ را بشوید تا یقین بشستن تمام بکنند دوم شستن دو دست از بالای مرفق تا سر انگشتان که از بالا بیائین بشوید بطریق جریان و وضو بنحو ارتماس جایز است که رو و دست ها را در آب فرو برد و بقصد وضو بیرون آورد سوم مسح بشره پیش روی سر یا موی آن بقدر سه انگشت که ما بین دو سفیدی پیش سر را مسح نماید چهارم مسح پشت دو پا از سر انگشتان تا آمدگی میان پاها تا مفصل و باید سر و پاها بر طوبت کف دست باشد و بدست راست سر و پای راست و بدست چپ مسح پای چپ را بنماید و در وضو چند چیز شرط است اول نیت قربت و قصد واجب و مستحب و رفع حدث و مباح شدن نماز را بدل بگذراند و غفلة کلیه نداشته باشد و نیت خلاف نکند و نیت خالص باشد که اگر ریا یا چیز دیگر کند باطل است و اگر وضوی واجب بر ذمه دارد وضوی مستحب نگیرد و اگر بطریق اطلاق نذر نموده یا قسم خورده که وضوی مستحبی بگیرد و قبل از وقت بقصد آن نذر یا قسم وضو بسازد با آن وضو بعد از وقت می تواند

نماز بخواند دوم ترتیب بنحو مذکور سوم موالات که اجزاء وضو را پیوسته بجا آورد چهارم مباشرت که در حال اختیار خود غسل و مسح را بجا آورد پنجم پاك بودن آب ششم و هفتم مطلق و مباح بودن آب هشتم مانع شرعی از استعمال آب نبودن از تنگی وقت یا ضرر داشتن آب نهم استعمال در رفع حدث نشده باشد دهم باعث نشدن وضو بر نظر کردن اجنبی و اجنبیه بر اعضاء وضو یازدهم و دوازدهم مباح بودن ظرف آب وضو و فضا و مکانیکه آب وضو در آن می ریزد سیزدهم طلا و نقره نبودن ظرف آب وضو چهاردهم پاك بودن اعضاء وضو قبل از وضو و جبیره آن چیزی است که بسته شود بروی زخم و دمل و در حکم آنست دوائی که مالیده شود بروی آن ها پس اگر بدون ضرر از آب گرم و غیره ممکن است از اله آن واجب است از اله نماید و اگر ممکن نباشد آنقدر آب بریزد بر روی او که زیر آن شسته شود و اگر آنهم ممکن نیست یا محل نجس است

و تطهیر هم ضرر دارد چیز پاکی روی او گذارد و آنرا مسح نماید از آب وضو و تیمم هم بنماید که وضو ساقط نیست و به تیمم تنها هم اکتفا نمی شود و سلسل البول و مبطن که حفظ خود از بول و غایط نمی تواند بکند جهت هر نمازی يك وضو بگیرد مثل زن مستحاضه و همچنین کسی که خود را از خروج باد نمی تواند حفظ کند آن هم برای هر نمازی يك وضو بگیرد اما واجب است بر نماز گذار حفظ نمودن بدن و جامه از زیادتی تلویط از پنبه و کهنه و امثال آن ها .

فصل سوم در غسل و غسل های واجب شش غسل است و احتیاط ترك نکردن غسل جمعه و غسل طفل مولود و غسل قضاء کسوفین است و آن شش غسل واجب اول غسل حیض بعد از انقطاع آن و آن خونبست که بر حسب طبیعت خداوند در زن ها خلق فرموده و آن سیاه یا سرخ و و گرم و با سوزش است و اقل آن سه روز متوالی الایام واللیالی و اکثر آن ده روز و زیاد و کم آن در بین ده روز بر حسب عادت است و صاحب عادت اگر زیاد تر از عادت

خون دید و از ده روز تجاوز نکرد مجموع آن حیض است و خون قبل از بلوغ و بعد از یاس حیض نیست دوم غسل نفاس بعد از انقطاع و آن خونست که با مولود یا بعد از آن می آید و صاحب حیض و نفاس قضاء نماز نمی کند ولی عوض روزه را بگیرد و احتیاط در نفاس جمع است بین نفاس و استحاضه تا هیجده روز سوم غسل استحاضه و آن سرد و زرد و صاف است اما قلیله آنکه سمی خون بیرون آید برای هر نمازی يك وضو بگیرد و متوسطه که خون در پنبه فرو رود يك غسل برای نماز صبح بکند و احتیاط آنکه برای نماز بعد از رویت خون نیز غسل نماید و اما کثیره که خون از پنبه بخرقه برسد يك غسل برای نماز صبح و یکغسل برای نماز ظهر و عصر يك غسل برای نماز مغرب و عشا با جمع ظهرین و عشاءین و در هر سه حالت باید تغییر پنبه و غسل فرج و وضو برای هر نمازی بجا آورد چهارم غسل مس میت است و آن بعد از سرد شدن و قبل از غسل دادن واجب است حتی بچه که چهار ماهه تمام باشد و

سقط شود غیر از معصوم و شهید و میت غسل داده شده پنجم غسل میت واجب است غسل دادن میت مسلمان و طفل مسلم اگرچه سقط شده باشد و چهار ماهه باشد و همچنین عضو جدا شده اگر آن قطعه سینه یا بعضی از سینه باشد غسل و کفن و نماز و دفن باید بنماید بغسل ترتیبی بعد از ازاله نجاست و موانع نیت نماید که غسل می دهم این میت را بآب سدر و کافور و آب خالص واجب قربة الی الله بعدهم نیت خصوصی آب سدر و کافور و آب خالص را بکند و اگر آب نباشد تکلیف تیمم دادن است ششم غسل جنابت و غیر از غسل جنابت با اغسال دیگر وضو باید بگیرد جهة نماز و اما غسل عبارت از شستن تمام روی بدن است بنحوی که علم بشستن تمام آن پیدا کند و آن دو قسم است ترتیبی و ارتماسی اما غسل ترتیبی اول سر و گردن را بشوید بعد نصف راست بدن بعد نصف چپ را و ناف و عورتین را تماماً با هر دو طرف بشوید و گردن را يك دفعه با سر بشوید و دفعه دیگر نصف آن با شق راست و نصف با شق چپ و بهر نحو که اعضاء

شسته شود کافیه از فرو رفتن در آب بقصد غسل یا آر آب ریختن در بدن بنحوی که یقین به شستن تمام بدن بنماید و اما غسل ارتماسی پوشیدن تمام بدن است زیر آب بیک دفعه و احتیاط خروج تمام بدن است از آب و دخول در آب و حرکت اعضاء بدن و احتیاط ترك نكردن غسل ترتیبی است که افضل است مگر در تنگی وقت و هرگاه بعد از غسل معلوم شد که جزئی از بدن شسته نشده اگر غسل ارتماسی نموده غسل باطل است و اگر ترتیبی نموده و آن محل از عضو آخر است همانجا را بشوید صحیح است و اگر از طرف راست است آن محل را بشوید با تمام طرف چپ و شرایط غسل مثل شرایط وضو میباشد جز آنکه موالات در غسل ترتیبی نیست مگر در غسل استحاضه و اگر حدث اصغری در بین غسل جنابت روی دهد آن غسل را تمام کند و غسل دیگر هم بنماید و وضو جهة نماز بگیرد و اگر چند غسل میخواهد بکند هر غسلی را بالخصوص نماید بهتر است و غسل جنابت را هم در آخر بنماید و اگر شك نمود در جزئی

از غسل بعد از فراغ از غسل اعتبار ندارد و اگر از جزئی بعد از دخول در جزئی قبل از فراق شك نمایدانیاں كنند و اما جنابت بدو چیز حاصل می شود اول آمدن منی در خواب و بیداری از مرد و زن در صورت علم بآن و در صورت شك رجوع می شود بلذت و سستی و جستن و در زن و مریض لذت کافیهست و اگر در جامه مخصوص منی یافت شود غسل نماید دوم جماع و آن دخول حشفه در قبل یا دبر انسان با حیوان زنده یا مرده هر چند پارچه بصورت به بندد و لذت هم نبرد و اما جنب با امکان بول نماید قبل از غسل و با عدم امکان استبراء به نه مسح مثل استبراء از بول بنماند و غسل نماید پس اگر بعد از غسل و بول رطوبت مشتبیه بیابد اعاده غسل لازم نیست و احتیاط با عدم امکان از بول اعاده غسل است و اختیار جمع میان غسل و وضو می باشد و هر گاه بعد از انزال بول نکرد و غسل نمود و بعد بول نمود احتیاط اعاده غسل است بجهة آنکه بعضی جزاء منی ببول بیرون می آید لذا در روز روزه اختیاراً بول ننماید که داخل

در تعمد بر جنابت است ولی در زن مادامی که علم یمنی بودن ندارد غسل نمی شکند و حرام است بر جنب و حیض و نفساء مالیدن بدن با اسماء خدا و پیغمبران و ائمه و فاطمه زهراء و خط قرآن و خواندن چیزی از سوره هائی که سجده واجب دارد و آن ها سوره اقرع والنجم والم تنزیل و حم است و دخول مسجد الحرام و مسجد پیغمبر و در مساجد دیگر هر گاه بطریق عبور نباشد و گذاردن چیزی در مسجد اگرچه از بیرون بیندازد و دخول مشاهد ائمه و واجب است غسل جنابت برای نماز واجب غیر نماز میت و در نماز مستحب شرط صحت او می باشد و برای اجزاء فراموش شده و اقامه نماز و طواف واجب و مالیدن بدن بخط قرآن و اسماء پیغمبران و ائمه هر گاه واجب شود و برای خواندن سوره های سجده دار واجب است و دخول در آن دو مسجد و مکث در سایر مساجد و مشاهد و برای چیزی گذاردن در مساجد اگر واجب شود و در شب جهة روزه واجب که هر وقت شب باشد قصد واجب می کند دیگر هر گاه بنذر و غیره بر خود واجب

فصل چهارم در تیمم شرط است در جواز تیمم چند چیز اول نبودن آب بقدر کفایت وضو یا غسل و اگر ممکن است خریدن بوجه غیر اجحاف باید بخرد و اگر قلیلی آب دارد و وضو و غسل هر دو بر ذمه دارد اگر بقدر وضو بیشتر نیست وضو بگیرد و تیمم بدل از غسل نماید و اگر ممکن است وضو بگیرد و آب وضو را جمع نماید و غسل کند و اگر جمع ممکن نباشد غسل نماید و تیمم دل از وضو نماید دوم دست نرسیدن بآب مثل عجز از حرکت و نبودن یاری کننده هر چند باجرت مقدور باشد یا تنگی وقت ولی اگر عمداً اخلال در طلب آب نمود تا وقت تنك شد بعد از حصول آب اعاده نماز نماید و تیمم نماید و با بودن آب در محلی که خوف تلف نفس یا مالی یا عرضی یا عقلی باشد در طلب کردن آن تیمم نماید ولی با عدم عجز و ضرر و ضیق وقت واجب است يك تیر پرتاب برای طلب آب در زمین ناهموار و دو تیر در زمین هموار در هر طرفی از چهار طرف و اگر

علم بوجود آب در زیاده بر این داشته باشد طلب زائد لازم است سوم بودن مانع از استعمال آب مثل ضرر یا بسیار سرد و گرم بودن که باعث مشقت شدید باشد چهارم بودن آب و خوف عطش خود یا دیگری که جایز القتل نباشد چه هر گاه خوف تلف یا حصول مرض یا مشقت یا تلف حیوانی که بتلف آن متضرر شود تیمم نماید پنجم نجاست بدن و جامه و کفایت نکردن آب از برای ازاله خبث و حدث که باید ازاله نجاست نماید و تیمم بکند و تنهم بر چند چیز جایز است اول خاک خالص و اگر نباشد برسنگ و احتیاطاً سنگ خالی از خاک و غبار نباشد و مقدم است خاک بر مطلق روی زمین مگر در حال اضطرار بشرط آنکه معدنی نباشد و جایز است بر زمین گچ و آهک قبل از پخته شدن دوم غبار اگر خاک و زمین میسر نشود نشود آن هم غبار بر جامه نه غبار هوا و آن غبار را بتکاند که دست بر غبار قرار گیرد سوم گل هر گاه دو چیز اول نباشد و خشکانیدن آن هم میسر نشود والا واجب است خشکانیدن و گل هم از

جنس چیزی که جایز التیمم نیست نباشد و بعد از زدن دو دست بگل برهم بمالد تا عین بمالد تا عین گل بریزد و هر گاه اینها یافت نشد نماز را بانحال بجا آورد و بعد از یافت شدن آب یا خاک قضا نماید و جایز نیست تیمم قبل از وقت نماز و اگر بعد از تیمم و قبل از نماز آب شد تیمم باطل میشود و در وسط نماز با ضیق وقت صحیح است و با وسعت تمام نماید و وضو یا غسل نموده و اعاده نماز کند و می شکند تیمم را نواقص وضو و غسل و واجبات و شرایط تیمم چند چیز است اول نیت بقصد وجوب یا استحباب و مباح بودن نماز و بدلیت از وضو یا غسل در وقت زدن دست ها و مسح پیشانی دوم زدن هر دو دست یکدفعه بر آنچه تیمم می کند با و در حال اختیار و با عذر پشت دست را مسح نماید و اگر دست نجس باشد با امکان تطهیر کند و با عدم امکان و باقی نبودن عین نجاست و خشک بودن تیمم نماید و در بدل وضو و غسل دو دفعه دست ها را بزمین بزند یکدفعه برای پیشانی و یکدفعه برای پشت دست ها و احتیاط نموده اند که دو تیمم نماید یکی

يك ضربت و يكي دو ضربت بدو دست از رستگاه موی سر تا بالای دماغ و مسح ابرو ها واجب نیست اگر چه می فرمایند احوط است و باید پیشانی را حرکت ندهد که اگر هر دو را حرکت داد باطل است چهارم مسح پشت دست ها از بند تا سر انگشتان و احتیاط فرموده اند که پس از اتمام تیمم یک مرتبه دیگر دست ها را بر زمین زند و فقط پشت دست ها را مسح نماید پنجم ترتیب بمقدم داشتن مسیح پیشانی بردست ها و دست راست بر چپ ششم پی در پی تیمم نمودن هفتم خود مباشرت نمودن با اختیار و الا- دیگری او را تیمم دهد که دستهای او را بر زمین بزند و نیت را هر دو بکنند هشتم پاك بودن مواضع تیمم نهم پاك بودن خاک و زمین و سنك و ريك و غبار و كل دهم مباح بودن آن ها یازدهم خالص بودن خاک دوازدهم بجا آوردن در وقت و اگر نماز قضا بر ذمه دارد همه وقت می تواند تیمم نماید سیزدهم چیزی حایل نبودن چهاردهم تکلیف تیمم بودن پانزدهم مسح پیشانی از اعلی از طرف طول نه عرض و احتیاطاً از بالای رستگاه موی سر و دست ها از بالای بند مسح نماید و حاشیه بیرون

انگشت كوچك و شصت داخل در مسح باشد و تیمم بدل از غسل جنابت بحدث اصغر بهم می خورد پس هم تیمم وهم وضو بنماید اگر وضو ممکن نباشد يك تیمم بدل از غسل و يك تیمم بدل از وضو بنماید و در حالتیکه هم غسل می خواهد وهم وضو مثل مس میت و حیض و آب میسر نشد دو تیمم نماید یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو و يك تیمم هم بدل از مطلق حدث بنماید و چون وضو گرفت یا غسل نمود برای نماز احتیاطاً شعرهای باطل نخواند.

فصل پنجم در طهارت که دوم از مقدمات نماز است و طهارت از خبث پاک کردن بدن و لباس است از نجاسات و نجاسات دوازده چیز است اول و دوم بول و غایط از انسان و هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد و حرام گوشت باشد بالذات مثل سگ یا بالعرض مثل حیوان موطوله و نجاست خوار سوم منی از انسان و حیوان صاحب رگ جهنده هر چند حلال گوشت باشد چهارم مردار از صاحب رك جهنده مگر چیزهائی که روح در آن ها داخل نشده مثل مو و كرك و استخوان

ص: 34

و دندان و ناخن و شاخ و سم هر چند حرام گوشت باشد غیر نجس العین و اما تخم مرغ و پنیر مایه احتیاط شستن ظاهر آن هاست پنجم خون از هر حیوان صاحب رگ جهنده مگر خونی که می ماند در ذبیحه حلال گوشت بعد از بیرون آمدن خون متعارف و اما خون در تخم مرغ و شیر نجس و حرام است ششم و هفتم سگ و خوک صحرائی و جمیع اجزاء آن ها هشتم کافر چه اصلی و چه مرتد یا منکر ضروری دین و در حکم آنست طفل نابالغ که والدین او کافر باشند و از غیر اثنی عشری احتیاط اجتناب است نهم هر مست کننده که روان باشد و در جوشانیدن آب انگور و خرما قبل از ثلثان شدن و اما مویز و کشمش اگر در طبخ جوش نخورد یا آب از خارج داخل او نشود چه سرخ بکند و چه نکند بی اشکال است و با شک در جوشیدن هم عیب ندارد دهم فقاع هر چند مست کننده نباشد یازدهم عرق حیوان عذره خوار دوازدهم عرق جنب از حرام و در عرق جنب با احتلام و قی و ولدالزنا

و شیر دختر و سنی و حیوان متگون از نجاست و بول اسب و قاطر و الاغ و موش و بز مجه و روباه و خرگوش و سگ و خوک آبی و مسوخت
هر چند بعضی قائل بنجاست آن ها شده اند ولی خلاف مشهور و باعث عسر و حرج است و اجتناب از آن ها بهتر است و اما مطهرات
چهارده چیز است اول آب و آن یا مطلق است یا مضاف و اما مضاف مثل گلاب رفع حدث و ازاله خبث بآن نمی شود و بملاقات
نجاست نجس می شود هر چند زیادت از کر باشد و اما آب مطلق بر چند قسم است یکی آب باران در حال تقاطر که روی زمین روان
است در حکم آب جاریست دیگر آب جاری که بملاقات نجاست نجس نمی شود مادامی که اوصاف او متغیر نشود که رنک یا بو یا طعم
آن تغییر نماید و اما تطهیر چیز نجس بآب جاری دو دفعه کفایت می کند و اگر مثل لحاف یا نمده است فشار دهد و اگر نخود یا برنج و
امثال آن ها نجس خیسیده شده در آب جاری بگذارند که آب بمغز آن ها برود و بعد از آنکه او را اول خشک نموده باشد پاک میشود دیگر
آب چاه

است و مشهور بین متأخرین از فقهاء آنستکه بملاقات نجاست نجس نمی شود مگر در صورت تغییر بنجاست نجس می شود و باید بقدری آب بکشند که تغییر آن زائل شود ولی آن مقدار کشیدن که جهت هر چیزی در شرع معین شده موافق احتیاط است پس بکشد تمام آب چاه را هر گاه شتر یا گاو در او بمیرد یا شراب و مسکرات و منی و خون حیض و نفاس و استحاضه در او ریخته شود و يك کر بکشد هر گاه اسب یا حمار یا گاو ماده بمیرد و هفتاد دلو بکشد برای مردن آدمی و پنجاه دلو برای غایط آدمی یا خون بسیار و خون کم و غایط خشك ده دلو بکشد و هفت دلو برای مردن موش که از هم بپاشد یا سک زنده بیرون آید و سه دلو اگر موش از هم نپاشیده باشد و چهل دلو برای مردن خرگوش و روباه و گوسفند و خوک و سك و گربه که در چاه بمیرند و يك دلو برای مردن گنجشك دیگر از اقسام آب ها آب کر است که بوزن شصت و چهار من شاه الا بیست مثقال باشد آنهم بملاقات نجاست نجس نمیشود دیگر آب ایستاده

هر گاه کمتر از کر باشد بملاقات نجاست نجس می شود مگر آنکه آب در فوق و نجاست در تحت باشد و در و در این قسم آب ها چیز نجس شستن احتیاط تعدد غسله است و اما آب استنجا بعد از زوالعین پاکست هر گاه تعجیل در برخاستن نکند تا قطره های غسله بقدر متعارف برود پس از آب جمع شده در محل احتیاط اجتناب است و تطهیر ظروف اگر سك ولوغ کرده اول دو مرتبه بخاك خالص و خاك ممزوج بآب که خاک نمدار باشد و بعد پنج دفعه با ب بشوید و در خوك بعد از شستن از خاک هفت مرتبه از آب بشوید و در مردن موش و ظرفی که بشراب نجس شده در آب کرو جاری هفت دفعه بشوید و اگر ظرف از چیزهائی باشد که آب فرو می رود او مثل ظرف چوبی و سوفالی و احتیاط در اجتناب است و اگر به غیر اینها نجس شده باشد در آب کر یا جاری سه دفعه شستن موافق احتیاط است و آنچه قابل فشار است فشار هم بدهد دوم از مطهرات آفتاب است که پاک می کند ظاهر زمین و هر چه منقول نمی شود چون درخت و دیوار بعد از ازاله عین نجاست که از شعاع آفتاب بخشکد.

سوم - زمین هر چند سنك باشد غير آهك و گچ و آجر پخته و آن پاکی می کند بعد از ازاله عین نجاست كف پاو كفش را ولی احتیاط پاکی بودن زمین و گل نبودن و راه رفتن بقدر متعارف است نه مالیدن بر زمین چهارم استحاله یعنی مبدل شدن نجس یا متجنس بچیز غیر نجس پنجم انتقال مثل خون انسان که در پشه می رود ولی در خون

زالو که از انسان می خورد اجتناب نماید ، ششم اسلام که پاکی می کند بدن کافر و اولاد او را هر چند یکی از پدر یا مادر کافر باشند ولی پاکی نمی شود لباس و عرق و ظروف که در حال کفر با او بوده. هفتم استنجاء از غایط که موجب پاکی شدن محل است. هشتم بیرون آمدن خون متعارف از محل ذبیح و نحر که پاکی کننده بقیه خون است پس از شستن محل ذبیح که در بدن او می ماند. نهم استبراء حیوان نجاست خوار خوردن چیز پاکی که در مرغ 5 روز و در گوسفند بیست روز و در گاو سی روز و در شتر چهل روز دهم ناقص شدن و ثلث از آب انگور جوشیده که باعث پاکی شدن بقیه اوست

ص: 39

یازدهم - زوال عین نجاست از بدن حیوان طاهر العین و از بواطن او و از بواطن انسان دوازدهم غائب شدن مسلم بالغ که بی باک نباشد و معتقد بنجاست باشد و بدن یا لباس او نجس باشد با احتمال تطهیر سیزدهم - تبعیت مثل ذهاب ثلثین در آب انگور و از دستی که ازاله نجاست می کند چه در استنجا و چه در تغسیل میت که بتبعیت پاک

می شود و در غیر دست ها از باقی بدن و لباس اجتناب نماید چهاردهم خارج شدن آب غساله که بقیه باقی مانده پاک است

فصل ششم در شناختن وقت نماز یومیه که سوم از مقدمات نماز است و مراد در اینجا وقت کافی بودن در اداء است پس وقت اجزاء ظهر اول زوال است که بزاید شدن سایه شاخص باشد بعد از ناقص شدن آن تا چهار رکعت در حضر و دورکعت در سفر تا بوقت اجزاء عصر مانده و وقت نماز عصر چهار رکعت از زوال گذشته در حضر و دورکعت در سفر تا اول مغرب و احتیاطا تاخیر نیندازد از سقوط قرص آفتاب و وقت مغرب از بر طرف شدن سرخی

ص: 40

غروب از بالای سر تا چهار رکعت بنصف شب مانده در حضر و دو رکعت در سفر و وقت عشا از گذشتن سه رکعت از اول مغرب تا نصف شب و وقت نماز صبح از طلوع صبح صادق تا پیش از طلوع آفتاب و در صورت امکان تحصیل علم بوقت اعتماد بر غیر نمی شود اگر چه ظن قوی باذان گفتن عدل و عدلین باشد اگر موجب علم نشود و با عدم امکان علم چون عابرو کور و محبوس بعد از جد و جهد و مظنه باز احتیاط بنابر علم گذاردن است و هر گاه اشتباه نمود پس اگر تمام نماز قبل از وقت شده نماز باطل است و اگر قدری در وقت شده صحیح است و اگر ادراك يك رکعت یا زیاده از نماز واجب با شرایط در وقتش بنماید مثل ادراك تمام است و ادا می باشد و بجا آوردن نماز در اول وقت افضل و موافق با احتیاط است مگر اشتغال ذمه بحقوق ناس اگر چه زکوة و خمس باشد و صاحب حق هم راضی نباشد که در اینجا احتیاط تأخیر نماز است و احتیاط معجلا اداء حقوق است مثل مشغول بودن ذمه بنماز قضا و احتیاط آنستکه بعد از دخول وقت

فریضه نماز غیر از نافله روایت را نکند و باشتغال ذمه بنماز قضا

نماز مستحبی بنا بر احتیاط نکند مگر نذر نموده باشد.

نماز مستحبی را بر وجه اطلاق فصل هفتم در قبله شناختن که چهارم از مقدمات نماز است و واجب است نماز واجب را رو بقبله نمودن چه ایستاده یا نشسته یا خوابیده و اجزاء فراموش شده نماز و سجده سهو بلکه نماز نافله چه ایستاده یا نشسته رو بقبله بجا بیاورد و مراد قبله خود کعبه است برای کسانی که مشاهده کنند و سمت کعبه است هر گاه عالم می باشند و بدو چیز جهة عوام سمت قبله ثابت می شود اول علم و آن یکی از سه چیز است اول محرابی اکه معصوم او را و طلع نموده دوم سیره مسلمین در وضع قبور اموات و ذبح حیوانات سوم جمع کثیری خبر دهند بقبله که محال باشد کاذب بودن آن ها دوم ثابت می شود قبله بمظنه بعد از تعذر علم اگر چه از قبله نمای معتبر باشد و اگر علم و ظن حاصل نشد با وسعت وقت هر نماز واجبی را چهار داده از چهار سمت بکند.

و اگر با مظنه بطرفی نماز کرد بعد ملتفت شد که

ص: 42

قبله نبوده اگر استدبار ننموده و وقت نماز باقیست اعاده کند و بعد از وقت احتیاطاً قضا نماید و اگر رو بمشرق و مغرب بوده در وقت اعاده و در خارج وقت ادعاء اجماع شده بر عدم قضا و اگر در وسط نماز متذکر شد اشتباه بوده اگر حد مشرق و مغرب نرسیده منحرف شود بقبله و الا نماز باطل است و نماز را از سرگیرد اگر وقت باقیست ولی باضیق وقت منحرف شود بقبله و تمام نماید و احتیاطاً قضا هم بکند .

فصل هشتم در ستر عورت که پنجم از مقدمات نماز است و واجب است بر نماز گذار ستر عورتین در نماز اگر چه بعاریه یا خریدن باشد بمبلغی که اجحاف نباشد با بودن نامحرم یا نبودن چه در روشنی یا تاریکی که اگر اخلال بان نماید عمداً نماز باطل است هر چند نماز مستحب باشد و در مرد احتیاط پوشانیدن ما بین ناف و ناف و زانو و در زن تمام بدن و مو باستثناء صورت بقدر متعارف و دست ها و روی پاها و دختر نابالغ و کنیز مرخص است سرباز نماز گذارد و اگر قبل از نماز عالم بنجاست بدن یا لباس بوده و بعد از نماز متذکر شد قضا و اعاده لازم است و اگر در اثناء نماز متذکر شد با وسعت وقت نماز باطل و با ضیق وقت

تمام کند و بعد قضا نماید واستثناء شده از بدن و جامه نجس پنج چیز اول خون کمتر از در هم بشرط آنکه خون زنان و نجس العین و غیر مأکول اللحم و میتة نباشد دوم خون قروح و جروح مادامی که خوب نشده و مشقت دارد و هر گاه شك در خون قروح و جروح بودن دارد و همچنین در خون بواسیر و رعاف و فصد و حجامت اجتناب نماید سوم لباسی که ساتر عورت نشود مثل کلاه و عرق چین و غیر ساتر عورتی که محل خود نباشد چون بند بیر جامه که بر کمر بندد چهارم بول صبی که در جامه زنی باشد که تربیت او می کند و جامه دیگر نداشته باشد .

پس روزی یکمرتبه تطهیر آن جامه نماید و نمازهای یومیه با آن لباس بگذارد پنجم کسی که قادر بر تطهیر و تبدیل جامد نباشد یا بجهت سرما نتواند برهنه نماز کند پس نماز با آن جامه عفو است و مثل آنست بدن و اگر يك جامه نجس و یکی پاک باشد و نداند و تطهیر هم میسر نشود هریك نماز را دو دفعه بجا آورد در هر لباسی یک دفعه

و شرط است در لباس چند چیز اول پاك بودن دوم مباح بودن که در نماز در جامه غصبی باطل است چه ساتر باشد یا نباشد حتی خیاطی آن و از محمول غصبی اجتناب لازم است سوم لباس از پوست حیوان مرده صاحب رگ جهنده نباشد و در پوستی که در راه افتاده باشد اجتناب لازم است و فرق نیست در پوست مردار که ساتر عورت باشد یا نباشد احتیاط اجتناب است اگرچه بند نعلین یا محمول باشد مگر در صورت ضرورت و تقیه چهارم لباس مأخوذ از حرام گوشت ذاتی یا عرضی نباشد چه جزء لباس یا تمام لباس حتی تکمه و خیاطه و چه ساتر عورت بشود یا نشود بلکه اجتناب نماید از موی حرام گوشت مثل گربه و اگر شک نماید از حلال یا حرام گوشت است اولی و احتیاط اجتناب است بلکه محمول حرام گوشت مثل قلم از موی گربه و دست چاقو و تکمه صدف و مروارید بنابر آنکه جزء حیوان باشد احتیاط اجتناب است ولی این حکم در غیر انسان است مثل موی انسان که گیس عاریه می کند و

كرك خز و سنجاب و حیوانی که گوشت ندارد مثل پشه و فضلات و رطوبات آن چون موم و غسل نماز با آن ها صحیح است و اگر سهواً یا جهلاً در جزء حرام گوشت نماز کرد اعاده و قضا نماید و دو شرط در لباس مرد است اول آنکه لباس ابریشمی نباشد بلکه مطلق استعمال آن جایز نیست برای مرد غیر زین و فرش اگرچه در خوابیدن لحاف ابریشمی هم احتیاط ترك است و در زن جواز استعمالش اجماعیست اگرچه در نماز او شیخ صدوق مخالفت فرموده و احتیاط اجتناب است چنانچه باشك در ابریشم بودن هم بودن هم احتیاط اجتناب است و اگر بعد از نماز عالم شود بابریشم بودن لباس احتیاط قضا و اعاده است ولیکن استثناء شده در مقام ضرورت مثل جنك تكمه و سجاف ابریشمی ضرر ندارد و احتیاط آنکه سجاف زیاد از چهار انگشت نباشد و در لباس که ممزوج باشد با غیر ابریشم و ابریشم زیاده بر غیر نباشد نماز جایز است ولی با چیز ابریشمی با آنکه غیر ساتر هم باشد احتیاط اجتناب است دوم از دو شرط آنکه لباس

مرد طلاباف نباشد اگرچه یکی از تار و پود آن طلا و دیگری غیر طلا و ابریشم باشد و اگر بخه عبا طلا دوخته باشد لازم است اجتناب و زینت مرد بطلا حرام است اگر چه انگشتر باشد و بعضی فرموده اند چیزی که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد مثل جوراب بیساق نماز با او باطل است و اولی و احتیاط اجتناب است و تقع محل ما از مقدمات نماز است .

فصل نهم در مکان نماز که ششم از مقدمات است باید مکان نماز گذار با سه شرط باشد اول مباح بودن که یا مالک بعین یا منفعت یا مأذون از صاحبش باشد باذن صریح یا فحوی یا شاهد حال که با علم برضایت بوده باشد یا مأذون از خداوند مثل بیابان ها و خانه هایی که خداوند اذن داده ن در آن ها و با عدم علم یا ظن بکراهت آن ها احتیاط اجتناب است پس نماز در مکان غصبی باطل است مگر در سه جا اول مجبور مثل محبوس دوم مضطر که ظالمی او را اکراه نماید سوم جاهل بغصب ولی جاهل بحرمت غصب در حکم عامد است و نماز او باطل است دوم پاک بودن

مکان نماز از نجاست تعدی کننده مگر محل سجده که باید نجس نباشد هر چند خشک باشد سوم قرار داشتن مکان مگر در حال ضرورت که نماز در کشتی و امثال آن صحیح است و باید مرد وزن در نماز محاذی یکدیگر نباشند یازن در پیش روی مرد نباشد مگر چیزی حایل باشد یاده ذراع فاصله یا تنگی وقت باشد اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اما واجبات نماز در ده فصل ذکر می شود و چون بنای این رساله بر ذکر واجبات موافق احتیاط است و بعضی قائل شده اند بوجوب اذان و اقامه در نماز جماعت و نماز صبح و مغرب و جمعه و بعضی بوجوب اقامه در نماز یومیه خصوصاً در اقامه لذا احتیاط بجا آوردن است و اما اذان چهار الله اکبر و هر يك از اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللَّهِ وَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ وَ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ وَ اللَّهُ اَكْبَرُ وَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ دو مرتبه و در اقامه اول دو الله اکبر و بعد از حی علی خیر العمل دو قد قامت الصلوة و دو الله اکبر

و يك لاله الا الله و اشهد ان علياً ولي الله را تبرکاً بگويد نه بقصد جزئيت واصل در همه عبادات ولايت اهل بيت عصمت است.

فصل اول در نیت و آن اول از واجبات نماز است و آن بمعنی عزم بر فعل است و در آن شش امر معتبر است اول تعیین نماز دوم خلوص نیت که چیز دیگر بآن ضم نکند سوم قربۀ که بجا آوردن نماز برای مقرب شدن بدراگاه حق تعالی باشد چهارم مقارن بودن با حرف اول تکبیرۀ الاحرام پنجم قیام در حال نیت ششم استدامه حقیقیه که تا آخر نماز آن عزم و اراده با او باشد و غافل نباشد و احتیاط آنست که قصد وجوب با استحباب و اداء و قضاء و سفری و حضری بودن را بنماید و جایز نیست عدول نمازی بنمازی مگر عدول از لاحق بسابق مثل آنکه نیت نماز عصر یا نماز عشا را نموده و نماز ظهر یا مغرب را نخوانده عدول نماید دیگر گاه معلوم شد قضا واجب بدمه دارد عدول نماید و در نماز جماعت که بدانند با مام نمیرسد عدول بنافله نماید و

هر گاه قصد ریا نمود یا نیت قطع نماز کرد یا تردید در

ص: 49

اتمام نماز نمود یا نیت بجا آوردن مبطل نمود نماز را اعاده نماید .

فصل دوم در قیام یعنی ایستادن در حال اختیار و آن یا واجب رکنی است که بزباد یا ترك آن عمداً و سهواً و جهلاً نماز باطل می شود مثل قیام در حال تكبيرة الاحرام و قیام متصل بر كوع که از آن قیام بر كوع شرعی می رسد و آن منحصر بقیام بعد از قرائت نیست گاهی بعد از تكبيرة الاحرام مثل ماموم که در ركوع امام اقتدا می کند و گاهی بعد از قرائت و گاهی بعد از قنوت است و یا قیام واجب غیر رکن است مثل قیام در حال قرائت و قیام بعد از ركوع و در قیام واجب مطلقاً پنج امر معتبر است اول راست ایستادن که عرفاً نگویند خم می باشد دوم اختیاراً به چیزی تکیه نکند سوم اختیاراً آرام باشد و زیر پای او متحرك نباشد چهارم روی هر دو پا بایستد و با اختیار سنگینی بدن بر روی يك یا نباشد پنجم پاهارا بسیار دور نگذارد از هم که او را ایستاده

نگویند و در صورت امکان باید نماز را ایستاده نماید و

ص: 50

اگر راست نمی تواند منحیاً بایستد تکیه نماید که مقدم است بر نشستن اگر چه باجرت غیر اجحاف باشد و اگر اصلاً قادر نباشد نشسته نماز کند و اگر نتواند بپهلوی راست و الا بپهلوی چپ رو بقبله و اگر آنها نتواند بر پشت بخوابد و نماز را بجا آورد که در هیچ حالی نماز از مؤمن ترك نشود .

فصل سوم در تکبیرة الاحرام و آن واجب است اجماعاً و رکن است که بزیاة و ترك عمدأ و سهواً و جهلاً نماز باطل است و شرط است در آن آنچه در نماز شرط است و بعلاوه هفت چیز در آن شرط است اول هرگاه تکبیرات مستحبیه می گوید قصد تعین تکبیرة الاحرام را بکند که ممتاز باشد و احتیاطاً تکبیرة الاحرام را آخر قرار دهد دوم قیام در حال تکبیرة الاحرام که رکن است سوم صحیح و بعربی ادا نماید و اگر نداند باید با امکان یاد بگیرد اگرچه باجرت دادن و سفر رفتن باشد و كنك و لال بدل قصد و بدست اشاره نمایند چهارم ترتیب بتقدم الله بر اکبر پنجم موالات

ص: 51

که فاصله بین الله و اکبر واقع نشود ششم ظاهر کردن همزه الله و همزه اکبر هفتم زیاد نکردن بعد الله چیزی را و احتیاط وقف بر اکبر است و اگر شک در تکبیرة الاحرام نمود بعد از دخول در قرائت اعتبار ندارد ولی قبل از قرائت هرگاه شك نمود بگوید و احتیاط آنستکه وقت الله اکبر دست ها را تا تا محاذی گوش بلند کند .

فصل چهارم در قرائت که واجب غیر رکنی می باشد که اگر فراموش نمود و برکوع است رفت نماز صحیح است و اگر قبل از رکوع یادش آمد بجا آورد و اگر سوره خواند بدون حمد حمد را بخواند و اعاده سوره نماید و در قرائت دوازده چیز واجب است اول خواندن حمد در نماز دور کعتی و در دو رکعت اول از نماز سه رکعتی و چهار رکعتی دوم

خواندن سوره در ر ر ه در رکعاتی که حمد می خواند اختیاراً و در حال ضرورت از مرض و خوف و ضیق وقت سوره نخواند سوم ترتیب که عمداً سوره را بر حمد مقدم ندارد چهارم عربی خواندن و بقرائت یکی از قراء سبعة خواندن پنجم حروف

ص: 52

را از مخارج ادا کردن که اگر نداند واجب است تعلیم آن و یا تنگی وقت از تعلیم بجماعت نماید و با عدم جماعت با قاری بخواند ششم موالات که فاصله میان دوایه نکند و سکوت طویل مضر است هر چند سهواً باشد هفتم چیزی که نظم قرائت را برهم زند نخواند چه عمداً و چه سهواً که اگر منافعی با صورت نماز باشد باطل است و اعاده قرائت کافی نیست و احتیاط اعاده نماز است هشتم آیه بر آیه و کلمه بر کلمه و حرفی بر حرفی مقدم ندارد که اگر سهواً گفت برگردد و درست ادا نماید و بعد دو سجده سهو بگذارد نهم مراعات حرکات و سکونات و تشدید را بنماید و احتیاط رعایت ادغام و اخفاء و مد خصوصاً مد واجب مثل ولا الضالین را بنماید و وقف بحرکت و وصل بسکون ننماید دهم باید سوره را پیش از گفتن بسم اله معین نماید که اگر بی قصد بسم اله گفت اعاده بسم الله نماید مگر آنکه سوره بعاتت او معین باشد یازدهم مرد جهر کند در نماز صبح و دو رکعت اول مغرب و عشا و در باقی نماز و نماز ظهر و عصر اخفات

نماید و اقل اخفات آنستکه خود بشنود اگر مانعی نباشد و احتیاط آنکه غیر نشنود و اقل جهر شنیدن کسیست که نزدیک او باشد بی مانع دوازدهم آن سوره که می خواند جایز باشد خواندن آن نه مثل سوره نیکه وقت نماز بان فوت شود و مثل سوره که سجده واجب دارد در نماز واجب و اما قرائت تخیری در دور کعت آخر چهار رکعتی و رکعت آخر مغرب مخیر است میان حمد تنها یا گفتن سه مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و جایز نیست جمع ما بین هر دو در يك رکعت و احتیاط خواندن حمد است اگر در در دو رکعت اول حمد را فراموش نموده باشد و الا افضل تسبیحات است و احتیاط تعیین تسبیح یا حمد است مگر یکی از آن ها عادی او باشد یا یکی را نداند پس اگر عادی او نمیباشد و بدون تعیین شروع نمود و قبل از رکوع متذکر شد برگردد و تعیین نموده بخواند و اگر بعد از رکوع متذکر شد نماز او صحیح است و در استغفار بعد از تسبیحات و قنوت چون قائل بوجوب دارد احتیاط ترك

نکردن است و ذکر قنوت بیک صلوات و يك لا اله الا الله حاصل می شود و افضل کلمات فرج است که ذکر خواهد شد و پیغمبر مکرم مکرر می خواندند ربنا عاملنا بفضلک و لا تعاملنا بعدلک .

فصل پنجم در رکوع که رکن نماز و اخلال آن عمداً و سهواً مبطل نماز است و واجب است در رکوع پنج چیز اول خم شدن بقصد رکوع و با قدرت بقدری خم شود که کف دست ها بمفصل زانو بگذارد پس اگر بغیر قصد رکوع خم شود جایز نیست باقی بودن بآن حال بقصد رکوع و کمر خمیده که قدرت ندارد اگر می تواند قدری خم شود و الارکوع کند با اشاره سر والا اشاره بچشم دوم ذکر رکوع و آن یا سبحان ربی العظیم و بحمدہ یک مرتبه و احتیاطاً سه مرتبه است یا سه مرتبه سبحان الله با ترتیب و موالات ما بین کلمات و اداء حروف از مخارج بگوید و اگر ذکر واجب از نظرش محو شد احتیاطاً بقدر ذکر مکث در رکوع نماید و ذکر دیگر بگوید سوم طمأنینه یعنی آرام گرفتن

ص: 55

بقدر ذکر واجت پس اگر شروع نماید بذکر در حال رفتن برکوع یا تمام کند در حال راست شدن صحیح نیست چهارم راست شدن بعد از رکوع پنجم طمأنینه و آرامی در آن ایستادن و احتیاط تکبیر گفتن برای رکوع است که ترك نکند فصل ششم در سجود و دو سجده با هم رکن است که زیاد شدن دو سجده عمداً و سهواً و جهلاً نماز باطل است و زیاد شدن یکی عمداً باطل است و سهواً زیاد شدن يك سجده احتیاطاً نماز را اعاده نماید و بعد از نماز قضاء سجده هم بنماید و دو سجده سهو بجا آورد و نیز اعاده نماز نماید بترك کردن هر دو یا یکی از آن ها عمداً و اگر سهواً يك سجده فراموش نمود و داخل در رکوع رکعت بعد نشده یا در رکعت آخر است و متذکر شد برگردد و بجا آورد و بقیه نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بنماید و واجبات سجده ده چیز است اول بقصد سجود منحنی شود و اگر بقصد دیگر چون کشتن جانوری منحنی شود احتیاط راست شدن و بقصد سجود منحنی شدن است و اگر عاجز از خم شدن باشد بقدر امکان خم

شود و موضع سجده را بلند کند و اگر اصلاً مقدور نباشد اشاره بسر یا بچشم بکند و مهر را بر پیشانی گذارد دوم گذاردن هفت عضو است بزمین که پیشانی و دو کف دست ها و دو سر زانو و دو انگشت بزرگ پاها باشد بقدر مسمی و و با عجز از گذاردن زانو ها آن ها را نزدیک زمین گذارد و با عجز از کف دست ها پشت آن ها را گذارد و با عجز پیشانی مثل زخم داشتن گودالی بکند و در گودال بگذارد و با عجز بر جبین سجده نماید و با عجز سر را نزدیک زمین بیاورد و اشاره بسر یا بچشم بکند سوم در حال سجود شکم خود را از زمین دور گذارد چهارم سنگینی خود را بر همه هفت عضو بر زمین بیندازد پنجم محل پیشانی دارای چند شرط باشد اول آنکه در حال اختیار سجده بر زمین و اجزاء زمین باشد بشرط آنکه از اسم زمین بیرون نرفته باشد مثل چیزهای معدنی و احتیاط سجده نکردن برگچ و آهک است چه پخته یا نپخته یا محل سجده از چیزهایی باشد که از زمین می روید مثل اقسام چوب ها اگرچه شمشاد و آبنوس باشد ولی خوردنی

انسان نباشد مثل گندم و پوشیدنی مثل پنبه و پشم و احتیاط ترك سجده بر كاغذ است و اگر سجده كند بر غیر این ها نسیاناً و خطائاً احتیاط اعاده نماز است ولی جایز می شود در حال اضطرار و تقیه و اما واجب است تحصیل ما یصح السجود علیه هر چند بخريدن باشد و اگر شك كند بر چیزی كه آیا صحیح است سجده بر آن یا نه صحیح نیست و اگر در بین نماز آنچه بر او سجده می كند مفقود شود یا وقت تنگ باشد نماز را بآن حالت تمام كند مثل مضطر و با وسعت وقت اتمام و اعاده نماید سوم می باید مباح باشد چهارم از پیشانی جدا باشد پس اگر مهر بر پیشانی چسبیده باشد با آن نمی شود سجده دوم را نمود پنجم مساوی بودن محل سجده با محل قدم یا آنكه بلند و پست تر نباشد زیاده از چهار انگشت متصل و اگر پیشانی قرار گیرد بر آنچه سجده بر آن جایز نیست پیشانی را بكشاند بر ما یصح السجود علیه ششم ذكر سجده بنحویكه در ركوع ذكر شد و احتیاط سه مرتبه گفتن سبحان ربی الاعلی و بحمده است هفتم بقدر ذكر واجب آرام كیرد هشتم برداشتن سر از سجده اول نهم نشستن

بعد از سجده اول با طمأنینه و اگر استغفار گوید احتیاطاً تورک نماید و آرام گیرد دهم برداشتن سر از سجده دوم و در رکعت اول و سوم که تشهد نمیخواند به نشیند و آن را جلسه استراحه می گویند و احتیاطاً ترك نکند که بعضی قائل بوجوبند .

فصل هفتم در تشهد و آن در هر دور کعتی یکمرتبه و در هر سه رکعتی و چهار رکعتی دو مرتبه واجب غیر رکن است که بزیاد و کم شدن عمدتاً نماز باطل و سهواً ضرر ندارد و واجبات تشهد هشت چیز است اول نشستن بقدر ذکر واجب که راست به نشیند و احتیاطاً ترك نماید و سر یا نباشد دوم طمأنینه در آن حال سوم خواندن تشهد با این نحو اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ چهارم صَلَوَاتُ باین قَسَمَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ که موافق احتیاط است پنجم ترتیب در اذکار بنحو مذکور ششم موالات که کلمات را پی در پی بگوید و سکوت و کلام طویل در میان آن بجا نیاورد هفتم

ص: 59

عربی گفتن با اختیار هشتم موافق بودن با قواعد عربیت .

فصل هشتم در سلام که واجب غیر رکن است پس بترك يا زياد نمودن آن عمداً نماز باطل است و سهواً صحیح است و صیغه آن السلام علينا و علی عباد الله الصالحين يا السلام عليكم ورحمة الله وبركاته است و احتیاط بترك نکردن السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته می باشد قبل از دو صیغه و هفت چیز در سلام واجب است اول نشستن بقدر آن دوم آرام گرفتن در آن حال سوم موالات چهارم

ترتیب ما بین کلمات پنجم تأخیر آن از تشهد ششم رعایت عربیت در آن ها هفتم بنحو مذکور گفتن بدون کم و زیاد و احتیاطاً نیت خروج از نماز در یکی از آن دو صیغه بنماید بهر کدام که ابتداء نماید فصل نهم در ترتیب که از واجبات نماز است و باید اجزاء نماز را بهمین ترتیب مذکور بنماید و خلاف آن نکند فصل دهم موالات که واجب است فاصله در میان آن ها قرار ندهد که او را نماز گذار نگویند اللهم وفقنا لعبادتك و اطاعت امرک پس از ذکر واجبات

ص: 60

نماز شروع می شود بمسائل لازمه نماز بنحو مسلمیات بین فقهاء با ملاحظه احتیاط در 8 فصل فصل اول در مبطلات نماز باید دانست که حرام است عمداً باطل کردن نماز واجب با وسعت وقت یا ضیق آن ولی جایز است در حال ضرورت مثل ضرورت جانی یا مالی یا عرضی و بعضی تجویز فرموده اند قطع نماز را برای ادراک جماعت و گفتن اذان و اقامه ولی احتیاط قطع نکردن است و مبطلات نماز دوازده چیز است چهار آن مبطل است عمداً و سهواً اول حدث اکبر و اصغر دوم رو گردانیدن از قبله به پشت و گردانیدن تمام بدن بجانب راست و چپ احتیاطاً و گردانیدن رو بتهائی اجتناب نمودن موافق احتیاط است سوم زیاد یا ترك ركن که محلش بگذرد چهارم فعلی که محو صورت نماز نماید مثل جست و خیز یا مشغول شدن بکار بسیار با سکوت طویل و اما هشت چیز که عمداً مبطل نماز است اول دست برسینه نماز گذاردن ولی سهواً یا در تقیه جایز است دوم گفتن بعد از حمد آمین بلکه در نماز مطلقاً مگر در تقیه

سوم سخن گفتن بدو حرف یا زیاده و يك حرف معنی دار که دعا و قرآن و ذکر و جواب سلام صحیح نباشد و جواب سلام صحیح در نماز واجب است که میفرمایند اگر ترك نمود احتیاط اعاده نماز است چهارم فعل کثیر بجا آوردن پنجم اخلال بمقدمات نماز در وسط نماز و نیز از اول تحصیل نکردن مقدمات نماز که باعث بطلان نماز است ششم خنده فقههه که با صدا باشد نه تبسم که اختیاراً و بی اختیار فقههه مبطل است و احتیاط ترك خنده در نماز است هفتم گریه بر امور دنیا عمداً مبطل و سهواً ضرر ندارد هشتم اکل و شرب ولی ریزهای طعام که از بن دندان ها بیرون آید فرو برد یا مثلاً ریزه نبات زیر زبان آب شود مبطل نیست .

فصل دوم در احکام سهو در نماز و آن فراموش کردن چیزیست که باید بجا بیاورد یا نباید بجا آورده شود و بجا آورد و از برای سهو اقسامی می باشد یکی سهو در شرطی از شروط نماز مثل طهات پس اگر محل بجا

آوردن آن نگذشته بجا آورد و اگر گذشته نماز باطل است اعاده یا قضا نماید یکی سهو در اجزاء مثل قرائت و ذکر رکوع و سجود پس با بقاء محل بجا بیاورد صحیح است و با گذشتن محل نیز نماز صحیح ولی سجده سهو نماید دیگر سهو در اول نماز که اگر سهوا ترک شود در وقت اداء و در خارج وقت قضا نماید و اگر سهوا یک رکعت یا بیشتر زیاد نماید و در رکوع یا بعد از نماز ملتفت شود نماز باطل است و اگر قبل از رکوع است بنشیند و نماز را تمام نماید و دو سجده سهو بجا آورد و اگر رکنی سهوا زیاد نماید آنهم نماز باطل است جز در نماز جماعت که استثناء شده و احتیاط هم در نماز جماعت اعاده آن نماز است و اگر دو سجده در نماز ترک شده شده و نداند از یک رکعت بوده یا دو رکعت احتیاطاً دو سجده بجا آورد بقصد تدارک فوت شده و در هر یک قصد آن سجده را به تنهایی بنماید و دو دفعه دو سجده سهو بنماید و نماز را هم اعاده کند و اجزاء غیر رکنیه نماز چهار قسم است اول

آنکه تلافی ندارد و آن فعل واجب و ذکر واجب است که سهوا ترك شود و محل آن بگذرد غیر از تشهد و يك سجده که بجا می آورد و سجده سهو هم بکند دوم آنکه تدارك دارد با سجده سهو و آن فراموش نمودن يك سجده و تشهد بعد از گذشتن از محل سوم آنکه تدارك دارد و احتیاط هم دو سجده سهو است و آن فراموش نمودن واجبی می باشد که متذکر شود قبل از داخل شدن در رکن که تدارك می کند و سجده سهو بجا می آورد و همچنین در فراموش نمودن قنوت لکن در قنوت سجده سهو ندارد چهارم آنکه تدارك و سجده سهو ندارد و آن ترك مستحبی غیر از قنوت اگرچه احتیاط در این مقام و در ترك قنوت هم می فرمایند سجده سهو نماید و اما واجب است سجده سهو در کلام بیجا و سلام بیجا اگر چه السلام علينا یا السلام علیکم تنها باشد بنا بر احتیاط و جهت سجده و تشهد فراموش شده و شك میان چهار و پنج بعد از اكمال سجدتین و همچنین برای هر زیاد و کم که واقع شود از قیام در موضع

قعود و بالعکس و غیره پس از سلام نماز بدون منافی بجا آورد و با تأخیر عمداً احتیاط سجده سهو بنماید واصل نماز را هم آماده کند ولی سهواً هر وقت متذکر شد بجا آورد و متعدد می شود سجده سهو بتعدد سبب و کیفیت آن آنستکه قصد کند دو سجده سهو می کنم قرۃ الی الله پس تکبیر بگوید و سجده کند مثل سجده نماز و بگوید بسم الله و بالله صلی الله علی محمد و آل محمد و اگر بگوید بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته موافق احتیاط است پس راست نشیند با طمأنینه و دو مرتبه بسجده رود مثل اول پس سر بردارد و بنشیند و بخواند تشهد نماز را و بگوید السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته فصل سوم در شك در اجزاء و رکعات نماز پس اگر علم یا ظن حاصل ، که جزئی از اجزاء نماز را کرده یا نکرده بنا بر همان علم یا ظن میگذارد ولی چون بنای ظن بفعل با بودن در محل اشکال است احتیاط را ترک نکند و اگر شك دارد پس در غیر رکعات اگر داخل فعل بعد نشده بجا آورد و اگر شده اعتبار ندارد مثل شك در خواندن حمد

یا سوره و اما شك در عدد ركعات در پنج صورت آن باطل است اول نداند چند ركعت نموده دوم در نماز دور كعتی سوم در نماز سه ركعتی چهارم در نماز چهار ركعتی میان يك و دو مطلقاً و میان دو و سه قبل از اكمال سجده تین پنجم در بعضی اقسام چهار و پنج و اما شك در نماز مستحب مخیر است بنا گذارد بر کمتر یا بیشتر و در شك كثير الشك و نماز احتیاط بنا بر كردن گذارد و شك در نماز جماعت امام و مأموم رجوع بیکدیگر نمایند و اما شكوك صحیحه در نه صورت است اول شك میان دو و سه بعد از سجده ها بنا بر سه گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز يك ركعت ایستاده یا دو ركعت نشسته نماز احتیاطی بنماید و احتیاط يك ركعت ایستاده است دوم شك سه و چهار در همه احوال بنا بر چهار گذارد و بعد از نماز يك ركعت ایستاده یا دو ركعت نشسته بنماید سوم شك میان دو و چهار بعد از سجده ها بنا بر چهار گذارد و تمام نماید و دو ركعت ایستاده بنماید چهارم شك دو و سه و چهار بعد از سجده ها بنا بر چهار گذارد و تمام کند و بعد دور كعت ایستاده اولاً و دوركعت

نشسته بعداً بجا آورد پنجم شك چهار و پنج در حال قیام بنشیند و عمل سه و چهار را بکند و دو سجده سهو بنماید ششم شك چهار و پنج بعد از سجده ها نماز را تمام کند و دو سجده سهو واجب بجا آورد هفتم شك میان سه و پنج در حال قیام بنشیند و عمل دو و چهار را بکند با سجده سهو هشتم شك میان سه و چهار و پنج در حال قیام بنشیند و عمل دو و سه و چهار را بنماید با سجده سهو نهم شك پنج و شش در قیام بنشیند و عمل چهار و پنج که بعد از سجدتین ذکر شد بنماید و دو سجده سهو دیگر نیز بجهة قیام بیجا بنماید و از شكوك صحیحه شمرده اند شك چهار و پنج در حال رکوع یا بعد از رکوع مادامی که سر از سجده دوم بر نداشته که نماز را تمام نماید و دو سجده سهو بنماید ولی می فرمایند احتیاط اتمام نماز و اعاده است چنانچه در تمام شكوك صحیحه بعد از اتمام و بجا آوردن نماز احتیاطی اعاده اصل نماز موافق با احتیاط است و باید عمل شك بعد از تروی باشد که شاید علم یا ظن حاصل شود و نماز احتیاطی بدل نیت نماید و تکبیرة الاحرام را با حمد تنها آهسته بخواند حتی

بسم الله آنرا آهسته بگوید و سوره و قنوت ندارد و اگر ما بین نماز احتیاطی و اصل نماز عمداً منافی بجا آورد اطل است ولی نماز احتیاطی را بجا آورد و آن نماز را اعاده نماید و باید دانست که شرعاً کفایت نمی کند اعاده نماز و ترک نماز احتیاط بلکه نماز احتیاط را بجا آورد و اصل نماز را هم اعاده نماید موافق احتیاط است فصل چهارم در نماز قضا که اگر وقت دارد اول نماز قضا را بخواند و بر مکلف واجب است قضای نماز های واجبه فوت شده چه سهوا یا جهت خواب رفتن یا نماز هائی که فاسد بجا آورده ولی شش نفر جهة آن ها قضا نیست اول طفلی که از او نماز فوت شود دوم مجنون سوم کافر اصلی نه مرتد اما سنی اگر ترک نموده یا موافق مذهب خود یا مذهب شیعه بجا نیاورده قضا نماید و احتیاط فضانه و دن است با توافق چهارم بیهوشی در تمام وقت و اگر عمداً خود را بیهوش نمود قضا نماید و مثل آنست مستی پنجم و ششم حیض و نفساء و ترتیب لازم است در نماز قضا با دانستن آن و الا از هر کجا می خواهد شروع نماید و کسی که نماز قضا

بر ذمه دارد احتیاطاً اول وقت نماز نکند و در نماز قضاء تعجیل نماید چنانچه احتیاط بجا نیارودن نافله است با اشتغال ذمه بواجب و باید نماز قضا موافق باشد با اداء در قصر و اتمام و جهر و اخفات و اما در قیام اعتبار بحال قضا می باشد جز عالم باشد برفع مانع که احتیاط تأخیر است و اگر مقدار قضا را نداند آنقدر نماز قضا نماید که احتمال بقا، نرود و اگر نمازی قضا شده و نداند از کدام پنج از است يك دور كعتي و يك سه ركعتي و يك چهار ركعتي بقصد ما في الذمه بنماید و احتیاط تکرار است بجهر و اخفات فصل پنجم در نماز قضاء میت هر گاه علم بوقوع آن بوجه صحت نباشد اگرچه وصیت نکرده باشد باستیجار و تبرع بجا آورد و اگر دو نفر برای يك نفر نماز می خوانند در يك وقت نخوانند و باید علم باتیان اجیر باشد و احتیاط عادل بودن اجیر است و واجب است بر پسر بزرگ میت که قضا نماید آنچه را از والدین او فوت شده از نمازهای واجب خدائی نه الزامی در مرض موت و مسافرت و با وصیت میت باستیجار با تبرع از پسر بزرگ ساقط می شود و فرق نیست

در نایب میان مرد وزن و مناط تکلیف نایب است و با امکان ترتیب در نماز قضاء میت موافق با احتیاط است فصل ششم در نماز مسافر و شرایط آن چند چیز است اول قصد هشت فرسخ چه در خشکی یا دریا چه پیاده یا سواره مرکوب حیوانی یا آتشی چه رفتن یا رفتن و برگشتن در یکروز یا یک شب یا یک شبانه روز متصل و اگر مسافت چهار فرسخ است و ازاده عود در آن روز و شب ندارد احتیاط جمع است و همچنین اگر قصد مسافت دارد و بتأنی می رود مثل آنکه یکماه طی مسافت می کند احتیاط بعد از حد ترخص جمع است دوم قصد مسافت را نشکند باراده عود یا مردد شدن که باید تمام کند سوم نشکند سفر را بقصد اقامه ده روز یا مرور نمودن بوطن یا سی روز مردد ماندن که در اینجا ها تمام کند و اگر در اثناء نماز قصد اقامه نمود تمام می کند نماز را و اگر در محلی ملکی دارد پاششماه توطن کرده احتیاط جمع است چهارم مباح بودن سفر پس سفر ظلم یا شکار لهُو باید تمام کند و در سفریکه ترك واجب در آن شود احتیاط جمع است پنجم کثیر السفر نباشد مثل مکاری و

راننده هر گاه سه سفر نماید بدون اقامه ده روز تمام کند در سفر سوم و در سفر دوم احتیاط جمع است مثل کسیکه سه سفر متصل کرده و شغل خود قرار نداده ششم رسیدن بحد ترخص که دور شود از حدود بلد بنحویکه دیده نشود دیوارها یا شنیده نشود اذان آن و اما احکام قصر باید دانست که قصر نماز مسافر عزیمت است مگر قاصد چهار فرسخ که تکلیف او ذکر شد و در مسجد الحرام و مسجد رسول و مسجد کوفه و حائر سیدالشهداء اگر چه مخیر است ولی احتیاط جمع است و با قصد اقامه ضرر ندارد بیرون رفتن کمتر از حد ترخص و در زیاده از حد ترخص رفتن احتیاط جمع است مگر آنکه در همان روز برگردد و اگر پیش از رسیدن ترخص مسافر باشد قصر نماید و اگر نماز نکند و داخل بوطن شود تمام کند و اگر مسافر عمداً نماز را تمام کند نماز باطل است و سهواً و جهلاً با تذکر در وقت اعاده نماید فصل هفتم در نماز جماعت و ثواب آن بسیار است در خبر است هر رکعتی بهتر است نزد حق تعالی از عبادت چهل سال و محل آن در نمازهای فریضه اداء و قضاء و در نماز نذر

و استیجار و نماز احتیاطی شک ها و طواف واجب احتیاط آنستکه فرادا نماید و واجب است در نماز جمعه و عیدین و در درست نبودن قرائت و عدم وقت از تعلیم آن و جایز است در نماز استسقاء و واجبات نماز جماعت چند چیز است اول درك مأموم رکوع امام را و احتیاط درك ذکر رکوع امام است و اگر امام راست شد درك جماعت نشده دوم عدد که اقلا امام و مأمومی باشد سوم حایل نبودن بین امام و مأموم و در مأموم که زن باشد حایل ضرر ندارد چهارم بلندی محل ایستادن امام از مأموم زیاده از چهار انگشت نباشد پنجم دور نبودن مأموم از امام یا از صف پیش یا از پهلوی زیاده از يك گرم و احتیاط آنکه صف لاحق قبل از صف سابق تکبیرة الاحرام نگوید ششم ترک قرائت در نماز اخفاتی و آهسته ذکر بگوید و در نماز جهریه هرگاه قرائت و هم همه امام را بشنود و هرگاه نشنود مستحب است قرائت بخواند بقصد قربت مطلقه نه نیت جزئی هفتم متابعت امام و تکبیرة الاحرام و سلام را مقدم بر امام نگوید و احتیاط هم ترك مقارنه است و اگر سهواً مقدم بر امام شد

برگردد و متابعت نماید و احتیاطاً بعد از نماز اعاده نماید نماز را هشتم مقدم نبودن مأموم از امام و احتیاط آنکه مساوی هم نباشند نهم نیت اقتدا نماید ولی نیت امامت بر امام لازم نیست دهم یکی بودن امام یازدهم تعیین امام با سم و وصف پس اگر افتداء نمود بخیال شخص معین بعد فهمید او نبوده احتیاط اعاده نماز است دوازدهم مخالف نبودن نماز امام و مأموم مثل یومیة بنماز آیات اما یومیة بیومیة با اختلاف جایز است و اما شرایط امام جماعت چند چیز است اول بالغ بودن در غیر امام اصل دوم عاقل بودن سوم مسلم بودن چهارم اثنی عشری بودن پنجم حلال زاده بودن ششم عادل بودن که گناه کبیره و اصرار بر صغیره و منافی مروت بجا نیاورد و کبائر گناهانیست که وعید عذاب داده شده هفتم زن نباشد اگر مأموم مرد است هشتم امام نشسته نباشد اگر مأموم ایستاده باشد نهم قرائت امام صحیح باشد دهم کاریکه باعتقاد مأموم مبطل است نکند مثل ترك سوره با اعتقاد مأموم بوجوب آن یازدهم احتیاطاً امام مجذوب و مبروص و محدود نباشد دوازدهم احتیاطاً غیر مختون هم

نباشد و باید مأموم بدون عذر قصد فرادا نکند و سلام بدون عذر قبل از امام نگوید و مأموم که در غیر رکعت اول اقتدا می کنند و بواسطه درك رکوع امام قطع حمد احتیاطاً بعد از اتمام اعاده آن نماز را بنماید .

فصل هشتم در نماز آیات و مراد از آیات کسوف و لخبسوف و زلزله و بادهای خوفناک و صاعقه و صیحه آسمانی و صدای خراب شدن دیوار و چیزهائی که غالب مردم بترسند چه آسمانی یا زمینی پس اگر آن آیت بقدر نماز هست واجب است همان وقت بجا آورد و اگر وسعت ندارد همیشه اداء است و اگر تمام قرص خورشید یا ماه نگرفته فرادا بخواند و نماز آیات دو رکعت است در هر رکعت پنج رکوع باین قسم که نیت کند نماز آیات بجا میاورم قرۃ الی الله و تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند و برکوع رود و سر بردارد و بگوید الله اکبر و باز هم حمد و سوره و قنوت بخواند و رکوع نماید و سر بر دارد و حمد و سوره بخواند تا پنج حمد و سوره و پنج رکوع بجا آورد پس از رکوع پنجم بگوید سمع الله لمن حمده و برود

ص: 74

دو سجده بجا آورد و بر کرد در کعت دوم را بهمین قسم بجا آورد که در دو رکعت ده حمد و ده سوره و ده رکوع و پنج قنوت بجا آورده شود و بر هر مکلفی واجب است غیر از حیض و نفساء و احتیاطاً حیض و نفساء نیز قضاء نماز آیات را بنمایند و فرموده اند جایز است هر رکعتی يك حمد و يك ی يك حمد و يك آیه از سوره ورکوع و سر بر داشتن و خواندن آیه دیگر از همان سوره و رفتن بر کوع تا پنج آیه و پنج رکوع در رکعت اول و به همین قسم رکعت دوم يك حمد و پنج آیه و پنج رکوع و احتیاط بنحو اول خواندن است و ترك نکردن تکبیرات و ذکر سمع الله لمن حمده و بحول الله وقوته اقوم واقعد و استغفار بین سجدتین و ذکر شریف صلوات در رکوع و سجدها در تمام نمازها و تعقیبات وارده زینت نماز است و سزاوار است نماز گذار ترک نکند و بعد از هر نمازی دعا نماید که انشاء الله مستجاب کار سید صدرالدین الموسوی از برادران ایمانی ملتمس طلب مغفرتی هستم اللهم وفقنا بتوفیقاتك ونور قلوبنا بمعرفتک

دوم از فروع دین روزه واجب ماه رمضان است و در آن چند فصل است فصل اول روزه عبارت از بازداشتن

ص: 75

خود را از ده چیز از قبل از طلوع صبح صادق تا مغرب شرعی با قصد فرمان برداری خدا و باید تعیین نماید آنرا اگر متعدد باشد و نیت تحمل از غیر نماید اگر نیابتی باشد و در ماه رمضان روزه غیر از رمضان واقع نمی شود و نیت قبل از طلوع فجر نماید و اگر در شب نیت کند و قصد خلاف نکند صحیح است و شب اول ماه رمضان نیست مجموع را بکند و هر شب هم تجدید نیت نماید اما روزه مستحب را تا ظهر می توان نیت نمود و روزه مشکوک اول ماه رمضان را قصد آخر شعبان نماید و باید نیت را تا آخر روز مستدام بدارد و تردید و نیت قطع نکند اما مفطرات روزه که ده چیز است اول و دوم خوردن و آشامیدن چه معتاد و معتاد سوم جماع برای مرد و زن قبل یا دبر زنده یا مرده کوچک یا بزرگ بدخول یا انزال منی چهارم دروغ بر خدا و پیغمبر و ائمه و فاطمه زهرا و انبیاء علیه السلام راجع بدنیا یا آخرت یا دین یا فتوی حتی با اشاره یا نوشتن پنجم رفرو بردن زیر آب پس غسل ارتماسی در روز روزه عمداً هم غسل و هم روزه باطل است ولی سهواً باطل نیست ششم

رسانیدن غبار بحلق عمداً چه غلیظ یا رقیق غبار آرد یا خاک یا دخان ولی نسیاناً مبطل نیست هفتم عمداً باقی بودن بر جنابت و حیض و نفاس تا فجر و جنب شدن در وقتی که وسعت غسل یا تیمم نداشته باشد و اگر روز روزه محتلم شد ضرر بروزه ندارد و غسل ترتیبی بکند و اگر جنب در شب خوابیده بقصد غسل قبل از طلوع فجر و بیدار نشد بعد غسل نماید و اگر بدون قصد غسل خوابید یا بیدار شد و دوباره خوابید روزه اش باطل و قضا نماید و در خواب سوم قضا و كفاره لازم است هشتم استمنا بهر قسمی که منی بیرون آید نهم حقنه نمودن بهر چیزی که برسد بیاطن حتی دوا ریختن در احلیل دهم عمداً فی کردن اگرچه سببی را در شب حاصل نماید .

فصل دوم کراهت دارد جهت روزه دار چشیدن چیزی و نشستن زن در آب و تر کردن جامه و کندن دندان و بو کردن گل و سرمه کشیدن و خون گرفتن و حمام رفتن با احتمال ضعف وانقیه اگر بجوف نرود و مستحب است مسواک بچوب خشک لکن اگر بیرون آورد و تر شده

در دهن نکند و فضلات سروسینه را عمداً فرو نبرد اگرچه بفضای دهن نرسیده باشد و اگر از دهن بیرون آمد و فرو داد عمداً روزه باطل و کفاره جمع لازم است و اگر طعامی چشید یا عبثاً آب مضمضه نمود و فرو داد روزه باطل و قضا کند و اگر بقیه قی یا اروق را فرو داد روزه باطل و کفاره جمع لازم است و این ده چیز که مبطل روزه است عمداً موجب قضا و کفاره است ولی اگر اکراهاً و نسیاناً باشد عیب ندارد و اگر در شب یا روز جهت غسل آب میسر نشد تیمم نماید که اگر تیمم نکرد روزه باطل است کفاره يك روز ماه رمضان بنده آزاد نمودن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و اگر افطار بحرام نمود هر سه را باید بدهد و اگر کسی افطار ماه رمضان را حلال بداند کافر است و اگر حلال نداند تا سه مرتبه تعزیرش می کنند و در مرتبه چهارم مرتد می شود و قتل او لازم می شود و اگر با اکراه زن با زوجه خود جماع نمود و کفاره باید بدهد فصل سوم باید دانست که روزه واجب چند روز است و آن ها روزه ماه رمضان و قضا و کفاره و بدل

قربانی در حج تمتع و روزه نذر و عهد و اعتکاف و بنابر احتیاط روزه روزی که نماز عشاء شب پیشش را بواسطه خوابیدن تا نصف شب نخوانده و روزه‌های مکروه روز عرفه در صورت ضعف در دعا و روزه مستحبی مهمان بی اذن میزبان و فرزند بی اذن والدین و روزه‌های حرام روز عید قربان و فطر و سه روز بعد از عید قربان برای کسی که در منی باشد و روزه آخر شعبان بقصد ماه رمضان و روزه وفاء بنذر معصیت و روزه وصال و سکوت و روزه واجب در سفر و اما روزه‌های مستحب

اول و وسط و آخر هر ماه و مبعث و غدیر و ماه رجب و شعبان و غیره و روزه بر غیر بالغ و دیوانه و حائض و نفساء واجب نیست و از مست و بیهوش و مسافر و مریض صحیح نیست لکن قضا بر آن‌ها لازم است مگر مریضی که مرضش طول بکشد تا سال دیگر که قضا نمی‌کند و عوض هر روزی يك مد طعام بفقیر بدهد فصل سوم هلال ماه شناخته می‌شود بگذشتن سی روز از ماه شعبان یا برویت هلال یا بتواتر و شیاع مفید علم یا بحکم حاکم اگر معلوم الخطا نباشد و قضاء رمضان را بر رمضان دیگر نرسیده باید بگیرد و کسی که روزه واجب

برذمه دارد روزه مستحب نمی تواند بگیرد و قضاء فوت شده از والدین را پسر بزرگ بگیرد و کسی که نیت قضاء رمضان یا روزه معین نماید اگر وقت آن تنك نشده تا ظهر می تواند افطار نماید اما بعد از ظهر حرام است و میفرمایند واجب است احتیاطاً اگر روزه قضا باشد كفاره بدهد و واجب است قضا نه كفاره در چند مقام اول اگر مسحور کرد در صبح و یا قدرت مراعات نکرد و معلوم شد صبح بوده با آنکه اعتماد بقول عدلین نموده باشد باید قضا نماید دوم اگر کسی خبر داد صبح شده و اعتنا نکرد و صبح بوده باید قضا نماید و اگر عدلین خبر دادند كفاره هم باید بدهد سوم اگر افطار نمود بی تحقیق خود با خبر دادن عدلین و موقع افطار نبوده قضا نماید و اگر بقول غیر عادل افطار نموده كفاره هم دارد چهارم اگر قطع بدخول شب بواسطه تاریکی نمود و بعد معلوم شد خطایش قضا نماید و اگر قطع نکرده افطار نمود كفاره هم بدهد پنجم اگر استنشاق نموده یا در غیر وضو مضمضه نمود مثل خنك شدن و بحلق رفت قضا نماید و جهت مضمضه وضو تا سه مرتبه آب دهن را بیرون اندازد اللهم

وفقنا بتوفیقاتك در مسائل زكوة و خمس و در آن سه فصل است فصل اول در زكوة فطره و آن واجب است بر عاقل بالغ آزاد كه مالك مؤنه سال خود و واجب النفقه بوده باشد یا صاحب كسب وافى باشد آنوقت زكوة فطره خود و هر كه عیال و اولاد و واجب النفقه اوست و اسیر و مهمان و طفل كه پیش از دخول ماه شوال متولد شود نیم من وزن شاه گندم یا جو یا مویز یا خرما یا قیمت آن ها بفقیر مؤمن تا قبل از ظهر روز عید بدهد و كسى كه زائد بر مؤنه شب و روزش داشته باشد احتیاطاً دور بزند بر عیالش و بغير بدهد و مهمان وزن غنى هم احتیاطاً خودشان بدهند بغير سید هر گاه دهنده سید نباشد.

فصل دوم در زكوة مال و آن بر نه چیز است گندم و جو و خرما و مویز و شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره كه مسكوك باشد واجب است اداء آن ها بر عاقل بالغ آزاد مالك كه بحد نصاب هم رسیده باشد و نصاب گندم و جو و خرما و مویز صد و چهل و چهار من وزن شاه قلیلی كمتر از آب قنات و جاری ده يك و از چاه و دلو بیست يك بعد از وضع مالیات و مخارجات و نصاب طلا و نقره مسكوك

ص: 81

در طلا بیست دینار هیجده نخودی نه نخود دوم در چهار دینار و در آن دو قیراط هفت جو طلا و نصاب نقره دویست درهم در آن پنج در هم دوم چهل در هم و در آن يك درهم و نصاب گوسفند پنج است در چهل يك گوسفند و درصد و بیست و يك دو گوسفند و در دویست و يك سه گوسفند و در چهارصد و يك چهار گوسفند و هر صد که زیاد شد يك گوسفند و نصاب کاو اول سی رای يك کاو یا در دوسال دوم چهل رأس يك کاو یا در سه سال و نصاب شتر دوازده است هر پنج شتر يك کوسفند و چون بیست و شش شتر شد يك شتر ماده داخل در دو سال و در سی و شش یک شتر داخل در سه سال و در چهل و شش یک شتر داخل در چهار و در شصت و يك يك شتر ماده داخل در پنج و در هفتاد و شش دو شتر داخل در سه و در نود و يك دو شتر داخل در چهار و در هر چهل شتر يك شتر ماده یا در سه و در هر پنجاه و يك يك شتر ماده یا در چهار سال بدهد و باید چهار پایان چرنده باشند و در تمام سال کارکن نباشند و گذشتن سال هم معتبر است فصل سوم در خمس در خبر است کسیکه یکدر هم از خمس

ندهد داخل در ظالمین و غاصبین حق آل محمد است و خمس در چند چیز واجب است اول آنچه از كفار حربی بدست آید بهر قسم ولی مغضوب از مسلم نباشد دوم از معادن مثل طلا و نقره و فیروزه و نفت و آهن و حلبی و زبیق و مس و یاقوت و زبرجد و عمیق و سلیمانی و نمك و زاج و زرنیخ و آهك و سنگ مرمر و سنگ مشهد و امثال آن ها هر گاه بعد از اخراج مؤنه و تصفیه قیمتش به بیست دینار برسد اگرچه جماعتی شریك باشند و كمال احتیاط يك دینار است سوم گنج آنهم اگر به بیست دینار طلا یا دویست در هم نقره برسد و آنچه در شكم ماهی و غیره پیدا شود داخل در گنج است چهارم آنچه از دریا بیرون آورند پنجم زمین که ذمی از مسلمان بخرد یا منتقل باو شود چه مسكن باشد. یا زراعت ششم مال حلال و حرام که مخلوط شده باشد و مقدار و صاحبش معلوم نباشد و اگر صاحبش را می داند باید

حلال بودی بطلبد و با و بدهد هفتم آنچه از مؤنه سال زیاد بیاید از صناعت و زراعت و تجارت و هر کسی هر چند هیزم کش یا کتیراگیری یا امثال آن ها باشد و همچنین نماء

ملك يا گوسفند يا زياد شدن قيمت آن ها پس آنچه زياد از مؤنه سال شد بايد عين يا قيمت آن ها را بدهد والا نمي تواند تصرف کند و در هبه و هديه وارث و جايزه و مهر احتياط فرموده اند که خمس تعلق مي گيرد و در خمس سال شرط نيست و ارباح مکاسب مي توانند روز بروز بدهند و خمس دو قسمت ميشود نصف سهم حضرت امام عليه السلام که امروزه به مجتهد جامع الشرايط يا کسی که اذن از مجتهد داشته باشد داده شود و نصف بسادات فقير از ايتام و مساکين و ابن السبيل و بقدر مخارج يکسال مي تواند بدهد و بهتر آنست که عادل هم باشد و از محل هم خارج نکند و اگر از محل خارج نمود و تلف شد ضامن است و اما مظالم بايد بصاحبش رد کند و اگر ممکن نيست با اذن مجتهد بفقراء بدهد اللهم اغننا بحلالك عن حرامك وبفضلک عن سواک در مسائل واعتکاف و در آن سه فصل است فصل اول در حج و آن واجب است بر مستطيع يک مرتبه در عمر و واجب است در همان سال استطاعت و لازم است قبل از مسائل لازمه را بدانند و حقوقات واجبه را اداء نمايد و وصيت و

نیت حج بکند و مستحب است قبل از احرام تنظیف وازاله مو و ناخن و غسل احرام را احتیاطاً ترك نکند هر چند حیاض باشد و استغفار بنماید و قبل از پوشیدن دو جامه احرام در میقات گاه دو رکعت نماز بخواند و تلفظ باین نیت بنماید محرم می شوم برای عمره تمتع حجة الاسلام واجب قرۃ الی الله که ملتزم می شوم کف از محرمات پس در همه احوال مشغول بلند خواندن تلبیه بشود تا وقتی که بخانه های مکه برسد و بگوید لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ چون وارد مکه شد درب مسجد الحرام بایستد و بخواند السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس بآرامی و ذکر و صلوات وارد شوو بگو اللَّهُمَّ فَكَّرَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَبِئْسَ حَجْرُ الْأَسْوَدِ وَانْدَكِي بِشَرِّ حَجَرِ الْأَسْوَدِ

نیت کن هفت دور طواف خانه کعبه میکنم طواف عمره تمتع حجة الاسلام واجب قربة الى الله و نیت را در ذهن داشته باش و مشغول طواف شو از حجر الاسود بنحوی که تمام بدن مرور کند بر تمام حجر الاسود و داخل در حجر اسمعیل نشود و دست هم بدیوار حجر نگذارد و از طرف دست چپ مشغول طواف شو و این دعا را بخوان اللَّهُمَّ أَنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَأَنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ أَسْمِي اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَاذِ بِكَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضْمَعِفْ لِي وَاغْفِرْ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ پس دو رکعت نماز طواف واجب بجا آورد بی فاصله و هر گاه يك شوط یا بیشتر فراموش شد احتیاط آنست که تمام نماید و اعاده هم نکند و مستحب است هر شوطی دست بحجر الاسود بمالد و دعا کند و اقرار بگناهان خود نماید و پس از هفت

مرتبه طواف برو برای سعی صفا و مروه و اگر ختنه نکرده باشد عمل او باطل است و نیت کن هفت مرتبه سعی می کنم میان صفا و مروه واجب قربة الى الله و نیت را مستمر دار و ابتدا کند از جزء اول صفا که پاشنه پا را بچسباند بجزء اول مسافت و چهار درجه از صفا بالا رود و بهر رفتن و برگشتن دو شوط حساب می شود و شوط هفتم بمروه ختم می شود و زیاد تر نرود و هر قدر بتواند ذکر و استغفار و صلوات بخواند و بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً سَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و هر يك از الله اكبر و لا اله الا الله والحمد لله و سبحان الله را صد مرتبه بگوید و بعد از فراغ واجب است تقصير نماید و نیت نماید تقصير می كنم جهة محل شدن از عمره تمتع در فرض حجة الاسلام واجب قربة الى الله و قدری از ناخن یا شارب بگیرد پس آنچه بر او حرام بود حلال می شود غیر از تراشیدن سر باین جهة آنرا عمره تمتع می گویند و اگر تقصير را فراموش کرد تا موقع احرام حج يك گوسفند

فديه نمايد و احتياط آنکه طواف نساء را بعد از تقصير بجا آورد که برود پيشتر از حجر الاسود و نيت نمايد هفت دور طواف نساء می کنم واجب قربة الى الله پس بشرحی که ذکر شد طواف بنمايد و بعد دو رکعت نماز طواف نساء بجا آورد وسعی لازم نیست بعد از اين اعمال واجب می شود احرام برای حج تمتع با ذکر و دعا و بهتر آنکه روز هشتم وارد مسجد الحرام بشود و دو رکعت نماز بخواند و نيت کند احرام می بندم در حج تمتع واجب قربة الى الله و ملزم می شوم بكف محرمات و متوجه بعرفات بشود با ذکر و استغفار و بنحوی که ذکر شد و بلند تلبیه بگويد و بخواند اللَّهُمَّ إِنَّاكَ أَزْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أُمْلَى وَأَصْلَحْ لِي عَمَلِي و چون بعرفات رسيد نيت نمايد تا شام می باشم در عرفات در حج تمتع حجة الاسلام واجب قربه الى الله پس دعاهاى عرفه و قرآن و هفتاد مرتبه استغفار و هفتاد مرتبه اسئلك الجنة و نماز روز عرفه که دور کمت و زیر آسمان است بخواند و آمرزش گناهان و حوائج خود را بخواهد که مستجاب است و شب عيد کوچ کند بمشعر الحرام و واجب

است شب را در مشعر بروز بیاورد و نیت نماید شب را بروز می اورم در مشعر الحرام واجب قربة الى الله وجمع آوری هفتاد سنك ریزه بنماید و هر قدر ممکن است دعا و استغفار بنماید . و پیش از طلوع آفتاب از مشعر بیرون نرود ووقوف به شعر رکن است و بعضی دعا و استغفار را در این مقام واجب می دانند و احتیاط مشغول بذکر و دعا بودن است و بسیار بگویند رَبُّ اغْفِرْ وَ اِزْهَمْ وَ تَجَاوِزْ عَمَّا تَعْلَمُ اَنَّكَ وَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَكْرَمُ اللَّهُمَّ اَعِثْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ پس بعد از طلوع آفتاب کوچ کند جهة منی برای رمی جمره و وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است و اگر فراموش نمود تا روز سیزدهم بجا آورد و نیت کند میاندازم هفت سنك بجمره عقبه در حج تمتع واجب قربة الى الله و یکی یکی بخود جمره اندازد و با طهارت باشد تکبیر و ذکر بگوید دیگر از واجبات منی ذبح يك هدی است و احتیاطا گوسفند یکساله تمام باشد و کروکور و وپیر و ناخوش و شاخ و گوش بریده نباشد و آب باو بدهد و دعا بخواند و ذبح نماید و قدری از آنرا بخورد پس

از آن سر بتراشد و نیت نماید سر میتراشم در فرض حج تمتع واجب قرۃ الی الله و بخواند اللهم أعطني بكل شعرة نوراً یوم القيمة و ترتیب میان رمی و ذبح و حلق لازم است و واجب است مراجعت بمکه برای طواف زیارة و نماز طواف و سعی صفا و مروه و طواف نساء و نماز طواف نساء بشرحی که ذکر شد پس نیت کند هفت دور طواف خانه کعبه میکنم طواف تمتع حجة الاسلام واجب قرۃ الی الله پس از آن در مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف واجب بجا آورد و برود برای سعی صفا و مروه و نیت نماید هفت مرتبه سعی صفا و مروه می کنم واجب قرۃ الی الله و پس از آن برگردد برای طواف نساء و نماز آن بنحویکه در عمره ذکر شده و واجب است هر گاه روز عید برای طواف و سعی یع بمکه رفته برگردد بمنی و جایز است تاخیر رفتن بمکه تا روز یازدهم و دوازدهم بعد از زوال شمس ولی جایز نیست تقدیم طواف و سعی پیش از رفتن بعرفات و مشعر و منی و واجب است شب را برگردد یعنی که شب یازدهم و دوازدهم و هر گاه روز دوازدهم مانند تا شب داخل شد شب سیزدهم در منی

بیتوته نماید و هرگاه ترك نمود هر شیئی واجب است يك گوسفند ذبح نماید و روزهایی که در شب آن ها بیتوته می کند واجب است بترتیب رمی جمرات ثلث بنماید جمره اولی و جمره وسطی و جمره عقبه و حمد خدا نماید و صلوات فرستد و مکرر الله اکبر بگوید و بگوید اللهم تقبل منی برحمتک یا ارحم الراحمین و واجب دانسته اند در عقب پانزده نماز در منی و غیر آن بگوید اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَيْنَا وَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْنَا وَرَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَمستحب است در منی نمازهای واجب را در مسجد خیف بجا آورد که ثواب بسیار دارد و روز یازدهم و دوازدهم کوچ کند برای مکه و بعد از طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن هر قدر بتواند قرآن بخواند و طواف نماید که افضل است از نماز مستحبی به نیابت چهارده معصوم و پدران و مادران و ارحام و ذوی الحقوق و زیارت قبور حضرت ابیطالب و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله را بنماید و چون در مراجعت از منی داخل مسجد الحرام

شد بطوری که ذکر شد با رami و پای برهنه وارد شود در خانه خدا و بخواند اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا اللَّهُمَّ فامنی مِنْ عَذَابِكَ و مستحب است برای دخول خانه کعبه غسل نماید و در خانه کعبه دو رکعت نماز بخواند و بسیار دعا نماید و بعد طواف وداع بکند هر گاه طواف واجب و سعی و طواف نساء نموده و از حق تعالی بخواهد که باز هم توفیق زیارت مرحمت فرماید و باید دانست که بر حاج متمتع سه مرتبه بتدریج محرمات احرام براو حلال میشود بعد از سر تراشیدن و بعد از سعی و بعد از نماز طواف نساء .

فصل دوم و چیزهایی که بر محرم حرام است اول شکار نمودن دوم مطلق التذاذ از زنان سوم عقد نمودن و شاهد شدن چهارم استمنا نمودن پنجم استعمال عطریات ششم پوشیدن لباس دوخته بر مردان هفتم سرمه کشیدن هشتم نظر در آینه و مثل آینه نمودن نهم پوشیدن موزه و جوراب بر مردان دهم دروغ گفتن یازدهم قسم خوردن دوازدهم کشتن جانوران ساکن در بدن سیزدهم انگشتر برای زینت

در دست نمودن چهاردهم زنان زینت کردن پانزدهم روغن مالیدن شانزدهم ازاله مواز بدن نمودن هفدهم پوشانیدن سر حتی بکل هیجدهم نقاب گرفتن زنان نوزدهم سایه قرار دادن مردان بر سر در حال منزل طی کردن بیستم خون گرفتن بیست و یکم ناخن گرفتن بیست و دوم دندان کندن بیست و سوم گیاهی از زمین حرم کندن بیست و چهارم بی ضرورت شمشیر و سلاح برداشتن فصل سوم در اعتکاف و آن مکث روزه دار است در مسجد جامع سه روز یا بیشتر برای عبادت و در آن ثواب بسیار است و بی روزه داشتن منعقد نمی شود و از سه روز کمتر نمی باشد و در غیر مسجد جامع واقع نمی شود و جایز نیست بدون ضرورت از مسجد بیرون برود و اگر بیرون رفت جایز نیست به نشیند بازیر سایه راه رود و در غیر آن مسجد مسجد به احمد که اعتکاف نموده نماز بخواند مگر بواسطه ضرورت و حرام است در اعتکاف واجب روزه را فاسد نماید و جماع و بوی خوش و دست بیدن زنان و آنچه روزه را باطل می کند اعتکاف را نیز باطل می نماید و چون دو روز اعتکاف سنت نمود روز سوم بر او واجب می شود

واما مسائل جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر در آن دو فصل است فصل اول در جهاد و آن اعظم ارکان اسلام است و واجب است بوجوب کفائی و اگر مسلمانان کمتر باشند واجب عینی می شود و واجب است بر مردان عاقل بالغ آزاد و پیری که قوه جنگ داشته باشد و بیمار نباشد و قادر بر نفقه خود و عیال خود باشد و قرض نداشته باشد و والدین او راضی باشند در حضور مبارك امام واجب می شود و اگر امام مصلحت در صلح با کفار بداند مختار است و گریختن از جهاد از گناهان کبیره است فصل دوم در امر بمعروف و نهی از منکر و هر دو واجب است بشرط آنکه کسی که امر و نهی می نماید بالغ و عاقل باشد و فعل خوب و بد را بداند و احتمال اثر داشته باشد و امر و نهی مستلزم ضرر و معسدت بر خود و مسلمین نباشد آنوقت واجب است بجا آورد و عمل هم داشته باشد و حب فی الله و بغض فی الله لازمه ایمان و اسلام است و تولی و تبری از فروع دین شمرده اند و فروع دین حقیقه اصول دین است که بعنوان فروع دین ذکر می شود و پس از ذکر اصول و فروع دین شروع می شود

در بیان سائر احکام لازمه و مسائل شرعیه بنحو مسلمیات بین فقهاء امامیه با ملاحظه احتیاط و اما سایر احکام مشتمل بر چند فصل است فصل اول در نذر و نذر آنستکه فعلی یا ترك فعلی را بر خود لازم نماید بصیغه شرعیه که بگوید لله علی هکذا و بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد و احتیاطا زن با اذن شوهر و اولاد باذن پدر باشد و نذر هم بر اطاعت باشد نه بر معصیت و بآنچه هم نذر میکند قادر باشد آنوقت لازم است عمل نماید فصل دوم در بیع یعنی خرید و فروش هر گاه صیغه خوانده نشده بیع مطاعات است یعنی مادامیکه ثمن و مثن باقیست می توانند فسخ نمایند و اگر صیغه خوانده شده که فروشنده بگوید بعت و خریدار بگوید قبلت بیع لازم می شود و نمی توانند فسخ کنند مگر شرط خیار فسخ کرده باشند یا معیوب و مغبون باشد ولی در بیع حیوان تا سه روز خیار فسخ دارند و معامله طفل و سفیه باطل است و باید ثمن و مثن معلوم باشد و اگر از يك جنس باشد باید مساوی باشد که زیادی ربا می شود و جو و گندم و اقسام برنج يك جنس است و اگر ثمن و مثن موجود است

که نقد است و اگر ثمن تأخیر دارد نسیه است اگر مئمن تأخیر دارد سلف است و صحیح است و اگر هر دو تأخیر دارد باطل است و آنچه معمول کیل و وزن یا بعدد است بدون کیل یا عدد خرید و فروش جایز نیست مگر بطریق مصالحه و صلح عقدیست لازم و مشروع از عاقل بالغ مختار با رضایت طرفین منعقد می شود و صحیح است فصل سوم در وقف باید واقف عاقل و بالغ و مالک باشد و وقف دائم باشد

اگر مدت معین نمود وقف نیست و حبس است و وقف بر خود نکند و بتصرف وقفی بدهد و مصرف آن معین و شروع باشد و وقف بر فقراء و مصالح مسلمین قبول شرط نیست و وقف بر مساجد با قبول حاکم شرع باشد وصیغه آن وقف است .

فصل چهارم در تصدق و حرام است صدقات برهاشمی مگر صدقه دهنده هاشمی باشد یا خمس وفا بمعاش آن ها نکند بمقدار معاش جایز است بگیرند و باید با نیت قربت باشد و صدقات که داده شد و جوع در آن جایز نیست فصل پنجم در اجاره و آن مالک نمودن منفعت است از خانه و دکان

و ملك و حيوان و غيره و بايد عاقل و بالغ ورشيد و جازي التصرف باشند و منفعت و مال الاجاره و مدت معلوم باشد و مباح و مقدور باشد و جازي است اجاره دادن شخص خود را برای عمل معلوم و آن عقديست لازم و صيغه آن اجرت و مستاجر بگويد قبلت و فسخ نمی شود مگر هر دو فسخ نمایند يا شرط فسخ کنند و مستاجر امين است ولي در چند موضع ضامن است حمال اگر چیزی بشکند ساربان و چوپان و ملا-ح و طبیب و خیاط و ختنه کننده و طباخ و خباز هر گاه ضایع کنند و معلم اگر تأديب او بجنایت برسد فصل ششم در ضمانت و حوالت و كفالت اما ضمانت هر گاه کسی طلبی از کسی دارد و ضامن بالغ و عاقل و آزاد و صاحب مال باشد و ضمانت نماید منتقل می شود دين بدمه ضامن و اما حواله هرگاه کسی طلبی داشته باشد و حواله بدهد بدیگری و هر سه نفر از طلب کار و بدهکار و کسی که حواله را میگیرد راضی باشند صحيح است و اما كفالت آنستکه کسی مدیون کسی باشد و دیگری كفيل او شود که هر وقت مدیون را خواست او را حاضر نماید پس بری

می شود کفیل بحاضر نمودن او و اگر حاضر نکرد طلب او را بدهد فصل هفتم در رهن و قرض اما رهن چیزیست که قرار بدهد جهت اطمینان طلبکار که اگر نداد آنرا بفروشد و طلبش را بردارد در مدت معین و باید عاقل و بالغ و مالک باشد و ممکن باشد تصرف آن و اگر تلف شد ضامن است و رهن قبل از فك رهن نمی تواند در مرهون معامله نماید و اما قرض چیزی دادن بکسی بمدت معین که عوض آن را بدهد و شرط نفع جایز نیست پس ملك قرض کننده می شود و باید نیت اداء داشته باشد و اگر طلبکار غایب یا فوت شد بوارتش بدهد و اگر از او مایوس شد بحاکم شرع نماید فصل هشتم در وکالت و وصایت وکالت نایب نمودن است کسی را در حیات و باید معلق بشرطی نکنند و برای هر کدام بخواهند فسخ جایز است و تا وقتی که وکیل عالم بعزل نشود هر کاری نموده باشد است و بمردن و جنون باطل می شود و وکالت در چیزیست که شارع مباشرت نخواهد مثل عقد و طلاق و خرید و فروش و گرفتن حقی پس مثل طهارت و نماز جایز نیست و وکیل نمی تواند دیگری

را وکیل نماید مگر با اذن موکل و وکیل ضامن نیست مگر با تعدی و تفریط و مستحب است وکیل اختیار نمودن و اما وصایت و آن اختیار دادن کسی را بر تصرف و عمل نمودن بعد از وفات و بعد از قبول وصی وصیت باطل نمی شود اگر چه قبض نکرده باشد و وصی امین است و ضامن نیست مگر با تفریط و وصیت زائد بر ثلث مال جایز نیست مگر با رضایت ورثه و اما جعاله حقیقت مشروع که جهة بجا آوردن عملی معلوم نمایند که با بجا آوردن آن عمل دریافت نمایند فصل نهم در سوگند و کفارات اما سوگند خوردن واجب میسود جهة خلاص نمودن مسلمانان یا حفظ مالکيه لازم است و حرام است قسم بدروغ و بغیر نام خدا منعقد نمی شود و قسم مکروه است و اما کفارات باید دانست که كفاره يك روز افطار ماه رمضان یا نذر معین و كفاره ظهار و خلاف نذر یکی از سه چیز است یا بنده آزاد نمودن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و اگر بحرام افطار نمود هر سه را باید بدهد و كفاره افطار قضاء ماه رمضان بعد از زوال و كفاره

کسی که جامه خود را در مصیبت زن یا فرزند پاره کند ده مسکین جامه یا طعام دادن یا سه روز متصل روزه گرفتن است و کفاره جماع در اول حیض يك مثقال طلا و در وسط حیض نیم مثقال و در آخر حیض ربع مثقال بدهد و کسیکه پیش از نماز عشا بخوابد و بعد از نصف شب بیدار شود آن روز را روزه بدارد و کفاره غیبت استغفار نماید و کفاره بگوید اللهم لا تنقثنی یعنی خدایا مرا دشمن مدار و کفاره کسی که با گرفتن تمام قرص ماه یا خورشید نماز آیات نخوانده باید غسل کند و وضو بگیرد و قضا بخواند و کفاره مجلس بخواند سبحان ربك رب الغرة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین

فصل دهم در غصب و مشترکات ولقطه و احیاء موات اما غصب و آن تصرف در مال غیر است عدواناً و عمداً و آن حرام است و رد آن واجب است و اگر تصرف نمود و قیمت آن کم شد لازم است عین آنرا با ارزش نقصان رد کند اما مشترکات بین مسلمین چند چیز است اول راه ها که نشستن یا خرید و فروش در آن ها نمودن هر گاه وسیع باشد و

ضرر بعابرين نرساند جايز است دوم مساجد كسى كه سبقت بكنند اولاست و اگر برخيزد و لباس خود را بگذارد ديگرى نمى تواند آنجا به نشيند سوم موقوفات عامه مثل مدرسه ها گر اهليت آنها دارد اولاست از ديگرى و جايز نيست بيرون كردن او هر چند بسيار بماند چهارم معدن ها و آب ها مگر در محل مخصوص و آب نهرهاى بزرگ مشترك بين مسلمين است و اگر كسى از شهر بزرگى جدا كند مالك آنها مى شود و اما نقطه و آن برداشتن مال يا طفل يا حيوانيست كه اگر برندارند ضايع مى شود بقصد نگاه داشتن براى صاحبش كه بايد روز و شب و هفته و ماه تا يك سال معرفى نمايد اگر صاحبش پيدا نشد بحاكم جامع الشرايط رجوع نمايد والا ضامن است و اما احياء موات زمين هائىست كه بتصرف كسى نباشد و آنها ملك امام است و اگر مسلمانى آباد نمايد و در آنها كار كند و مملوك مسلمانى نباشد و مكان عبادت هم نباشد مالك مى شود فصل يازدهم در حريم املاك و كسانيكه از تصرف در مال خود ممنوعند اما حريم خانه مقدار خاك ريز و برف انداز و ممر داخل شدن است و

حریم دیوار مقدار خاک آنست هرگاه خراب شود و حریم شهر حوالی آنست و حریم چاه که با شتر آب کشند شصت ذراع است و حریم چشمه و قنات در زمین نرم هزار ذراع و در زمین سخت پانصد ذراع است و حریم راه هفت ذراع که در این حریم ها دیگری را نمی رسد تصرفی نماید و اما کسانی که از تصرف در مالشان ممنوعند یکی طفل که ولی ندارد تا بالغ و رشید شود و رشید کسیکه مال را در چیزهای صحیح صرف کند یکی دیوانه و سفیه که ولی آن ها پدر و جد پدری می باشند دیگر بیمار زائد بر ثلث دیگر کسی که مالی جهت قرض گرو گذارده تا وقتی که قرض را بدهد دیگر کسی که از اسلام خارج شده مگر برگردد به اسلام دیگر مفلس که غیر از خانه و نفقه خود و عیال ممنوع است از مال فصل دوازدهم در شرکت و مضاربه و مزارعه و مساقات و سبق و رمایه اما شرکت و آن ممزوج نمودن مالیست از چند نفر در چیز معین و غیر از شرکت اموال نزد شیعه شرکت دیگر مثل شرکت ابد آن جایز نیست و باید عاقل و بالغ و جایز التصرف و حاضر بودن سرمایه

معلوم باشد و تصرف هیچکدام صحیح نیست مگر باذن یا وکالت شریک و شریک امین است و ضامن نیست مگر با تقصیر و شرکت بموت فسخ می شود و اما مضاربه یعنی مالی معین بکسی دادن است که تجارت نماید و آن عقدیست جایز هر وقت بخواهند فسخ نمایند می توانند و اما مساقات یعنی باغبان گرفتن و مزارعه یعنی برزگر گرفتن که این دو از عقود لازمه است و فسخ نمی شود مگر برضایت طرفین و اما سبق و رمایه یعنی اسب دوانیدن و تیرانداختن و این قسم گرو بستن مشروع و صحیح است و دیگر اقسام قمار حرام است فصل سیزدهم در قضاوت و شهادت شرط است قاضی و حاکم عاقل و بالغ و عادل و مرد و مجتهد باشد و کور و فراموش کننده نباشد و شاهد نیز باید عاقل و بالغ و عادل و حلال زاده باشد و متهم و سائل بکف و با عداوت نباشد و علم قطعی داشته باشد و گواهی دادن واجب است باجماع با قدرت و عدم ضرر و حرام است اجرت گرفتن مگر بمسافرت و مدعی نیز باید عاقل و بالغ و مختار باشد و دعوی برای خود نماید یا وکیل یا وصی یا

ولی باشد و مدعی کسی را گویند که اگر ترك دعوی نماید کسی را با او کاری نباشد و مدعی علیه یا اقرار می نماید یا قسم می خورد بر نفی که وظیفه منکر است و جایز نیست غیر از حاکم شرع قضاوت نمودن مگر بعنوان اصلاح بین مسلمین فصل چهاردهم در شکار نمودن و چیزهائی که حلال و حرام است اما شکار نمودن در ملك غیر بدون اذن او و بغیر تیر و شمشیر و نیزه و سك شکاری جایز نیست و در حرم مکه و حالت احرام و ذبح کافر و دشمن اهل بیت و دیوانه و مست و طفل غیر ممیز حرام است و ذبح کننده باید عاقل و ممیز و مسلمان و رو بقبله و با نام خدا باشد و چهار عضو بریده شود و شتر را نحر و گاو و گوسفند و مرغ و گنجشك را ذبح نمایند و اگر حیات آن معلوم نباشد باید بعد از ذبح حرکت کند و شش قسم از حیوانات حلالند و آن ها شتر و گاو و گوسفند اهلی و وحشی و گورخر و هر پرندۀ که بر هم زدن بال او بیشتر از پهن داشتن باشد یا چینه دان یا سنگدان یا در عقب پای او خاری باشد و ملخ و ماهی که فلس داشته باشد و حرام است خوردن جمیع مسکرات و

خونیکه از ذبح آید و بول جمیع حیوانات و گوشت مردار و عورتین و سپرز و زهره دان و خایه ها و بیچه دان و مغز حرام و دو عصب عریض زرد که از پس سر تا فرج کشیده و کرهای میان گوشت و پوست و اصلهای انگشتان که متصل بعصب دست و پا است و حدقه چشم و مغز یکه در کله سر بقدر نخود است و چیزهای نجس اینها حرام است مگر در حالت ضرورت بقدر سدرمق و حرام است نشستن یا چیز خوردن در مانده و سفره که در آن شراب خورند

فصل پانزدهم در حدود و دیات ثابت می شود شراب خوردن و دزدی باقرار یا شهادت دو عادل و زنا و لواط چهار مرتبه اقرار یا گواهی چهار عادل و حد دزدی بریدن دست راست دفعه اول و پای چپ دفعه دوم و حبس مخلد دفعه سوم و کشتن دفعه چهارم در صورتی که دزد عاقل و بالغ و مختار باشد و قیمت آن مال کمتر از ربع مثقال طلا نباشد و از فرزند خود یا در سال قحطی نباشد و در پنهانی بوده باشد و حد لواط کشتن و حد زنا که شوهر نداشته باشد و مرد هم زن نداشته باشد صد تازیانه و در محصنه سنگسار

نمودن و حد مساحقه صد تازیانه و حد کسی که نسبت زنا و لواط بکسی بدهد یا شراب و مست است کنند بخورد هشتاد تازیانه و اگر شراب خوار دعوی کند که عالم بحرمت نبوده یا باکراه باو داده اند قولش مقبول است و اگر قبل از ثبوت شرعی توبه نمایند حد ساقط می شود و حد کسی که با محرم خود زنا کند یا شراب خواریکه سه مرتبه او را حدزده باشند یا کسی که فروختن شراب را حلال داند و توبه نکند یا پیغمبر و ائمه را سب کند یا دعوی پیغمبری کند یا سحر بکند یا مؤمنی یا مؤمنی را عمداً بکشد یا مرتد فطری باشد یعنی پدر او مسلمان باشد و کافر شود یا مرتد ملی یعنی پدر او کافر باشد و مسلمان شود و بعد کافر شود و مسلمان نشود حد آن ها کشتن است و اما دیات پس کشتن بیکی از سه چیز ثابت می شود یا اقرار یا شهادت در عادل یا قسامه یعنی خویشان مقتول پنجاه قسم بخورند و خون بهای مرد مسلمان اگر چه طفل باشد هزار مثقال شرعی طلا یا ده هزار در هم نقره و خون بهای زن نصف است و اگر حامله باشد خون بهای زن و سه ربع خون بهای مرد است و اگر حیوانی

که گوشت او را می خورند بکشد تفاوت قیمت کشته و زنده را باید بدهد و سگ شکاری چهل در هم و سگی که محافظت گوسفند و زراعت می کند قیمت آنرا باید بدهد و اما دیه جراحات سر اگر پوست را بشکافد يك شتر اگر بگوشت برسد دو شتر اگر فرو رود سه شتر اگر از گوشت بگذرد چهار شتر اگر باستخوان برسد پنج شتر اگر این جراحات بر بدن برسد نصف آنرا باید بدهد فصل شانزدهم در نکاح و طلاق و در آن چند فصل است .

فصل اول در نکاح - در خبر است دورکعت نماز که صاحب زن گذارد بهتر از هفتاد رکعت است که عزب گذارد و هر گاه مؤمنی که قادر بر نفقه دادن باشد و خواستگاری نماید اگرچه در نسب موافق نباشد اجابت نمایند و سزاوار نیست خواستگاری زنی که دیگری خواستگاری نموده باشد که بعضی حرام می دانند و نکاح زن مسلمان بکافر حرام است و دختر بکر بدون اذن پدر یا جد پدری نباشد و باید دانست که حرام است نکاح خویشان و مادر زن و دختر زن و دختر زن مدخوله هر چند پائین رود و زن پدر و زن

فرزند و زنی که شوهر داشته باشد یا در عده با او زنا کند یا دانسته در عده عقد نماید اگرچه دخول نکرده باشد و مادران و خواهران و دختران مردانیکه با آن ها لواط کرده باشد بر لواط کننده و زنانی که نه مرتبه طلاق داده باشند و دختری که نه سال نداشته و شوهر با او دخول کرده و مخرج حیض و بول یا بول و غایط او یکی شود و جمع میان دو خواهر اگر چه بمتعه یا در عده رجعیه باشد و میان زن آزاد و کنیز بی اذن زن و زیاده از چهار زن دائمی و نکاح زن بت پرست و زنیکه سه مرتبه طلاق داده بدون محلل بر طلاق دهنده و دو نفر دختر دادن بیکدیگر و مهر هر يك را فرج دیگری قرار دادن این جمله بر مردان حرام اند و جماعتی از زنان بواسطه شیر خوردن طفل حرام می شوند بشرط آنکه از نکاح صحیح و شیر خالص از پستان بمکد آن مقدار که گوشت بروید یا يك شبانه روز شیر بخورد یا ده مرتبه بقدری بخورد که سیر شود و میان آن شیر دیگری نخورد و طفل کمتر از دو سال داشته باشد آنوقت زن شیر دهنده مادر و شوهر او پدر و دختران و پسران آن ها خواهر و برادر

رضاعی می شوند و نکاح آن ها حرام است فصل دوم در شرایط نکاح باید زن و شوهر مسلمان و عاقل و بالغ و رشید باشند و دختر با اذن ولی باشد و عقد بقصد واقع میشود و عقد فضولی با قبول زوجین صحیح است و بصیغه مانی با قصد انشاء بوده باشد یعنی قصد ماضی و مستقبل نکند که صحیح نیست و عربی و در يك مجلس ایجاب و قبول بی فاصله واقع شود و معنی کلمات را بداند و احتیاطاً نام زوجین و اذن ولی را هم ذکر نماید و در متعه مدت و مهر را معین نماید و احتیاطاً صیغه را دو نفر جاری نمایند و اما کیفیت صیغه نکاح دائم هر گاه زن و مرد صیغه جاری نمایند مهر را معین نمایند و زن بگوید انکحتك نفسی علی الصداق المذكور پس مرد بگوید قبلت التزویج لنفسی علی المهر المعلوم و هر گاه دو نفر وکیل زن و مرد صیغه جاری می نمایند وکیل زن بگوید انکحت مو کلتی لموکلک علی الصداق المذكور

پس وکیل مرد بگوید قبلت النکاح لموکل علی الصداق المذكور بازوکیل زن بگوید زوجت موکلتی بموکلک علی المهر المعلوم پس وکیل مرد بگوید قبلت التزویج لموکل علی المهر المعلوم، احتیاط آنکه به من و با ولام متعدی نمایند و تکرار هم بنمایند که وکیل زن بگوید انکحت یا زوجت موکلتی من موکلک بموکلک لموکلک علی الصداق المعین پس وکیل مرد بگوید قبلت النکاح یا قبلت التزویج من موکلی لموکلی بموکلی علی الصداق المعین باز وکیل زن بگوید اگر دختر پدر یا جد پدری داشته باشد باذنها و اذن اییها زوجت موکلتی فاطمه بموکلک حسن علی الصداق المعلوم پس وکیل مرد بگوید قبلت التزویج لموکلی حسن علی الصداق المعلوم واما صیغه انقطاع هرگاه زن و مرد صیغه جاری می نمایند مدت و مبلغ را معین نمایند و اول زن بگوید متعتک نفسی فی المدة المعلومه بالمبلغ المعلوم پس مرد بگوید قبلت المتعة لنفسی علی الوجه المذكور و احتیاط آنست که بگوید

در قبول یکدفعه قبلت المتعه و یکدفعه بگوید قبلت التمتع و یکدفعه بگوید قبلت التمتع لنفسی علی الوجه المذكور هر گاه وکیل زن و مرد صیغه جاری نمایند وکیل زن بگوید متعت نفس موکلتی لموکلک فی المدة المعلومه بالمبلغ المعلوم پس وکیل مرد بگوید قبلت المتعة لموکلک هكذا و می فرمایند اولی و احوط آنستکه یکدفعه علی الصداق یا علی المهر المعلوم را قبل از لفظ انکحت یا زوجت ذکر نماید و واجب است نفقه و کسوه زوجه دائمه و مطیعه قابل استمتاع و غلام و کنیز و نفقه پدر و مادر هرچند بالا روند و اولاد هر چند پائین روند هر گاه فقیر باشند و مستحب است نفقه خویشان و واجب است اداء مهر با تمکن فصل سوم در طلاق و رجوع و عده اما طلاق شرط است در حضور دو عال در طهر غیر مواقعه یا در حمل ظاهر و صحیح است طلاق یا ئسه که قرشیه شصت سال و غیر قرشیه پنجاه سال تمام داشته باشد و صیغه آن باقصد انشاء و دانستن معنی هر گاه زوج صیغه می خواند بگوید زوجتی طالق و اگر وکیل زوج صیغه بخواند بگوید زوجة موکلی طالق هی طالق و اگر در سن من

تحیض و من لا- نَحِیْضُ است یعنی یائسه نیست و حیض هم نمی شود باید سه ماه استبراء نماید آنوقت طلاق صحیح است و اگر زن صدق یا چیزی بشوهر بدهد که در عوض طلاق بگیرد وکیل زن بگوید بذات حقوق موکلتي لزوجها لیخلعها به فہمی علی المبدولہ مختلعه یا بگوید بذلت مهرها و احتیاطاً پس از وکالت از طرف زوج هم بگوید رَوَجَةً مُوْکَلًی طالق و این قسم طلاق خلع است و اما رجوع از طلاق رجعی در عده جایز است و آن دو قسم است قولی که شوهر بزن بگوید راجعتک یعنی رجوع نمودم بتودوم فعلی چون بوسیدن یا مقنعه از سر او برداشتن و اگر زن غائبه یا در حال حیض باشد رجوع صحیح است و اما عده زن غیر مدخوله و یائسه عده ندارد مگر عده وفات که چهار ماه و ده روز است و نصف آن در کنیز و اما صاحب عادت مستقیمه و مدخوله عده او سه طهر است و اگر حیض نمی بیند و در سن من تحیض است سه ماه عده نگاه دارد و در متعه زن آزاد و عده کنیز چهل و پنج روز است و عده حامله تا وضع حمل او می باشد ولی در وفات هر کدام دورتر از وضع حمل یا چهار

ماه و ده روز است عده بدارد و در عده رجعیه نفقه و مسکن زوجه واجب است و برزن واجب است در عده وفات ترك زینت نماید والله العالم در احکام ارث و در آن چند فصل است فصل اول با بودن پدر و مادر و اولاد اگرچه اولاد اولاد اولاد هم باشد ولو یکنفر باشد دیگری ارث نمی برد و اگر نباشد اگر برادر و خواهر و اولاد برادر و خواهر اگر چه اولاد اولاد اولاد برادر و خواهر باشند یا جد وجد جد و بالاتر از طرف پدر یا مادر باشند آنهم دیگری ارث نمی برد و اگر نباشند احوال و اعمام و اولاد ایشان پدری و مادری پا یکی از این دوارث می برند وزن و شوهر با همه شریکند پس اگر وارث یکی شد همه مال از اوست مگر زن که سهم او یک ربع است اگر میت اولاد نداشته باشد و هشت يك است اگر اولاد دارد از اعیان و از عرصه احتیاطاً و اگر هیچ وارث نباشد امام یا نایب امام مابقی را می برد و بزن بیشتر از آنچه ذکر شد نمی رسد و اگر متعدد شدند مثل آنکه شوهر با خواهر جمع شد مال دو قسمت می شود میان آن ها و اگر میت شوهر و دختر یا پسر دارد شوهر ربع می

برد و بقیه مال از پسر یا دختر است و زوجه هر گاه با دختر یا پسر باشد هشت يك زن می برد و بقیه از آن هاست و اگر شوهر با مادر میت باشد شوهر نصف می برد و بقیه را مادر و اگر شوهر با دو دختر باشند ربع شوهر می برد و بقیه را دو دختر و هکذا پسر فصل دوم در سهام مفروضه و صاحبان فروض که در قرآن مجید است شش قسم است اول نصف و آن سهم سه نفر است اول سهم شوهر هر گاه

زن فرزند و فرزند زاده نداشته باشد دوم سهم يك دختر گاه با او پسری نباشد سوم سهم يك خواهر پدری مادری یا پدری با عدم خواهر پدر مادری هر گاه برادر نباشد قسم دوم ربع و آن سهم دو قوم است اول شوهر هر گاه فرزند یا فرزند زاده باشد دوم سهم زن هر گاه فرزند و فرزند زاده نباشد سوم ثمن و آن سهم يك زن یا چند زن هر گاه اولاد یا اولاد اولاد موجود باشد قسم چهارم ثلث و آن سهم دو قوم است اول سهم مادر هرگاه میت فرزند یا برادران نداشته باشند دوم سهم دو کس یا بیشتر از خویشان مادری خواه پسر باشند یا دختر قسم پنجم ثلثان

ص: 114

و آن سهم دو قوم است اول سهم دو دختر یا بیشتر هر گاه پسری با آن ها نباشد دوم نصیب دو خواهر یا بیشتر هر گاه با آن ها برادر نباشد
قسم ششم سده و آن سهم سه قوم است اول سهم پدر و مادر هر گاه اولاد یا اولاد اولاد باشند دوم سهم مادر هر گاه میت دو برادر با
یک برادر و دو خواهر یا چهار خواهر پدر و مادری یا پدری داشته باشد سوم سهم یکی از خویشان مادری فصل سوم آنچه از قرآن مجید
سهم هر یک از ورثه تصریح شده آنرا فرض گویند و آنچه فقها از عموم قرآن استنباط نموده اند قرابت گویند پس وارث سه قسم می شوند
قسم اول آن هائی که بفرض تنها ارث می برند چون مادر و خواهران مادری و شوهر در صورتی که فریضه متضمن ردی نباشد قسم دوم
کسانی که گاهی بفرض و گاهی بقربت تنها ارث می برند چون پدر و گاهی بفرض و دامی دختران و خواهران پدری قسم سوم جماعتی که
بقربت تنها ارث می برند و آن ها سوای کسانی که ذکر شد مثل جد و جد و عم و عمه و خال و خاله و اولاد آن ها و انگشت و شمشیر و قرآن
و رخت های بدن میت تعلق به پسر بزرگ دارد و

در کتاب و سلاح و متعدد بودن لباس مراعات احتیاط را بنمایند و در عوض پسر بزرگ قضاء نماز و روزه که سبب بیماری یا سفر از پدر او فوت شده بجا آورد بشرط آنکه میت فرض نداشته باشد که تر که وفا بقرض او نکند و چند چیز مانع ارث است و آن ها بنده و کافر و کشته و اولاد زنا و هر گاه قرض تمام تر که را فرا گیرد و طفلی که مرده متولد شود و زن متعه و از حیوه که ذکر شد و از پسر بزرگ است و از ثلث مال هر گاه وصیت کرده باشد ارث نمی برند فصل چهارم زن ارث نمی برد مگر بقرض و شوهر و مادر ارث می برند بقرض ورد و پدر ارث می برد بقرض و بقربابت و همچنین دختر و خواهر و کلاله ام و غیر از اینها ارث نمی برند مگر بقربابت مثل برادر و خواهر و اجداد و اعمام و احوال و اگر از سهام چیزی زیاد آمد بعد از آنکه صاحب فریضه فریضه اش را برد باقی مال کسی که مساوی باشد با او و فرض بر نباشد بقربابت مثل پدر و مادر و شوهر پس از برای مادر است ثلث که فریضه اوست در صورت بی اولادی و باقی مال پدر است که فریضه

بر است در صورت بی اولادی و اگر میت برادر و خواهر دارد مادر شش يك كه فریضه اوست می برد باقی مال پدر بعد از اخراج نصف كه از شوهر است و بر نمی گردد بقوم و خویش و همچنین اگر نقص شد در مال از سهام پس نقص بر زوج و زوجه كه فریضه برند وارد نمی آید و بكسی وارد می آید كه بفرض و قرابت هر دو میبرند مثل آنكه اگر زوج جمع شد با دو خواهر زوج نصف خود را می برد و نقص بدو خواهر وارد می آید و همچنین هر گاه شوهر با پدر یا مادر و دو خواهر جمع شد شوهر ربع خود را می برد و پدر و مادر ما در هر يك شش يك مي برند و باقی مال دختر است اگر چه کمتر از نصف باشد و كمال احتیاط آنكه تمام ورثه در تقسیمات با يكديگر تصالح و تراضی نمایند زیرا تقسیم ارث مشكل و احتیاط بسیار لازم است الذی هو سبیل النجاة تا اینجا مختصری از مسائل لازمه مسلمیات بین فقهاء امامیه بنحو احتیاط ذكر شد شروع می شود در بیان ابواب دیگر و خواهش می شود از برادران ایمانی هرگاه خواستند این كتاب نفیس را طبع نمایند بنظر شریف دو

نفر از مجتهدین عصر برسانند و طبع نمایند و این بنده گناه کار سید صدر الدین الموسوی الروضاتی را بطلب مغفرتی یاد و شاد نمایند
اللهم الغفر لنا و لجميع المؤمنين والمؤمنات .

باب سوم در اعمال ایام و لیالی و شهور و نمازها و زیارات و دعوات و غیره فصل اول شریف ترین اوقات بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب
است در این ساعت مکروه و بیداری آن باعث نورانیت قلب و وسعت رزق است و دعوات بسیار در این مقام وارد شده و چون مؤمن صبح
زود از خواب بیدار شد توجه بسوی قبله نماید و سلام بامام زمان نماید و طلب توفیق از حق تعالی بخواهد و هر صبح و شام بخواند الْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ يَا الْمَعْرُوفِ يَا قَدْ أَحْسَنَ الْإِنْسَانَ بِأَحْسَانِكَ الْقَدِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَسُحْبَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبَّةَ

ص: 118

وَالطَّاعُونَ لِلَّهِمْ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَصَلَّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ در بلد الامین از پیغمبر اکرم روایت نموده کسی که هر روز ده مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم بیرون آید از گناهان مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع بلا را و هفتاد هزار ملک را موکل فرماید برای او استغفار نمایند و پس از طهارت و وضو قبل از نماز صبح دو رکعت نافله صبح بجا آورد و نماز صبح را با آداب و قنوت طولانی و این کلمات فرج را بخواند لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا العلی العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن رب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين و در قنوت طلب مغفرت برای خود و والدین و مؤمنین و مؤمنات بنماید و خواندن قل هو الله احد بعد از هر نمازی باعث آمرزش و خیر دنیا و آخرت است و اگر از ظالم و جباری

بترسد و در مقابل او مکرر بخواند حقتعالی رفع شر او را بنماید و کسی که هر روزی ده مرتبه بخواند در آن روز گناهی در نامه عمل او نوشته نشود و تسبیح فاطمه زهرا علیه السلام بقول مختار سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی سه مرتبه الحمد مرتبه سبحان الله بهتر از هزار رکعت نماز مستحبی می باشد و هفت مرتبه خواندن بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم رفع فقر و پریشانی و بلاها را می نماید و فرمود حضرت صادق علیه السلام خواندن آیه الكرسي بعد از هر نمازی بهتر است از هزار رکعت نماز مستحبی و این پنج آیه در آن ها اسم اعظم است برای هر مهمی یازده مرتبه مداومت نماید در هر روزی مهم او برآورده شود 1 - آیه الكرسي تا آخر 2 -
 اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى
 لِلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ 3 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

4 - اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى 5 - اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ و بخواند این دعای حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله را که فرمود امیر المؤمنین علیه السلام هر کس بعد از نمازها بخواند جمیع گناهان او آمرزیده شود یا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَأْمَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ وَيَأْمَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِينَ أَذْقَنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ سَه چیز را مؤمن ترك نکند که جامع خیر دنیا و آخرت است اول در عقب فجر رو بقبله دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه بگوید باید یا فتاح دوم این دعا که در کافی است و حضرت رسول صلی الله علیه وآله تعلیم فرمود بکسی که مبتلا بود بناخوشی و پریشانی و رفع آن ها شد بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيراً سوم مداومت نماید بدعای فهد که فرمود حضرت رضاع هر کس بخواند هر حاجتی داشته باشد حق تعالی کفایت

فرمايد بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بآ الْعِبَادِ فَوَقِهِ اللّٰهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 أَنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فستجبنا لَهُ وَنَجِيَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ تُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا مُنْعِمَةً مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَّمْ
 يَمْسُسْهُمْ سُوءَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ
 الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ رَازِقٌ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ
 حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَزَاوَارِ
 است بعد از نمازها این عدیله مختصره را ترك كنند رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِالْكَعْبَةِ قَبْلَةً وَبِمُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبَعَلَى إِمَامًا وَبِالْحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ موسى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ موسى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْخَلَفُ الصَّالِحُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ائمه و ساده و قَادَهُ بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ اتَّبِرْهُمُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَسَدُ مَلِكِ الْعَفْوِ وَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُعَافَاةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ائِن دَعَاى اِمَامِ زَمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَدْرَ هَمَّهِ اَوَاقَاتِ بِخَوَانِدِ اِهْلِى بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ صِلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَفَضَّلْ عَلٰى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَا وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلٰى مَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلٰى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَامَةِ وَ عَلٰى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلٰى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ لِمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ اِلٰى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ بَعْلَاوَهُ نَمَازِ هَائِي كِه بَرَاى شَبِّ هَا وَ رُوزِهَاى مَخْصُوصِ وَارِدِ شُدِه بَرَاى هَرِ رُوزِى اَيْنِ نَمَازِ وَارِدِ شُدِه وَ آنِ چِهَارِ رُكْعَتِ بَدُو سَلَامِ هَرِ رُكْعَتِ بَعْدِ اَزِ حَمْدِ يَكِ مَرْتَبِه

آیه الکرسی زیرا در خبر است کسی که چهار مرتبه آیه الکرسی بخواند امر شود از خداوند عالم بملائکه واگذارید این بنده مرا بخودم من خود ناصر و حافظ او هستم الله لا اله الا هو الحی القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم لا اكره في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون و بايد دانست كه هر روزی از ايام هفته متعلق است بهر يك از ائمه اطهار باين ترتيب شنبه حضرت رسول صلى الله عليه وآله يكشنبه امير المؤمنين و فاطمه زهرا عليه السلام دو شنبه حضرت

امام حسن و حضرت امام حسين عليه السلام سه شنبه حضرت زين العابدين و امام محمد باقر عليه السلام و امام جعفر صادق عليه السلام چهارشنبه حضرت موسى بن جعفر عليه السلام و امام رضا عليه السلام و امام محمد تقى عليه السلام و امام على النقى (ع) 5 شنبه حضرت امام حسن عسكرى عليه السلام و جمعه حضرت صاحب الزمان و امام الانس و الجان كه بايد هر روزيكه متعلق بهريك از آن ها مى باشد توجه و توسل بآن ها نمود و اين زياره مختصره جامع شريفه را كه شيخ صدوق از حضرت رضا عليه السلام نقل نموده و در همه اوقات و همه جا و قبور ائمه اطهار و انبياء عظام بخواند السَّلامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصَفِيَائِهِ السَّلامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحْيَائِهِ السَّلامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَى مَظْهَرِ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ السَّلامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ السَّلامُ عَلَى الْمَسَةِ قِرَانِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَى الْأَدِلَّةِ عَلَى اللَّهِ السَّلامُ عَلَى الَّذِينَ وَ الْأَهَمَّ فَقَدْ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهُ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ

عَرَفَ اللَّهُ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اَشْهَدُ اللَّهُ اَنِّي سَلِّمٌ اَشْهَدُ اللَّهُ اَنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ وَ رَبِّ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مَوْ مِنْ بُسْرِ نَكُمْ وَ عَلَانِيَتَكُمْ مُفَوَّضٌ ذَلِكَ كُلُّهُ اَلَيْكِهِ لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ عَمَلٍ مِنَ الْجَنِّ وَالْاِنْسِ وَ اَبْرءِ اِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بَعْدَ از نمازها و زیارات این دعائیکه در حرم مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام خوانده می شود بخواند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ الْمَحْمُودِ وَ لَا تَدْعَ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ وَ لَا مَرَضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَ لَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ وَ لَا رِزْقًا اِلَّا بَسَطْتَهُ وَ لَا خَوْفًا اِلَّا اَمْنْتَهُ وَ لَا شَمْلًا اِلَّا جُمَعْتَهُ وَ لَا غَائِبًا اِلَّا حَفِظْتَهُ وَ اَدْبَيْتَهُ وَ لَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِضًا وَ لِي فِيهَا صَلَاحٌ اِلَّا قَضَيْتَهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما نافله ظهر هشت رکعت قبل از ظهر و نافله عصر هشت رکعت قبل از نماز عصر و چون نماز ظهر بجا آوردی بخوان این دعای جلیل القدر را که بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است

و

فرمود کسی که بخواند این دعا را بیمارزد حق تعالی گناهان او را هر چند بقدر کف دریا ها باشد و باز فرماید برای او هفتاد درب رحمت را و این دعا از کنوز عرش است که جبرئیل برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله آورد یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرِهِ وَلَمْ یَهْتِزَّكَ السُّتْرُ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى یَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى یَا مُفَرِّجَ كُلِّ کَرْبٍ یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا مُبْتَدِئاً بِالنَّعَمِ قَبْلَ اِسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّاهُ یَا سِیداهُ یَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ اَسْأَلُكَ یَا اللّهُ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلَیْ وَ فَاطِمَه وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِیْنَ مِنْ ذُرِّیَةِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اِنْ لَا تُشَوِّهُ خَلْقِی بِالنَّارِ وَ اِنْ تَفْعَلْ بِی مَا اَنْتَ اَهلُهُ وَ بَعْدَ اَزْ نَمَازِ عَصْرِ اِنْ اِسْتِغْفَارُکَ اِسْتِغْفَرَ اللّهُ الَّذِی لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ تَوْبَةً عَبْدٌ خَاضِعٌ مَسْکِینٌ مُسْتَکِیْنٌ لَا یَسَّ تَطِیْعُ لِنَفْسِهِ صَرَفاً وَ لَا عَدَلاً وَ لَا نَفْعاً وَ ضَرّاً وَ لَا حَیْوةً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا نُشُوراً وَ صَلَّی اللّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَترَتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْأَخْیَارِ الْأَبْرَارِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً وَ خَوَانَدَن

این استغفار در همه اوقات باعث آمرزش است چنانچه در خبر است کسی که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار نماید حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد و سزاوار است وقت غروب آفتاب بذكر و دعا مشغول بودن خصوصاً آیه الكرسي و معوذتین و خواندن این دعا یا من ختم النبوة بمحمد صلی الله علیه وآله اتم لی فی یومی هذا بخیر و شهری بخیری و سنتی بخیر و عمری بخیر و تاکید شده نماز مغرب اول وقت بجا آورده شود و نافله مغرب بعد از نماز مغرب چهار رکعت بدو سلام است و نماز فضیله فضیلت بسیار دارد و در خبر است کسیکه نماز غفیله بخواند هر حاجتی داشته باشد روا گردد و آن دو رکعت است بین نماز مغرب و عشاء کعت اول بعد از حمد بخواند وَ ذُنُونٍ اِذَا ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِيْنَ وَ دُرُّ رَكَعَتِ دَوْمَ بَعْدَ اَرْ حَمْدَ بخواند وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيْحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا

الْأَهْوَى وَيَتَعَلَّمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ وَدُرُ
قُنُوتٍ بِخَوَانِدِ اللَّهِ أَنْتَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَسَدُ مَلَكٍ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي
اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى طَلْبَتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ حَمْدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي بِسُحُوبِ حَوَائِجِ خُودِ رَا
بِخَوَانِدِ وَچُونِ نَمَازِ عِشَا بِجَا آوَرْدِ دُو رَكَعَتِ نَشِسْتَه نَافِلَه عِشَا بِجَا آوَرْدِ وَ سَه مَرْتَبَه اَيْنِ اسْتِغْفَارِ رَا بِخَوَانِدِ كِه بَاعَثَ آمُرْشِ گَنَاهَانِ اسْتِ
اَسْتِغْفَرَ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَاتُوبَ إِلَيْهِ وَ مُسْتَحَبُّ مُؤَكَّدِ اسْتِ بَعْدِ اَزْ هَرِ نَمَازِي سَجْدَه
شُكْرِ بِجَا آوَرْدَه شُودِ بَلَكِه بَرَايِ هَرِ نِعْمَتِي كِه خُداوَنَدِ عَالَمِ عَطَا فَرْمَايَدِ سَجْدَه شُكْرِ نَمَايَدِ وَ اَقْلَ آن سَه مَرْتَبَه شُكْرًا لِلَّهِ كَفْتَنِ اسْتِ وَ دَعَوَاتِ
بِسْيَارِ دَرِ اَيْنِ مَقَامِ وَاَرْدِ شُدِه وَ طَوَّلِ دَاَدِنِ سَجْدَه شُكْرِ وَ جَبِينِنِ بَخَاكَ كُذَارْدِنِ

عبادات است و گفتن چهارده مرتبه یا وهاب باعث توان گری می باشد و کسی که هر صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین شکر نعمت های حق تعالی را بجا آورده و کسیکه هفت مرتبه بگوید یا ارحم الراحمین حاجت او روا گردد و بهترین سخنان نزد حق تعالی آنکه بسیار بگوید رب ظلمت نفسی فاغفرلی و کسی که روزی صد مرتبه لا اله الا الله بگوید عمل او از همه بهتر باشد و کسی که روزی بیست و پنج مرتبه بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ بِعَدَدِ مُؤْمِنِينَ حَسَنَةً در نامه اعمال او نوشته شود و کسی که روزی صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از او خشنود شوند و حوائج او بر آورده شود ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود هر مؤمنی در روز چهل گناه کبیره بکند و از روی پشیمانی این استغفار را بگوید حق تعالی گناهان او را بیاورد و الله الذی لا اله الا هو الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَ الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ

اِنَّ تَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ عَمَدًا وَ اَسْأَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ وَ خواندن اين دَعَا بِمَاعِثُ آداء دين پريشانی می باشد اللّهُمَّ اَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَ کسی که در موقع خواب بگوید سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ثواب حج با و عطا شود و بگوید اللهم صل على محمد و آل محمد وصل على جميع الأنبياء والمرسلين تا همه پيغمبران و ائمه از او خشنود باشند و او را شفاعت نمایند و خواندن سه مرتبه قل هو الله احد ثواب ختم قرآن دارد و خواندن استه مرتبه اين دعا را مثل آنست که هزار رکعت نماز نموده يفعل الله ما يشاء بقدرته ويحكم ما يريد بعزته فصل دوم اور نماز شب و آداب شب و روز جمعه اما نماز شب پيغمبر مكرم بامير المؤمنين عليه السلام سه مرتبه فرمود بر تو باد بنماز شب که جامع خير دنيا و آخرت است و آن هشت رکعت است هر دو رکعت بيك سلام و دو رکعت نماز اشفع و يك رکعت نماز و تر است و هر گاه وقت مقتضى ليست دور كعت شفع و يك را كمت و تر را بخواند و قنوت

در یک رکعت وتر خوانده شود و در قنوت بخواند هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ و از خوف عذاب خدا گریه کند و در این مقام دعاها و مناجات بسیار وارد شد رافل آن هفتاد مرتبه استغفار بنماید و چهل نفر حياً و میتاً از مؤمنین را دعا و طلب مغفرت نماید و حضرت زین العابدین علیه السلام در قنوت وتر سیصد مرتبه العفو می گفتند و چه خوب است اقلاً این مناجات امیر المؤمنین علیه السلام را در آن حال بخواند الهی قلبی مَحْجُوبٍ وَ نَفْسِی مَعِیُوبٍ أَوْ عَقْلِی مَغْلُوبٍ وَ هَوَائِی غَالِبٍ وَ طَاعَتِی قَلِیلٌ وَ مَعْصِیَتِی کَثِیرٌ وَ لِسَانِی مُقَرَّبٌ بِالدُّنُوبِ فَکَیْفَ حِیلَتِی یَا سَدَّ تَارَ الْعُیُوبِ وَ یَا عَلَامَ الْغُیُوبِ وَ یَا کَاشِفَ الْکُرُوبِ اغْفِرْ ذُنُوبِی کُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ یَا غَفَّارُ یَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و اما شب و روز جمعه فرمود پیغمبر اکرم ص در بیست و چهار ساعت شب و روز جمعه هر ساعتی حق تعالی ششصد هزار کس را از جهنم آزاد فرماید و در شب و روز جمعه دعا مسیجان است و سوره های قرآن مجید و دعای کمیل و دعا های بسیار

وارد شده و شعر خواندن در شب و روز جمعه مکروه است و خوابیدن در تمام شب جمعه خواب حسرت است و مختصر ترین دعاهاى شب جمعه ده مرتبه خواندن این دعاى جلیل القدر است که در شب عید قربان و عید فطر و شب های جمعه وارد شده یا دَائِمُ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرُ الْوَرَى سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعِلْمِ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ وَ بَخَوَانِدُ الْحَمْدُ اللَّهُ مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى فَنَائِهَا وَمِنْ الْآخِرَةِ إِلَى بَقَائِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَكُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما نماز شب های جمعه فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله کسی که در شب جمعه دو رکعت نماز هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ حَقُّ تَعَالَى گناهان او را بپارزد و مُنَاجَاةَ حَضْرَتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ جَمِيعِ عَلَيْهِ السَّلَام و دعاى کمیل که ذکر می شود مناسب است خوانده شود و اما نمازی که برای آمرزش گناهان است در روز و

هر شبی بخواند دو رکعت نیت نماز آمرزش هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه قل هو الله احد بخواند و استغفار نماید چون فارغ شود گناهایش آمرزیده شود كما في المفاتيح في الباقيات الصالحات و این دعای شریف را هر شب و مخصوصاً شب جمعه بخواند
اللَّهُمَّ بِحَقِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنًا مَكْرَكَ وَلَا تَيْسِنًا ذِكْرَكَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنا فَضْلَكَ وَلَا تَحِلْ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَتَبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ
وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَتَكَ وَلَا تَمْنَعْنا عَافِيَتَكَ وَأَصْلِحْ لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ لَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ
كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فَلَوْ بَيْنَنَا سِتَّةَ لَعَلَّه وَارْوَاحَنَا طَيِّبَةً وَارْزُقْنَا مَطْهَرَهُ وَ
النُّقْطَةَ صَادِقَهُ وَإِيمَانِنَا دَائِمًا وَيَقِينِنَا صَادِقًا وَتُجَارٍ مِنَ الْيَّ غُيُورِ اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما روز جمعه غسل جمعه

و زیارت قبور والدین و مؤمنین و گرفتن ناخن و شارب و استعمال بوی خوش و خوردن انار و تصدق دادن و قرائت قرآن خصوصاً آیه الكرسي و انا انزلناه في ليلة القدر و استغفار برای هر يك ثواب بسیار وارد شده و هر گاه پیش از طلوع آفتاب روز جمعه ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند ادعایش مستجاب شود و کسی که بعد از نماز عصر روز جمعه هفت مرتبه بخواند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَاجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ روز قیامت با صورت نورانی وارد محشر شود و برای اوست ثواب عبادت جن و انس و در خبر است که در روز و شب جمعه هر حاجتی از حق تعالی بخواهی بر آورده شود و اگر جماعتی مستحق عذاب شوند و شب و روز جمعه دعا نمایند حق تعالی عذاب را از آن ها بر طرف فرماید و این دعا را روز جمعه بخواند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا يَسَابِغُ النَّعَمَ يَا بَارَهُ النَّسَمِ يَا عَلِيُّ الْهِمَمِ يَا ذَالِجُودَ وَالْكَرَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْآلَمِ
 يَا مُؤْنِسَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمٌ لَا يَعْلَمُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ
 غِنَا أَرْحَمَ مَنْ رَأْسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَبِإِلَاحِهِ الْبُكَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَالِجُودَ وَالْأَكْرَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَرَوْزَهَايَ جَمْعَهُ مُتَعَلِّقٌ بِإِمَامٍ عَصَرَ اسْتِ كِه سَزَاوَارِ اسْتِ زِيَارَتِ وَتَوَسَّلِ بِآنِ حَضْرَتِ وَنَمَازِ وَ
 دَعَايَ آنَحَضْرَتِ كِه بَعْدَهَا ذِكْرُ مِي شُود بَجَا آوَرْدِه شُود وَشَبِّ وَرَوْزِ جَمْعَهُ هَرِ قَدَرِ مِيَسِرِ شُود قِرَائَتِ قُرْآنِ نَمَايِدِ وَسُورَه يَسِ دِلِ قُرْآنِ اسْتِ
 حَقِّ تَعَالَى بِيَا مَرَزْدِ قَارِي آنَرَا وَآگَرِ دَرِ مَقَابِرِ بَخَوَانْدِ رَفْعِ عَذَابِ از آن هَا شُود وَثَوَابِ بِيَسْتِ حَجِّ دَرِ نَامَه عَمَلِ قَارِي آنِ نَوِشْتِه شُود وَخَوَانْدَنِ
 سُورَه الرَّحْمَنِ يَكِي از شَفْعَاءِ قِيَامَتِ خَوَاهِدِ بُوْدِ وَچُونِ آيَه فَبَايَ آلاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ رَا قِرَائَتِ نَمُودِ بَگُويِدِ

لَا يَشْيءٌ مِّنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ در وضو و غسل از گناهان پاک می شود و کسی که شب جمعه بخواند بعدد خلق الله حسنات برای او بنویسند و سوره واقعه مخصوص امیر المؤمنین است هر کس شب جمعه بخواند تنگ دستی نبیند و از رفقاء آن حضرت باشد در بهشت و کسیکه مداومت بخواندن قل هو الله احد نماید بداند اهل بهشت است و خواندن در خانه رفع فقر می نماید و خواندن شش مرتبه در سفر و در بیرون آمدن از خانه هیچ آفتی باو نرسد و خواندن سوره اذا جاء نصر الله باعث فتح و نصرت است و خواندن سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس باعث محافظت و رافع سحر است و خواندن سوره قل يا ايها الكافرون باعث دوری شیطان و رفع وسواس است و در سوره حمد مالك يوم الدين اگر بالف خوانده شود اماله نباید کرد و سوره توحيد كفواً بضمه فا و با همزه در قرائت عاصم است و در سوره الرحمن من استبرق بكسر میم و سکون نون و کسر همزه و در سوره التكاثر الها کلمه جدا کم کلمه جدا می باشد

و سورة الناس ملك بفتح میم و کسر لام و کاف و من الجنة بکسر جیم است و سزاوار است در قرائت قرآن مجید آیات نعمت و رحمت می رسد شکر نماید و آیات تهنیت می رسد طلب نماید و آیات عذاب می رسد پناه بحق تعالی ببرد و آیات سجده سجده نماید و با خضوع و خشوع قرائت نماید و چون صحت نماز و قرائت قرآن و دعاها موقوف بدانستن مخارج حروف و مسائل تجوید است لذا مختصری ذکر می شود پس باید دانست که قاف و کاف از سقف دهن و جیم و شین و یا از میان زبان و نون و را و لام و طا و تا و دال و ظا و ذال و تا تقریباً از سر زبان بدون بیرون آوردن زبان و صاد و سین و فا و زا از سر دندانها و با و هیم و واو از میان دلب و الف از میان دهن و همزه و ها و ع و غ و خ و ح حروف حلقی است و عمل آن ها این قسم است گاه تنوین و نون ساکن بحروف حلقی رسید باید اظهار نمود حروف را و هر گاه بحروف ی و م ل و ن رسید باید ادغام نمود و هر گاه بحرف با رسید باید قلب

به میم نمود و هر گاه به باقی حروف رسید باید قرائت آن کلمه را باخفا نمود و باید وقف بسکون ننماید و ملاحظه تشدید بشود و ترك مد را نکند و حروف مد سه است الف و و او ساکن ماقبل مضموم مثل جاء وسوء و یاء ماقبل مکسور مثل جیئ و سبب مد همزه یاسکون است و نباید مد ترك شود خصوصاً مد واجب مثل الضالین و اما رموز وقف لام علامت عدم وقف ط علامت وقف م علامت وقف لازم و سوره واقعه را که ذکر می شود در شب های جمعه ترك ننماید ،

و اما اعمال هر ماهی در آن يك مقدمه و چند فصل است اما مقدمه استهلال هر ماهی لازم است و استهلال ماه رمضان را بعضی از علما واجب می دانند و احتیاط ترك نکردن است و چون ماه نو دیده شد خطاب بماه نماید و بخواند رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَ ارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَ عَوْنَهُ وَ اصْرِفْ عَنَّا ضَرَّةً وَ شَرَّةً وَ بَلَاءَهُ وَ فِتْنَهُ وَ بصفحات قرآن مجید نظر نماید

ص: 139

و اگر هفت مرتبه سوره حمد را بخواند چشم درد نگیرد و سوره انا انزلناه في ليلة القدر را بخواند و روز اول هر ماهی دور کعت نماز بخواند رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه في ليلة القدر و بیک مرتبه سوره توحید و سوره می توان خواند چنانچه مرحوم آیت اله جد عالیمقام صاحب روضات در تسلیه الاخران نقل فرموده اند و اول هر ماهی صدقه دادن را ترک ممکن تا در آنماه محفوظ بوده باشی فصل اول در اعمال ماه رجب پیغمبر مکرم فرمود ماه و جب ماه خداست و ماه شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت من است و کسیکه یکروز ماه رجب را روزه بدارد غضب حق تعالی از او دور شود و روزه گرفتن سه روز که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد ثواب نهصد سال عبادت دارد و هزار مرتبه لا اله الا الله و هزار مرتبه این استغفار در این ماه وارد شده استغفر الله ذالجلال والاكرام من جميع الذنوب والاناام و پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود کسی که در یک شب این ماه دو رکعت نماز بخواند و صد مرتبه قل هو الله احد در دور کعت بخواند گویا صد

سال روزه گرفته و صد قصر با و عطا شود و این دعا را قبل از هر نمازی بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَأَمِنْ سَخَطِهِ
عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطَى مِنْ سَأَلِهِ وَبَا مَنْ يُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً اعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي
إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ الْآخِرَةِ وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ فَانْهَ غَيْرَ مُنْقُوصٍ مَا
اعْطَيْتَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمَ وَ مَرْدَ مُحَاسِنِ خُودِ وَ زِنِ مَوِيَّ سِرِّ خُودِ رَا بَغِيرِدِ وَ بَخَوَانِدِ بَا حَالَتِ تَضَرَّعِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا ذَا النِّعَمَاءِ
وَ الْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّوْلِ حَرِّمِ شَيْئِي عَلَى النَّارِ وَ زِيَارَتِ حَضْرَتِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِ اَيْنِ مَاهِ وَ اَرْدِ شَدِهْ وَ شَبِ اَوَّلِ اَيْنِ مَاهِ شَبِ دَعَا وَ
زِيَارَتِ مَخْصُوصَه سَيِّدِ الشَّهَادَا عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتِ وَ رُوزِ اَوَّلِ وَ وَسَطِ وَ آخِرِ اَيْنِ مَاهِ نَمَازِ حَضْرَتِ سَلْمَانِ بَا ثَوَابِ بَسِيَارِ وَ اَرْدِ شَدِهْ وَ اَنِ دِهْ
رَكَعَتِ رُوزِ اَوَّلِ اَيْنِ مَاهِ هَرِ دُورِ كَمَتِ بِيَكِ سَلَامِ هَرِ رَكَعَتِي بَعْدِ اَزِ حَمْدِ سَهْ مَرْتَبَه تَوْحِيدِ وَ سَهْ مَرْتَبَه قَلِّ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ بَعْدِ اَزِ

هر دور كمت اين دعا را بخواند لا اله الا الله وحده لا شريك له - له المُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ وروز نيمه بهمين قسم نماز را بخواند و بعد از كل شئي قدیر بخواند الها واحداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً روز آخر همين قسم نماز را بخواند و بعد از كل شئي قدیر بخواند وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست ها بصورت بکشد و دعا نماید که مستجاب است و شب و روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم بسیار شریف و مواقع دعا است و شب نيمه غسل وارد شده و زیارت مخصوصه سيدالشهدا عليه السلام می باشد و اين دعای شریف در همه اوقات و در تمام ماه رجب بخواند اللَّهُمَّ أَنِّي اسْتَلْكَ صَبَرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ يَتِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَبْدُكَ

الْبَائِسِ الْفَقِيرِ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِي يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ شَبَّ جَمْعُهُ أَوَّلَ أَيْنَ مَاهِ لَيْلَةُ الرِّغَائِبِ وَ شَبَّ عِبَادَتِ وَ دَعَا مُسْتَجَابِ اسْتِ وَ مَكْرَرِ بَخَوَانِدِ عَظَمِ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فليحسن العفو من عندك و کسی که روز آخر این ماه روزه بدارد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود.

و اما وقایعات ماه رجب روز اول این ماه ولادت امام محمد باقر علیه السلام و سوم وفات امام علی النقی علیه السلام و دهم ولادت امام محمد علیه السلام و سیزدهم ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه کعبه و چهاردهم وفات زینب خاتون و هیجدهم وفات ابراهیم پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله و بیست و سوم ضربت زدن بران امام حسن مجتبی علیه السلام و بیست و پنجم وفات باب الحوائج موسی بن جعفر در زندان بغداد که آنحضرت را باغل و زنجیر بر حسب وصیت

خود آنحضرت دفن نمودند و ثواب روزه 25 كفاره گناهان دویست سال است و بیست ششم وفات ابو طالب جد پیغمبر صلی الله علیه و آله و بیست و هفتم مبعوث شدن خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بر تمام اهل عالم و بیست و هشتم حرکت سیدالشهدا علیه السلام از مدینه بمکه معظمه فصل دوم در اعمال ماه شعبان فرمود پیغمبر اکرم ماه شعبان ماه من است و بر من بسیار صلوات بفرستند و هر که يك روز این ماه را روزه بدارد بهشت بر او واجب شود و اگر مرتکب خون حرامی شده باشد روزه این ماه باو نفع می بخشد و روزی هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه در این ماه وارد شده و در این ماه هزار مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وارد شده و کسی که در این ماه صدقه بدهد حق تعالی بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و کسی که در 5 شنبه این ماه دو رکعت نماز بخواند و هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد هر حاجتی داشته باشد آورده شود و روز سوم این ماه که ولادت حضرت

سیدالشهدا و شب نیمه که ولادت حضرت خاتم الاوصیا علیه السلام است اوقات زیارت مخصوصه سید الشهداء می باشد و در خبر است کسی که باین کلمات زیارت آن حضرت بخواند السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك ورحمة الله و كانه ثواب حج و عمره برای او نوشته شود و شب نیمه این ماه دور کعت نماز بخواند در رکعت اول بعد از حمد سوره قل يا ايها الكافرون و رکعت دوم قل هو الله احد و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اكبر بگوید و دعوات وارده در این شب بسیار است و دعای شریف کمیل در این شب وارد شده و کسی است که از سبحان الله و الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر هر يك صد مرتبه بگوید گناهان گذشته او آمرزیده شود و حوائج او روا گردد و در این شب قدری مورد و گل خطمی با گلاب بجوشانند و این دعا بر او بخواند
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَسَدِي وَ اكْتُبْ لِي السَّعَادَةَ اصْبِي وَ حَبِّبِي فِي قُلُوبِ الصَّالِحِينَ وَ عَظَمْنِي فِي عُيُونِ النَّاطِرِينَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ الظَّالِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ كَفَى

مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَ مِنَ الْيَقِينِ مَا يُهَوِّنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ أُمِّتْنَا بِاسْمَاعِنَا وَ أَبْصَارِنَا وَ فُوتِنَا مَا أَحْبَبْتَنَا وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَ اجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا وَ انصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا وَ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمًّا وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ در اواخر این ماه بسیار بگوید اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَمْرَةً لَنَا فِي مَضَى مِنْ شَيْءٍ عِبَانٍ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ "و اما وقایعات ماه شعبان روز دوم این ماه آیه وجوب روزه نازل شد روز سوم ولادت با سعادت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شب پانزدهم ولادت با سعادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف روز پانزدهم عید بزرگ شیعیان و اول غیبت کبری و در غیبت صغری هفتاد و چهار سال سفرای آن حضرت عثمان بن سعید و محمد بن عثمان و حسین بن الروح و علی بن محمد برای احکام دین خدمت آن حضرت می رسیدند و در غیبت کبری

قطع نیابت خاصه گردید و توقیع مبارک فرمود وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَانْهَمُ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ بس علما اعلام حجت اند از طرف امام زمان و آن بزرگوار حجت است بر تمام اهل عالم آن علمائیکه الزاهدین فی الدنيا والراغبین علی الاخره بوده باشند. فصل سوم در اعمال ماه مبارک رمضان فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله کسی که روزه بدارد این ماه را و عبادت نماید پاره ای از شب ها را و باز دارد زبان و شکم و عورت خود را از حرام پاک شود از گناهان در روز اول این ماه در آب جاری غسل نماید و سی کف آب جاری بر سر بریزد و کمی کلاب برسر و صورت بریزد در آن سال خاری و پریشانی نبیند و کسی که در شب ها و روزهای این ماه این دعا را بخواند گناهان چهل سال او آمرزیده شود اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ وَ افْتَرَضَتْ عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الرِّزْقَنِي حَاجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ وَ اغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فانه

از آن بر سر و صورت بریزد در این سال از همه بلاها محفوظ باشد و این شب متعلق بامام زمان و ولادت آن بزرگوار و شب قدر ائمه اطهار و شب تقدیر امور است و دعای بوجود مقدس آن حضرت لازم و این دعا را در این شب و در همه اوقات بخواند اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ مِلْوَانَكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ ارْشَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ در این شب سه مرتبه سوره پس بخواند و دعا و استغفار و صلوات بسیار بگوید و میان نماز مغرب و عشا بدون تکلم بیست و یک مرتبه این دعا را بخواند اللَّهُمَّ أَنْتَ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْةٍ وَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِحُكْمِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الْآمَانَ الْآمَانَ الْآمَانَ مِنَ الطَّاعُونَِ وَ الْوَبَاءِ وَ مَوْتِ الْفَجَاءِ وَ سُوءِ الْفَضَاءِ شَمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ أَنَا مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و این دعا را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این شب می خواندند اللَّهُمَّ أَقْسِمَ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ

لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام و خواندن يك آيه قرآن در اين ماه ثواب يك ختم قرآن و افطاری دادن ثواب بنده آزاد نمودن دارد و کسی که وقت افطار بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغفر لي گناهان او آمرزیده شود و چون بگوید اللَّهُمَّ لَكَ صَدَقْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ ثواب جميع روزه داران باو عطا می شود و کسی که شب اول یا روز اول این ماه دو رکعت نماز بخواند رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا رکعت دوم هر سوره بخواند حق تعالی جميع بدی ها را از او در این سال دور کند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و کسی که هر شب در این ماه دو رکعت نماز هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب اليه حق تعالی او را و پدر و مادر او را بيامرزد و در عقب نماز ها در این ماه این دعا را بخواند يا على يا عظيم يا غفور يا رحيم أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ

وَشَدِّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فُرِضَتْ صِيَامُهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ شَهْرِ فَيَازَ الْمَنِّ وَلَا يَمُنُّ عَلَيْكَ مَنْ عَلَى فَكَأْكِ وَغَبْتِي مِنَ النَّارِ فَيَمُنُّ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَاَدْخَلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَوَانِدَن سوره انا انزلنا در وقت افطار و سحر ثواب جهاد در راه خدا دارد و اين دعاى شريف در همه اوقات خصوصاً در شب و روز اين ماه و در عقب نمازها بخواند اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَرِيَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فَكْ كُلَّ أَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ حَالِنَا بِحُسْنِ حَلِّكَ اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ أَنْتَ

علی کل شیئی قدیر و شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ایام ولیالی متبرکه و اوقات زیارت مخصوصه و شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم لیالی قدر و عبادت در آن ها بهتر از هزار ماه است و اعمال این سه شب بسیار است و اهم آن ها غسل و خواندن سه مرتبه سوره یس و صد مرتبه استغفار و صد مرتبه بگوید الله العن قتله امیر المؤمنین و شب بیست و سوم دو غسل وارد شده و فرمود حضرت صادق علیه السلام کسی که در شب بیست و سوم ماه رمضان سوره روم و عنکبوت را بخواند واللہ اهل بهشت است و در این سه شب دو رکعت نماز نیت نماز شب قدر هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند. بعد از نماز هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه حق تعالی او را و والدین و اهل بیت او را بیمارزد و دعا بامام زمان که در اعمال شب نیمه شعبان ذکر شد و ذکر مسائل دین و قرائت قرآن و دعاهاى وارده و استغفار و توبه و دعای بمؤمنین و والدین نباید ترک شود و در این شب ها قرآن مجید را بگشاید و بخواند

اللَّهُمَّ أَنِّي اسْتَلِكُ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرِ وَأَسْمَائِكَ

الحسنى وما يخاف ويرجى أن تجعلنى من عتقائك من النار وأن تقضى حوائجى پس حوائج خود را بخواهد و قرآن را بر گذارد و بخواند
اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ پس هر يك از اين
اسماء شريف را ده مرتبه بگويد بك يا الله بمحمد بعلى بفاطمة بالحسن بالحسين بعلى بن الحسين بمحمد بن على بجعفر بن محمد
بموسى بن جعفر بعلى بن موسى بمحمد بن على بعلي بن محمد بالحسن بن على بالحجة و پس از آن با تضرع و اميدوارى دعا نمايد و اين
دعا در سحرهاى ماه رمضان بخواند و چه خوب است هميشه در قنوت نماز وتر بخواند يا مفرعى عِنْدَ كَرْبَتِي وَ يا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اليك
فَزِعْتُ وَ بِكَ اسْتَعِثْتُ وَ يَكُ لَذَّةٌ لَا الْوَذَّ بِسِوَاكَ وَ لَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ فَاغْنِنِي وَ فَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي
الْيَسِيرَ وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ

اٰیْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قُلُوْبِي وَیَقِيْنًا حَتّٰی اَعْلَمَ اَنْهُ لَنْ یَّصِیْبَنِیْ اِلَّا مَا کُتِبْتُ لَیْ وَرَضَیْ مِنَ الْعِیْشِ بِمَا قَسَمْتَ لَیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاْحِمِیْنَ یَا عُدَّتِیْ فِیْ کُرْبَتِیْ
وَ یَا صَاحِبِیْ فِیْ شِدَّتِیْ وَ یَا وَلِیْ فِیْ نِعْمَتِیْ وَ یَا غَاثِیْ فِیْ رَغْبَتِیْ اَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِیْ وَ الْاَمِنْ رَوْعَتِیْ وَ الْمَقِیْلُ عَشْرَتِیْ فَاغْفِرْ لِیْ خَطِیْئَتِیْ یَا
اَرْحَمَ الرَّاْحِمِیْنَ وَ اِیْنَ دَعَا شَرِیْفٍ اِزْ حَضْرَتِ رِضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ نَقْلٌ شَدِیْدٌ وَ اِمَامٌ مُحَمَّدٌ بَاقِرٌ عَلَیْهِ السَّلَامُ دُرِّ سَحْرَهَیْ مَاہِ رَمَضَانَ مِی
خَوَانَدَنَدِ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاءٍ وَكُلَّ بَهَائِكَ بِهٰی اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ بَهَائِكَ کُلُّهُ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ جَمَالِكَ بِاجْمَلِهِ وَكُلَّ
جَمَالِكَ جَمِیْلٍ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ جَمَالِكَ کُلُّهُ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ جَلَالِكَ بِجَلَالِهِ وَكُلَّ جَلَالِكَ جَلِیْلٍ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ جَلَالِكَ کُلُّهُ
اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاعْظَمِهَا وَكُلَّ عَظَمَتِكَ عَظِیْمَةٍ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ عَظَمَتِكَ کُلُّهَا اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ نُوْرِكَ بِاَنْوَارِهِ وَكُلَّ نُوْرِكَ نُوْرِ
اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ نُوْرِكَ کُلُّهُ اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَسْلَمْتُ مِنْ

ص: 153

رَحْمَتِكَ يَا وَسْعِيهَا وَكُلَّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةُ اللَّهُمَّ اني اسئلك من اني اسئلك بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اني اسئلك كَلِمَاتِكَ تَامَهُ
اللَّهُمَّ اني اسئلك بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اني اسئلك من كَمَا لَكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلَّ كَمَالِكَ كَامِلِ اللَّهُمَّ اني اسئلك بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ اني اسئلك
من اسئلك مَا كَبَّرَهَا وَكُلَّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةِ اللَّهُمَّ اني اسئلك بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اني اسئلك من عِزَّتِكَ بِاعْزَاهَا وَكُلَّ عِزَّتِكَ عَزِيزِهِ اللَّهُمَّ اني
اسئلك بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اني اسئلك من مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلَّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةِ اللَّهُمَّ اني اسئلك بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اني اسئلك من
قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلَّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلِهِ اللَّهُمَّ اني اسئلك بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اني اسئلك من عِلْمِكَ بِأَنْفَعِهِ
وَكُلَّ عِلْمِكَ نَافِعِ اللَّهُمَّ اني اسئلك بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ اني اسئلك من قَوْلِكَ بِأَرْضَائِهِ وَكُلَّ قَوْلِكَ رَضَى اللَّهُمَّ اني اسئلك بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ اني
اسئلك

مِنْ مَسَائِلِكَ بِاحْتِهَا إِلَيْكَ وَكَلَّ مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبِ اللَّهِ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرِّكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ شَرِّكَ
 شَرِيفِ اللَّهِ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْتَلِكُ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُنْ سُلْطَانِكَ دَائِمُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ أَنِّي
 أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مَلِكٍ فَآخِرِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِمَلِكٍ كُلِّهِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْوِكَ بِأَعْلَاهِ وَكُلِّ عِلْوِكَ عَالِ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِعِلْوِكَ
 كُلِّهِ اللَّهُمَّ أَسْتَلِكُ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مَنٍّ تَقْدِيمِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ يَمَنِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَكْثَرِهَا وَكُلِّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٍ
 اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْتَلِ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدَةٍ وَوَحْدَةٍ وَجَبْرُوتٍ وَحَدَهَا اللَّهُمَّ
 أَنِّي أَسْتَلِكُ بِمَا تَجِيبُنِي حِينَ أَسْتَلِكُ فَاجْبُنِي يَا اللَّهُ بِسُوءِ دَعَاكَ وَحَوَائِجِ خُودِكَ بِخَوَاهِ كَمَا الْبَتَّةُ بِأَوْرَدِهِ اسْتَ وَكَسَى كَمَا هَرَّ شَبَّ أَيْنَ دَعَاكَ
 بِخَوَانِدِ حَقِّ تَعَالَى أَوْ رَا عَذَابَ نَكْنَدِ أَعُوذُ بِجَلَالٍ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ

يُنْقِضِي عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلِي هَذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تَعَذَّبَنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْقَالِكِ وَدَرِ آخِرِ أَيْنِ مَا هُوَ خُصُوصاً
 جَمْعُهُ آخِرُ بَخَوَانِدِ اللَّهِ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا يَا هَإِنِ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُوماً وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُوماً اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا
 فِيهِ مَا مَضَى مِنْ رَمَضَانَ فَاعْفُ لَنَا فِيمَا يَقَى مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَرُوزِ جَمْعُهُ آخِرِ أَيْنِ مَا هُوَ خُصُوصاً وَشَرِيفُهُ رَا بَنُويسِدْ وَهَمْرَاهُ خُودِ
 كُذَارِدْ بَاعْثْ وَسَعَتْ وَمَحَافِظَتْ اسْتِ أَنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يَضَامُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُونٌ حَلِيمٌ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ وَدَرْ شَبِّ وَرُوزِ آخِرِ مَا هُوَ دَعَايَ وَدَاعِ رَا بَخَوَانِدِ اللَّهِ أَنْتَ أَسَدٌ مَلَكٌ بِأَحَبِّ مَادَعِيَتْ بِهِ وَارْضَى مَارْضِيَتْ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ
 بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِ شَهْرِي هَذَا وَدَاعِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعِ آخِرِ عِبَادَتِكَ وَ
 وَفَقْنِي فِيهِ لِلَّيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ مَعَ تَضَاعُفِ الْأَجْرِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ مِنَ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ

مِنْ مَعْصِيَتِي وَاقْبَلَ مِنْ أَلَيْسِيرٍ مَنْ طَاعَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و اما دعاهاى روزها و نمازهاى شبهاى اين ماه براى هر يك ثواب هاى بسيار فرموده اند نماز شب اول چهار ركعت هر ركعت بعد از حمد پانزده مرتبه قل هو الله احد شب دوم چهار ركعت هر ركعت بعد از حمد بيست مرتبه انا انزلنا شب سوم ده ركعت هر ركعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحيد شب چهارم هشت ركعت هر ركعت بعد از حمد بيست و پنج مرتبه انا انزلناه شب پنجم دو ركعت هر ركعت بعد از حمد پنجاه مرتبه توحيد بعد از نماز صد مرتبه صلوات شب ششم چهار ركعت هر ركعت بعد از حمد سوره تبارك الذي بیده الملك شب هفتم چهار ركعت هر ركعت بعد از حمد سيزده مرتبه انا انزلناه شب هشتم دو ركعت هر ركعت بعد از حمد ده مرتبه توحيد و بعد از نماز هزار مرتبه سبحان الله شب نهم شش ركعت هر ركعت بعد از حمد هفت مرتبه آية الكرسي و بعد از نماز پنجاه مرتبه صلوات و ميان نماز مغرب و عشا بخواند شب دهم بيست و كعت هر ركعت بعد از حمد سى مرتبه توحيد شب يازدهم دو

رکعت هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا اعطینا الکوثر شب دوازدهم هشت رکعت هر رکعت بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه شب سیزدهم چهار رکعت هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید شب چهاردهم شش رکعت هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت شب پانزدهم چهار رکعت در دور کعت اول حمد و صد مرتبه توحید و دو رکعت دیگر حمد و پنجاه مرتبه توحید شب شانزدهم دوازده رکعت هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت - رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد رکعت دوم حمد صد مرتبه توحید و بعد از نماز صد مرتبه لا اله الا الله شب هیجدهم چهار رکعت هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطینا الکوثر شب نوزدهم پنجاه رکعت هر رکعت حمد و یک مرتبه اذا زلزلت شب بیستم تا شب بیست و چهارم هر یک هشت رکعت ت بهر سور که بخواهد شب بیست و پنجم هشت رکعت هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب بیست و ششم هشت رکعت هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید شب بیست و هفتم چهار رکعت هر رکعت

حمد و تبارك الذي بيده الملك و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید شب بیست و هشتم شش رکعت هر رکعت حمد و صد مرتبه مرتبه آیه الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات و سوره توحید و کوثر هم ده مرتبه وارد شده ولی صلوات صد مرتبه است شب بیست و نهم دورکعت هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید شب سیام دوازده رکعت هر رکعت حمد و 20 مرتبه قل هو الله احد و بعد از نماز صد مرتبه صلوات و نمازهای مستحبی هر دو رکعت بیک سلام است و اما دعاهاى روز هاى ماه رمضان را بقصد قربة مطلقه بخواند دعای روز اول اللّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامُ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامُ الْقَائِمِينَ وَ نَبْهَتِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جَرْمِي فِيهِ اَلْه الْعَالَمِينَ وَ اَعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ رُوزُ دَوْمِ اللّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ وَ جَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نِقَمَاتِكَ وَ فَقَضَى فِيهِ لِقَاءَ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای رُوزُ سَوْمِ اللّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَ التَّنْبِيْهَ وَ بَاعِدْنِي فِيهِ مِنْ

السَّفَاهَةُ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيْباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجُودَ الْاجُودِينَ دَعَاى رُوزِ چَهَارَمِ اللَّهُمَّ قُوْنِى فِيهِ عَلَى أَقَامَتِ أَمْرِكَ وَ
اذْقُنِى فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزَعْنِى فِيهِ لَا دَاءَ شَدَّ كُرْكَ بِكَرْمِكَ وَاحْفَظْنِى فِيهِ بِحِفْظِكَ وَ سَتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ دَعَاى رُوزِ پَنجَمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِى
فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِى فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَائِمِينَ وَاجْعَلْنِى فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دَعَاى رُوزِ
ششمِ اللَّهُمَّ لَا تَخْذَلْنِى فِيهِ لِتُعَرِّضَ مَعْصِيَتَكَ وَلَا تَضْرِبْنِى بِسِيَاطِ نَقَمَتِكَ وَ زَحْزَحْنِى فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَيَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ
الرَّاعِبِينَ دَعَاى رُوزِ هفتمِ اللَّهُمَّ أَعْنِى فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَجَنِّبْنِى فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَأَنَامِهِ وَأَرْزُقْنِى فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمَقْلِينَ
دَعَاى رُوزِ هشتمِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِى فِيهِ رَحْمَةَ الْإِيْتَامِ وَ اطْعَامِ الطَّعَامِ وَ افْشَاءَ السَّلَامِ وَ صُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَأَ الْإِمْلِينَ دَعَاى رُوزِ نهمِ اللَّهُمَّ
اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيْباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ

اَهْدِنِي فِيهِ لِبَرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي اَلَّتِي مَرَضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا اَمَلِ الْمُشْتَقِينَ دَعَاىَ رَوْزِ دَهْمِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اِلَيْكَ بِاِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ دَعَاىَ رَوْزِ يَارْزِدْهُمْ اللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فِيهِ الْاِحْسَانَ وَكَرِهْ اِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ دَعَاىَ رَوْزِ دَوَارْزِدْهُمْ اللّٰهُمَّ زِينِي فِيهِ بِالسُّرْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْفَنُوعِ وَالْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَيَّ الْعَدْلَ وَالْاِنْصَافَ وَآمِنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا اَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ دَعَاىَ رَوْزِ سِيزِدْهُمْ اللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاِقْدَارِ وَصَيِّرْنِي فِيهِ عَلَيَّ كَائِنَاتِ الْاَقْدَارِ وَوَقِّنِي فِيهِ التَّقَى وَصِدْقَةَ الْاِبْرَارِ بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ دَعَاىَ رَوْزِ چِهَارْدَهْمِ اللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَشْرَاتِ وَاقْلُنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْاَفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزُّ الْمُسْلِمِينَ

دعاى روز پانزدهم اللّهُمَّ ارزقنى فيه طاعةُ الخاشعِ عِينِ وَاشدِّ رَحْ فِيهِ صَدْرِي بَانًا بِثِ الْمُخْبِتِينَ بامانك يا أَمَانُ الْخَائِفِينَ دعاى رُوْز شانزدهم
اللّهُمَّ وفقنى فيه لِمُوافَقَةِ الْاَبْرارِ وَ جَنَّبْنِي فِيهِ مُرافَقَةَ الْأَشْرارِ وَ آرونى فِيهِ حَمَتَكَ الّٰى دَارَ الْقَرارِ بِالْهِيتِكَ يا اِلهَ الْعالَمِينَ دعاى روز هفدهم اللّهُمَّ
اهْدِنِي فِيهِ لِصالِحِ الْأَعْمالِ وَأَفْضَلِي فِيهِ الْحوائِجِ وَ الْاَمالِ يا مَنْ لاَ يَحْتَاجُ إِلى التَّقْصِيرِ وَ السُّؤالِ يا عالِماً بِما في صُدُورِ الْعالَمِينَ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ دعاى رُوْز هجدهم اللّهُمَّ نبهنى فِيهِ لبركاتِ أَسْجارِهِ وَ نُورِ فِيهِ قَلْبِي بِضِياءِ أَنْوارِهِ وَ خُذْ بِكُلِّ أَعْضائى الّٰى اتَّبَعَ آثارِهِ
بِنُورِكَ يا مَنْ نُورِ قُلُوبِ الْعارِفِينَ دعاى روز نوزدهم اللّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِي مِنْ كاتِهِ وَ سَهِّلْ سَبيلى الّٰى خَيْرَاتِهِ وَ لاَ تَحْرِمْنِي قَبُولِ حَسَناتِهِ يا هادِياً
الّٰى الْحَقِّ الْمُبينِ دعاى روز بيستم اللّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوابُ الْجَنانِ وَ اَغْلَقْ عَنى فِيهِ أَبْوابُ النَّيرانِ فَقِنِي فِيهِ لِيْتالَوْهَ الْقُرْآنِ يا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فى
قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ دعاى روز بيست و يكَم اللّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ الّٰى مَرْضاتِكَ

دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَى سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنَزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ الْحَوَائِجِ الطَّالِبِينَ دَعَايَ رُوزِ بِيست و دُومِ اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَانْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَقِّنِي فِيهِ الْمُوجِبَاتِ مَرْضَانِكَ وَاسْكِنِي فِيهِ بِحَبُوحَاتِ جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ دَعَايَ رُوزِ بِيست و سومِ اللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَشْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ دَعَايَ رُوزِ بِيست و چهارمِ اللّٰهُمَّ أَنْتَ أَسَدُ مَلِكٍ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَاسْلُكْ التَّوْفِيقَ فِيهِ لَأَنْ أَطِيعَكَ وَلَا أَعْصِيكَ يَا جَوَادُ السَّائِلِينَ دَعَايَ رُوزِ بِيست و پنجمِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِمًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنًا بِسَنَةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمُ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ دَعَايَ رُوزِ بِيست و ششمِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَبَوْنُ وَعَيْبِي فِيهِ مَسْئُورًا يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ دَعَايَ رُوزِ بِيست و هفتمِ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصِيرَ امُورِي

فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحَطَّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرُ يَا رَوْفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ دَعَايَ رُوزِ بِيَسْتِ وَهَشْتَمِ اللَّهُمَّ وَفَرَّ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَأَكْرَمْنِي فِيهِ بِاحْصَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرَّبَ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاحُ الْمُلِحِّينَ دَعَايَ رُوزِ بِيَسْتِ وَنَهَمِ اللَّهُمَّ غَشْنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ دَعَايَ رُوزِ سَيِّدَةِ امِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعِهِ بِالْأَصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَدَعَايَ رُوزِ بِيَسْتِ وَهَفْتَمِ رَا رُوزِ بِيَسْتِ وَسُومِ هَمِ بِخَوَانِدِ اَيْنِ گناه کار سید صدر الدین الموسوی الروضاتی از برادران ایمانی ملتَمَسِ دَعَا هَسْتَمِ واما وقایعات ماه رمضان اول و دهم این ماه وفات خدیجه خاتون سوم نزول انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام و وفات شیخ مفید که امام زمان مدح او را فرمود و قبر او در رواق کاظمین است و روز ششم بیعت نمودن یا حضرت

رضا در خراسان و روز رسیدن نامه های اهل کوفه بسید الشهدا در مکه و بیستم فتح مکه و اذان گفتن بلال و بالا رفتن امیر المؤمنین بر دوش پیغمبر صلی الله علیه و آله برای شکستن بت ها صبر و عفو نمودن پیغمبر ص اهل مکه را پانزدهم ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام و حرکت مسلم ابن عقیه بکوفه بیست و یکم شهادت امیر المؤمنین علیه السلام

فصل چهارم در اعمال مال شوال و شب عید فطر کمتر از شب قدر نیست و در این شب غسل و احیاء و استغفار و قرائت قرآن و دعا بسیار بنماید و در عقب نماز مغرب و عشا و صبح و نماز عید بخواند اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَيْنَا وَ بَعْدَ أَزْ نَمَازِ مَغْرِبِ بخواند یا ذالمن وَ الطُّوْلِ یا ذالجود یا مصطفی مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مبین پس بسجده رود و صد مرتبه بگوید اتوب الی الله و دعا نماید که مستجاب است و در این شب دو رکعت نماز وارد شده رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه

ص: 165

موره قل هوا احد و ركعت دوم يكمرتبه و بصد مرتبه هم وارد شده و ركعت دوم يكمرتبه و زيارت حضرت سيد الشهداء عليه السلام در اين شب ترك نشود هر كجا باشد و ده هاي اين شب بسيار است و دعای يا دائم الفضل و دعای اللهم بحق محمد والمحمد كه در اعمال شبهای جمعه ذكر شد و مناجات امير المؤمنين عليه السلام را در اين شب بخواند و اما روز عيد فطر عيد بزرگ اسلام است و اعمال آن خواندن تكبيرات كه ذكر شد و غسل و زيارت سيدالشهداء و افطار نمودن از خرما و تربت مقدس امام حسين عليه السلام و نماز عيد است نماز عيد در فصل نمازهای واجبی و مستحبی ذكر ميشود و اما وقايعات ماه شوال در اين ماه غزوه بدر و حنين واحد و خندق و شهادت حمزه عموی پيغمبر واقع شد و عمر و بن عبدود بضربت امير المؤمنين كه افضل از عبادت ثقلين بوده بقتل رسيد و اميرالمؤمنين در هفدهم اين ماه سقايت نخلستانی نمود و يك مد جو بحضرت داد و برای آن حضرت دسداس نمودند و نان طبخ كردند چون خواست افطار فرمايد سائلی آمد با و داد و گرسنه خواييد و در عوض

قرص نان خورشید برای نماز آنحضرت برگردید و بیست و پنجم وفات رئیس اسلام حضرت امام جعفر صادق است فصل پنجم در اعمال ماه ذیقعه و ذیحجه که این دو ماه و ماه محرم و ماه رجب از ماههای حرام است و کسیکه در ماه حرام سه روز متوالی پنجشنبه و جمعه و شنبه روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود و شب پانزدهم ذیقعه شب دعا و استغفار و عبادت است و کسی که موفق بعبادت شد اجر صد نفر روزه دار که ابداً معصیت خدا نکرده باشند با و عطا شود و عبادت شب بیست و پنجم ذیقعه ثواب عبادت صد سال و روزه داشتن روز بیست و پنجم ثواب روزه هفتاد سال دارد و زیارت حضرت رضا علیه السلام در این روز و این ماه افضل اعمال است وقایعات ذی قعه یازدهم اینماه ولادت حضرت رضا علیه السلام و بیست و پنجم دحو الارض و پهن شدن زمین و آمدن حضرت آدم علیه السلام بزمین و ولات ابراهیم و عیسی پیغمبر و آخر اینماه وفات امام محمد تقی و اما ذیحجه ماه عبادت است روزه داشتن نه روز اول ثواب روزه تمام عمر و روز اول ثواب هشتاد

سال و روز هشتم ثواب شصت سال دارد و کسیکه روز اول این ماه این دعا را بخواند رفع شر ظالمین از او بشود حسبی حسبی حسبی من سئوالی علمک بحالی و در ده شب اول بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز دهه ذی حجه بخواند هر رکعت بعد از حمد و قل هو الله احد این آیه را بخواند واعدنا موسى ثلثين ليلهً و ائتمناها بعشرٍ فتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اُزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ حق تعالی با ثواب حاجیان او را شریک فرماید و هر روز این تهلیلات را بخواند که ثواب بی شمار دارد لا اله الا الله عَدَدَ اللَّيَالِي وَ الدُّهُورِ لَا اله الا الله عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اله الا الله وَ رَحْمَتِهِ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا اله الا الله عَدَدَ الشُّجَرِ وَ الشَّجَرِ لَا اله الا الله عَدَدَ الشَّعْرِ وَ الْوَبَرِ لَا اله الا الله عَدَدَ الْحَجَرِ وَ الْمَدَرِ لَا اله الا الله عَدَدَ لَمَحِ الْعُيُونِ لَا اله الا الله فِي اللَّيْلِ اِذَا عَسَّ عَسَّ وَ الصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اله الا الله عَدَدَ أَعْدِ الرَّبَاحِ فِي الْبَرَارِي وَ الصُّحُورِ لَا اله الا الله مِنْ الْيَوْمِ اِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ رُوزِ هَشْتَم وَ نَهْم وَ دَهْم

غسل وارد شده و شب نهم شب عرفه و شب دعا و استغفار و عبادت در این شب اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و زیارت سیدالشهدا علیه السلام در این چند شب و روز افضل اعمال است و روز نهم عرفه حقتعالی بندگان خود را بعبادت خوانده و محروم نمیفرماید و بعد از نماز عصر زیر آسمان دورکعت نماز روز عرفه بجا آورد و اقرار بگناهان خود نماید و توبه و تضرع نماید و مشغول دعا شود که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و اما دعاهاى روز عرفه بسیار است من جمله الله اكبر والحمد لله و سبحان الله ولا اله الا الله و قل هو الله احد و انا انزلناه و آية الكرسي ولا حول ولا قوة الا بالله وصلوات هر يك صد مرتبه وارد شده و اين دعا را پيغمبر اكرم در اين روز مى خواندند لا اله الا الله وحده لا شريك له له المملك وله الحمد يحيى و حتى لا يموت بيده الخير و هو على كل شئ قدير اللهم لك الحمد كالذى تقول و خيراً مما تقول و فوق ما يقول القائلون اللهم لك صلواتى و نسكى و محياى و مماتى و لك براتى و بك حولى

وَمِنْكَ قَوْنِي اللَّهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَمِنْ شَتَابِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ تَجِيئِي بِهِ الرِّيحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي لِحْمِي نُورًا وَفِي دَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوَقِي وَمَقَامِي وَمَقْعَدِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِ ظِيمَ فِي الثُّورِ يَا رَبِّ يَوْمَ الْفَلَاحِ أَتَاكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنِّي عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ إِنَّ تَعَذِّبْنِي فَيَا مَمُورٌ قَدْ سَلَفَتْ مِنِّي وَأَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ بَرَهْتِي وَإِنَّ تَعَفَّ عَنِّي فَاهْلُ الْعَفْوِ أَنْتَ يَا أَهْلَ الْعَفْوِ يَا أَحَقَّ مَنْ عَفَى اغْفِرْ لِي وَلَا خَوَانِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبَّ أَنْ ذُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ وَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِي لَا تَنْقُصُكَ فَاعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ فَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامَّا شَبَّ دَهْمٍ ذِيحْجَه شَبَّ دَعَا وَتُوبَه وَدَعَا شَبَّ جَمْعَه كَهْ ذَكَرْ شَدَه دَرِ اَيْنِ شَبَّ نِيزْ وَارَدْ شَدَه وَاحِيَا وَزِيَارَتِ سَيِّدِ الشَّهَدَا عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِ اَيْنِ شَبَّ سَنَتِ اسْتِ وَرُوزِ دَهْمِ عِيدِ بَزَرْگِ اسْلَامِ وَبَعْدِ ازِ نَمَازْهَا تَا صَبَحِ دَوَازْدَهْمِ

این ذکر را بخواند الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله و الله اكبر الله اكبر و الله الحمد لله اكبر على ما هدانا الله اكبر على ما رزقنا من بهيمة الأنعام و الحمد لله على ما أبلانا و بعضی علما غسل و نماز عید قربان را واجب می دانند و احتیاط ترک نکردن است و نماز عید و خطبه آن در فصل نمازها ذکر می شود و شب چهاردهم در مکه باعجاز پیغمبر صلی الله علیه و آله شق القمر کردند و روز هیجدهم این ماه عبدالله الاکبر و یوم الغدير و روزه داشتن این روز برابر باروزه دنیا است و انفاق نمودن يك در هم برابر است با صد هزار درهم و خداوند عالم دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب های قدر و عید فطر از آتش جهنم آزاد فرموده در این روز آزاد نماید و غسل و زیارت جامعه و زیارت امیر المؤمنین و اظهار سرور و خواندن این حمد لازم است الحمد لله الذي جعل كمال دينه و تمام نعمته بولاية امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام و نماز عید غدیر دو رکعت است قبل از ظهر هر رکعت بعد از حمد قل هو الله احد و آية الكرسي و انا انزلناه هر يك ده مرتبه و ثواب آن مقابل است با صد هزار

حج و صد هزار عمره و بر آمدن جمیع حوائج و روز بیست و چهارم این ماه یوم المباهله و نماز آن مثل نماز عید غدیر عید غدیر است و روز بیست و پنجم سوره مبارکه هل اتی در حق اهل بیت نازل شد و مناسب است در این روزها خواندن زیارت جامعه و روز آخر این ماه دعای یا من ختم النبوة که در آداب غروب آفتاب ذکر شد بخواند و روز آخر ذیحجه دو رکعت نماز رکعت اول و دوم بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد ده مرتبه آیه الکرسی و بعد این دعا بخواند اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَ نَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَ دَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ اللَّهُمَّ فَاغْفِرْ لِي وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّي وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ شیطان گوید وای بر من آنچه من زحمت کشیدم در این سال همه خراب شد و شهادت دهد این سال در حق او که همه را بخیر ختم نموده و اما وقایعات ماه ذیحجه روز دوم این ماه غلبه حضرت موسی بر ساحران و ایمان آوردن آن ها ششم تزویج فاطمه زهرا علیه السلام هفتم وفات امام محمد باقر

هشتم ترویج و حرکت سید الشهداء از مکه معظمه بکربلا نهم عرفه و شهادت حضرت مسلم بن عقیل دهم عید قربان پانزدهم ولادت امام علی النقی علیه السلام هیجدهم عید بزرگ شیعیان و یوم الغدیر بیست و چهارم یوم المباهله بیغمبر صلی الله علیه و آله بانصارا بیست و پنجم نزول سوره هل اتی و آمدن طعام بهشتی برای اهل بیت و خاتم بخشی امیر المؤمنین علیه السلام در نماز بیست و هشتم واقعه حره و قتل و غارت مدینه با مرزید و در گذشت عمر خطاب از دنیا فصل ششم در اعمال ماه محرم و صفر و ربیعین و جمادین اما ماه محرم روز اول دعاهائی که روز نوروز ذکر می شود بخواند و کسی که شب اول این ماه دو رکعت نماز بخواند هر رکعت بعد از حمد یازده مرتبه قل هو الله احد و بعد از نماز دعائی که در روز نوروز ذکر می شود بخواند و روز اول را روزه بدارد در این سال محفوظ باشد و اگر بمیرد اهل بهشت باشد و مانند کسی است که تمام سال را عبادت نموده باشد و شب عاشورا چهار رکعت نماز بدو سلام هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از نماز هر قدر بتواند صلوات و لعن بردشمنان آل محمد وارد شده بخواند و این

نماز مانند نماز امیر المؤمنین علیه السلام است و عبادت شب عاشورا برابر هفتاد سال عبادت است و مانند کسی که عبادت کرده باشد عبادت جمع ملائکه و روز عاشورا تا عصر امساك نماید از خوردن و بزازاری و زیارت مشغول باشد اما وقایعات ماه محرم اول این ماه تاریخ هجرت پیغمبر اکرم از مکه بمدینه منوره و در این روز دعای زکریا مستجاب شد و خداوند عالم یحیی را با عطا فرمود و ادریس پیغمبر با آسمان برده شد دوم این ماه سیدالشهدا علیه السلام وارد کربلا سوم این ماه خلاصی یوسف از زندان و ورود عمر بکربلا دهم عاشورا دوازدهم ورود اهل بیت علیه السلام بکوفه بیست و پنجم وفات حضرت زین العابدین علیه السلام و اما ماه صفر این ماه معروف بنحوست است و بهتر چیزی که برای رفع بلا مؤثر است صدقه دادن و دعا و توسل بخانواده عصمت و این دعا را در تمام این ماه بخواند یا شدید القوی و یا شدید المجلال یا عزیز یا عزیز ذلّة بعظمتک خلّقک فاکفنی شرّ خلّقک یا مُحسِنُ یا مُجْمِلُ جَمِيعِ یا منعیم یا مُفْضِلُ یا لَا الهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنِّي كُنْتُ

مِنْ الظُّلَمَاءِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ تُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرُزْ چَهار شنبه آخر
 این ماه این دعا را بنویسد و بشوید و بخورند در این سال از تمام بلاها محفوظ باشند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَبُ اَلْنَا اه اه اَمَّا اَلَا بِا اَمَّا
 صِحَّة طاه اع لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ واما وقایعات این ماه روز اول این ماه اهل بیت را با
 سرهای شهدا وارد دمشق نمودند و جنگ صفین در این ماه واقع شد روز هفتم شهید و کفعمی شهادت امام حسن مجتبی را نوشته اند بیستم
 اربعین سید الشهداء و بروایت شیخین رجوع اهل بیت و آمدن جابر بکربلا و روز بیست و هشتم وفات خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله
 و حضرت مجتبی علیه السلام و روز آخر این ماه بروایت طبرسی شهادت حضرت رضا علیه السلام و بنا بر خبری روز هفدهم وفات
 حضرت رضا علیه السلام واما ماه ربیع الاول شب اول این ماه لیلۃ المبیت مبدء هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله از مکه بمدینه و
 خوابیدن امیرالمؤمنین علیه السلام در مکان پیغمبرص پنجم این ماه وفات

سکینه خانون و هشتم این ماه وفات امام حسن عسگری روز نهم روز عید بزرگ و روز اول امامت حضرت صاحب الزمان علیه السلام و بروایت کلینی روز دوازدهم ولادت خاتم الانبیا و بروایت مشهور روز هفدهم ولادت آنحضرت و ولادت امام جعفر صادق علیه السلام و در این روز دو رکعت نماز هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد وارد شده و دهم این ماه عقد خدیجه خانون برای پیغمبر و خلافت سفاح عباسی و کشتن بنی امیه و سوزاندن آن ها و چهاردهم این ماه هلاکت یزید ملعون که بیست طشت خون از حلقش بیرون شد و بمرد و بحالت مستی در بیت الخلا بدرک رفت و فعلا قبر آنمامون مزبله است و شانزدهم ورود اهل بیت بشام بنا بر خبری و اما ماه ربیع الثانیه در پنجم و دهم ولادت امام حسن عسگری و نهم آیه وجوب نماز نازل گردید و دهم این ماه سال 1230 قمری خارجیان جسارت بیارگاه حضرت رضا علیه السلام نمودند و اما جمادی الاول سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم وفات صدیقه طاهره و بیست و پنجم ولادت حضرت زین العابدین و اما جمادی الاخر بروایت معتبر

سوم این ماه وفات فاطمه زهرا و بیستم ولادت آن معصومه و کسی که در روز وفات صدیقه طاهره دو رکعت نماز بخواند رکعت اول قل هو الله احد رکعت دوم قل یا ایها الکافرون و بعد این زیارت را بخواند حق تعالی گناهانش بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحَجَجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا النَّهْمُ صَلِّ عَلَى أَمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَرَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَاءِ عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ** و بیست و دوم درگذشت ابابکر از دنیا و بیست و هفتم وفات امام علی النقی علیه السلام .

فصل هفتم در آداب نوروز حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس فرمود روز نوروز غسل کن و جامه پاکیزه بپوش و بوی خوش استعمال نما و در وقت تحویل بسیار بگو یا مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ و الابصار یا مُدَبِّرِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ یا مُحَوِّلِ الْحَوْلِ و الاحوال حَوْلَ حَالِنَا الِیَّ أَحْسَنَ الْحَالِ و آیه الکرسی و صلوات مکرر بخوان و این هفت سلام آیات قرآن مجید

را بر کاسه چینی با گلاب و زعفران بنویسد و بشوید و بخورند در این سال از جمیع بلاها محفوظ باشند سَلامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ سَلامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ سَلامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ سَلامٌ عَلَى آلِ يَسَ سَلامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ عَلَيْكُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ و هر گاه این هفت سلام را بنویسد و همراه گذارد در نظر خلائق محترم و محبوب بوده باشد و این دعا را روز اول ماه محرم و نوروز بخواند اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ سُنَّةُ جَدِيدِهِ وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ اسْتَانَكَ خَيْرَهَا وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا وَاسْتَكْفِيكَ مُؤْنَتَهَا وَ فِتْنَتَهَا وَ شُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ صَلَوَاتِيْ كِه در اعمال روز جمعه ذکر شد مکرر بخواند

فصل هشتم در نمازهای مستحبی و واجبی اما نمازهای مستحبی بسیار است ولی نماز جعفر که پیغمبر مکرم تعلیم او نمود اکسیر اعظم است و باعث آمرزش و بر آمدن جمیع حاجات است و آن چهار رکعت است بدو سلام رکعت اول حمد و اذا زلزلت رکعت دوم حمد و سوره والعاديات

رکعت سوم حمد و اذا جاء نصر الله رکعت چهارم حمد و قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از حمد و سوره پانزده مرتبه بگوید سُبْحَانَ
 اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و در رکوع ده مرتبه و چون سر از رکوع بردارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و چون سر از
 سجده بردارد ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و چون سر بردارد ده مرتبه آنوقت برخیزد و سه رکعت دیگر را همین قسم بخواند که مجموع
 سیصد مرتبه تسبیح مجموع سیصد مرتبه تسبیح گفته شود پس در سجده آخر یا بعد از نماز بخواند سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ سُبْحَانَ
 مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ تَكْرَمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ لَا أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذَالْمَنْ وَالنَّعْمِ سُبْحَانَ ذَالْقُدْرَةِ وَ
 الْكَرَمِ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَ عَدْلاً صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ آنوقت دست بدعا بردارد و بسیار بگوید یا الله یا رب یا حي یا قیوم یا

ص: 180

ص: 181

انا انزلناه دیگر نماز طلب باران و آن بجماعت افضل است و روز شنبه و یکشنبه و دوشنبه روزه بدارند و توبه نمایند و روز دوشنبه بصحرا روند با خضوع و خشوع و استغفار و بهتر آنکه پا برهنه باشند و پیره مردان و پیر زنان و اطفال حیوانات را همراه ببرند و اطفال را از مادران جدا نمایند و سه مرتبه الصلوة بگویند و آن دو رکعت بطریق نماز عیدین است ولی این قنوت را بخواند اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ بِهَا يُمُكْ وَأَنْشُرْ رَحْمَتَكَ وَاحِى بِلَا ذَكَ الْمَيْتَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد امام بمنبر برود و ردای خود را بگردانند یعنی آنچه بر دوش راست است بر دوش چپاندازد و دو خطبه بخواند بعد از آن رو بقبله نماید و صد مرتبه بگوید لا اله الا الله بعد رو بجانب چپ نماید و صد مرتبه بگوید سبحان الله بعد رو بحاضرین نماید و صد مرتبه بگوید الحمد لله و همه حاضرین این اذکار را بلند بگویند و با خضوع دعا نمایند و اما نماز استسقاء و نماز عیدین و آن ها دو رکعت است رکعت اول بعد از حمد سوره اعلی رکعت دوم حمد و سوره والشمس و رکعت اول پنج قنوت و رکعت دوم چها و قنوت

و برای هر قنوت تکبیر بگوید و قنوت ها را قبل از رکوع بخواند و در نماز عیدین این قنوت خوانده شود. اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جُمِلَتْهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ تُحِيدُ وَالْمُحَمَّدَ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ عِدَّةً أَوْ آلِ مُحَمَّدٍ وَإِنْ تَخَرُّ جَنَى مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ عِدَّةً أَوْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مُسْتَعَاذُ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ و بعد از نماز تسبیح فاطمه زهرا بگویند و در این نمازها بجای اذان و اقامه سه مرتبه بگوید القلوة و مستحب است بصحرا روند و زیر سقف نخوانند و امام جماعت متحمل غیر در قرائت نمی شود و بعد از نماز دو خطبه که ذکر می شود بخواند و اما نماز جمعه می فرمایند در زمان غیبت اولی آنست که به نیت قرۃ نماز جمعه خوانده شود و نماز ظهر را هم بجا

آورد و از چند نفر ساقط است و آن ها از بنده وزن و مسافر و کور و پیر عاجز و بیمار و از کسی که تا مکان نماز جمعه زیاده از دو فرسخ باشد و اگر دو جا نماز جمعه بخوانند يك فرسخ یا زیاده فاصله باشد و باید بجماعت خوانده شود و کمتر از پنج نفر نباشند و دو خطبه که ذکر می شود قبل از نماز جمعه بخواند یا بشمشیر و عصا تکیه نماید و میان دو خطبه لمحّه به نشیند و قبلاً بحاضرین سلام نماید و طول خطبه ندهد و حاضرین حرف نزنند و اما فرانت را بلند بخواند و آن دو رکعت است رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه و رکعت دوم بعد از حمد سوره منافقین بخواند و رکعت اول قبل از رکوع قنوت بخواند و رکعت دوم بعد از رکوع قنوت بخواند و بسجده تین برود و اما دو خطبه که در نماز استسقا و عیدین و جمعه و عیدین خوانده شود أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

وَإِنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصَى رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْإِمَامَةَ الْمَعْصُومِينَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعَلَ بْنَ
مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَالحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ حَبَّجَ صَلَّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَصَلَّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أُوصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَالرَّكُوعَةِ وَ
الْحَجِّ وَالْجِهَادِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالتَّقْوَى وَالرَّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ وَادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ أَطِيعُوا
اللَّهَ فِيمَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ وَفِيمَا نَهَى عَنْكُمْ عَنْهُ عَصَ مَنْ أَيْكَمَ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَنَا وَلَكُمْ الْأُولَى إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَابْلَغَ الْمَوْعِظَةِ
لِلْمُتَّقِينَ كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا
بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

پس اندکی بنشیند و برخیزد برای خطبه دوم و بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ هَذَا أَنَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَالْاِثْمَةُ الْمُعْصُومِينَ حُجَّجَ اللَّهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَعِدِّ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَذَابَ كُفْرِهِ وَأَنْصُرْ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ وَالْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ . پس هر گاه عید فطریا عید قربان است آداب فطر و قربانی و اگر روز جمعه است آداب جمعه از ناخن گرفتن و شارب زدن و غسل جمعه و زیارت مؤمنین و والدین بیان نماید و اما نماز میت مسلمان و بچه شش ساله مسلمان بعد از سه غسل

ص: 187

إِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَالحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالحُجَّةَ مِنَ الْحَسَنِ أَيْمَةَ الْهُدَى الْأَبْرَارِ وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَصَى مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَالْإِسْلَامَ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَاحِدٍ عَشَرَ مِنْ وَلَدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ الْقَتْلَى وَسَادَتِي وَقَادَتِي وَشَفْعَائِي فَعَانِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ اتَّبِرْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنَّ مَا جَاءَ بِهِ النَّبِيُّ حَقٌّ وَإِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَسُؤَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَتَطَائِرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَإِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فصل نهم در زیارت قبور مؤمنین فرمود معصوم کسی که قادر نباشد زیارت ما زیارت نماید علما و صلحا را نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و خواندن هفت مرتبه سوره انا انزلناه باعث ایمنی خواننده و میت است از ترس قیامت و خواندن یازده مرتبه سوره قل هو الله أحد در قبرستان مؤمنین بعدد اموات حسنات نوشته شود و فرمود امیر المؤمنین کسی که در قبرستان بخواند السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدَ ثُمَّ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اغْفِرْ لِمَنْ قَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِي اللَّهِ ثَوَابِ پَنجاه سال عبادت برای او نوشته شود و فرمود حضرت سیدالشهداء علیه السلام کسی که در قبرستان بخواند اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَالْعِظَامِ الْفَخْرَةِ الَّتِي خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤَمَّنَةٌ ادْخُلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ وَسَلاماً مِنِّي بنویسد حق تعالی برای او حسنات

بعدد خلق از زمان آدم تا قیامت و در قبور ائمه اطهار و انبیاء همان زیارت جامعه خوانده شود و در زیارت جمیع امامزادگان این زیارت را بخواند السَّلامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالدَّاعِي الْحَقُّی اَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتُ حَقًّا وَنَطَقْتُ صِدْقًا وَدَعَوْتُ إِلَى مَوْلای وَ مَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَ مُرَّافًا مُتَبِعًا وَنَهَا مُقَدِّقًا وَ خَابَ وَ خَسِرَ مَكْذِبُكَ وَ الْمَتَخَفُ عَنْكَ اَشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُونُ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفِكَ وَ طَاعَتِكَ وَتَصَدِيقِكَ وَ اتِّبَاعِكَ وَ السَّلامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدِي وَ ابْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ وَ الْمَأْخُذُ عَنْهُ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَ حَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدَعًا وَ هَا أَنَا ذَا اسْتَوْدَعَكَ دِينِي وَ امانت وَ خوانیم عملی وَ جَوَامِعَ اَمَلِی إِلَى مُنْتَهَى اَحْلَى وَ السَّلامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ بهتر آنکه بعد از زیارت دو رکعت نماز هدیه بجا آوری و دعائمانی و فرمود معصوم کسی که زیارت کند فاطمه معصومه را در قم برای اوست بهشت و در زیارت حضرت معصومه و سایر امامزاده ها هر گاه زن باشند بعد از السلام

عليك بگوید ايتها السيدة الزكية الطاهرة الولية والداعية الحمية و در تمام كاف های خطاب بكسر بخواند و کسی که زیارت کند عبدالعظیم را به ری مثل کسیست که زیارت نموده باشد سیدالشهدا را در کربلا و زیارت والدین ثواب حج دارد و زیارت امامزاده سید محمد فرزند امام علی البقی نزدیک سامره و شاه چراغ در شیراز و امامزاده نرمی و امامزاده محمد و امامزاده احمد و هارونیه و بی بی زینب در اصفهان و امامزاده داود در طهران و دیگر از امامزاده های صحیح النسب هر يك ثواب بسیار دارد و در قبور انبیا که آدم و نوح در جوار امیرالمؤمنین و اسحق و یعقوب و یوسف و ابراهیم نزدیک بیت و هود و صالح در نجف اشرف و یونس در شریعه کوفه و یوشع در مسجد برائا می باشند همان زیارت جامعه خوانده شود .

فصل دهم در دعوات و اذکار لازمه از اسماء الحسنی و نام گذاری مولود و دعای قربانی و دعاهاى شفاء و غیره اما اسماء الحسنی در خبر است هر که را حاجتی باشد بنویسد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى رَبِّهِ

الجليل رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين و در گل پاك گذارد و در آب اندازد و بگويد اللهم بحق محمد و آله الطيبين الطاهرين وصحبه المرضيين اقض حاجاتي يا اكرم الأكرمين و حاجت خود را هم بنويسد الله اسم ذات شصت و شش مرتبه برای جميع حوائج الاول دست بر شکم گذارد و صد و سی و چهار مرتبه بخواند برای رفع سقط جنين يا مذل برای رفع ظلم ظالم در سجده هفتاد و پنج مرتبه بخواند الحفيظ برای حفظ بدن و مال صد و هفت مرتبه بخواند الوهاب برای رفع پریشانی و فقر در آخر شب صد مرتبه بگويد الواسع برای وسعت رزق صد و سی و هفت مرتبه بخواند و ياحنان يا منان ياديان يا برهان برای محبت و دوستی مداومت نماید و اما آداب مولود پس از تولد او را غسل مولود بدهد و در گوش راست اذان و گوش چپ اقامه بگويد و با تربت سيدالشهدا يا خرما يا آب شيرين کام او را بردارد و در روز هفتم اسم او را بگذارد و اگر پسر است ختنه نماید و اسم ائمه اطهار و فاطمه و زهر اوطيبه و طاهره بگذارد و كنيه كه مشتمل بر آب

وَأُمُّ بَاشِدٌ بَكَدَارِدٌ وَ أَكْرَ اسْمُ اَوْرَا تَحْمَلُ كَذَارِدٌ جَايزٌ نِيسَتِ كَنِيهِ اَوْرَا اَبُو الْقَاسِمِ بَكَدَارِدٌ وَ بَعْضِي عَلَمًا غَسَلُ مَوْلُودٌ وَ عَقِيْقَه رَا وَاجِبٌ مِي دَانَنْدِ وَ اَحْتِيَاظُ تَرْكُ نَكْرَدَنِ اسْتِ وَ اَمَّا عَقِيْقَه كُوسْفَنْدِ بِي عَيْبِ كَمْتَرِ از شَشْمَاهِ نَبَاشِدِ وَ رُوْبَقْبَلَه دَرِ وَقْتُ ذَبْحِ آبِ بَاوِ بَدَهْدِ وَ بَخْوَانْدِ وَ جَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوَاتِي وَ نَسْكَي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِيرُ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ گوشتِ اَوْرَا سَه قِسْمَتِ نَمَايِدِ بَرَايِ اَهْلِ بَيْتِ وَ هَمْسَايْگَانِ وَ فُقَرَاءِ وَ اَكْرَ عَقِيْقَه اسْتِ بَخْوَانْدِ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ آدَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءً لَا لِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ اسْتِخْوَانِ هَايِ اَوْرَا نَشَكَنْدِ وَ پِدَرِ وَ مَادَرِ نَخُورَنْدِ وَ اَمَّا عَرِيْضَه بَرَايِ تَوْسَلِ وَ قِضَاءِ حَوَائِجِ خِدْمَتِ اِمَامِ زَمَانِ وَ هَرِيكَ از ائمه اطهار بنويسد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُتَبِينُ مِنَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ إِلَى مَوْلَى الْجَلِيلِ سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَ

فَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلَى وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرُ وَ مُوسَى وَ عَلِيٌّ وَ عَمَدُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِي مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ رَبِّ أَنْتَ مَسْنَى الضُّرِّ وَ الْخَوْفِ فَاكْشِفْ ضُرِّي وَ آمِنْ خَوْفِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ وَ وَصِيِّ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي اشْفَعُونِي يَا سَادَاتِي بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَانَ مِنْ السَّانِ فَقَدْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ الْخَوْفُ يَا سَادَاتِي وَ اللَّهُ اِرْحَمِ الرَّاحِمِينَ وَ حَوَائِجِ خُود رَا بنويسد

فصل یازدهم در دعوات قضاء حوائج و ختم و شفاء امراض و محبت و اولاد و مسافرت و محافظت و غیره آنچه از قرآن مجید و اخبار صحیح اخذ شده اولاً سوره مبارکه حمد و توحید و انا انزلناه ونصر و معوذتین و آیه الكرسی خواندن و بشیرینی دمیدن و نوشتن و شستن و آب آنرا آشامیدن برای جمیع مطالب مؤثر است و حرز امام زمان برای رفع هر بالا و شدت و اصلاح امور و نصرت و برکت وصحت همراه

ص: 195

بخواند و بنویسد همراه بگذارند و لَوْ اَنْ قُرْاْنَا سُبْحَتِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتٰی بَلِ اللّٰهُ الْاَمْرُ جَمِیْعاً و برای شفاء مریض صدقه بدهد و تربت سیدالشهداء علیه السلام در آب ریخته بخورد و یک من تبریز گندم در پارچه روی سینه مریض بریزد و بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ اِذَا سَأَلْتُکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ مَا فِی الْاَرْضِ جَعَلْتَهُ خَلِیْفَتَکَ اِنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اِنْ تُعَافِیْ هَٰذَا الْمَرِیضَ مِنْ عِلَّتِهِ وَخود مریض بکران تعافینی من عیلتی پس آن گندم را چهار قسمت نماید و بچهار فقیر بدهد و برای سر درد بنویسد و بر سر بگذارند کم من نعمة من الله فی عرق ساکن حمعسق لا یصدعون عنها ولا ینزفون من کلام الرحمن حمدت النیران و برای رفع سرفه بنویسد فَلَوْلَا اِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَ اَنْتُمْ حَیْنَزِدٍ تَنْظُرُونَ حَجَّ حَجَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اِجْمَعِیْنَ و برای شفاء جمیع امراض سوره حمد را بنویسد با آیه وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا

هو شفاء ورحمة للمؤمنين ویشوید و آب آنرا بیاشامد و برای رفع چشم و نظر بر تخم مرغ بنویسد جَاعَتْ جُعْتُ جَعَجَعْتُ
 انْفَجَعْتُ انْطَلَعْتُ انْفَعَلْتُ كَذَلِكَ عَيْنِ الْعَايِنِ الْمُعَيَّنِ و مقابل صورت ظرفی بگذارد و بسم الله بگوید و بشکند و بدهد بحیوانی
 بخورد و برای رفع تب و نوبه در سه کاغذ کوچک بنویسد اول یا علحج بسم دوم یا علحج الرحمن سوم یا علحج الرحیم و بترتیب روزی
 یکی از آن کاغذها را بخورد و برای آسانی وضع حمل سوره قدر را با این حروف باین ترتیب بنویسد و همراه بگذارد و برای زیاد شدن
 شیر زنان و حیوانات بنویسد وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسَبِّحُكُمْ بِمَا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ و یشوید و آب
 آنرا بخورد و بنویسد همراه بگذارد با این آیه که برای محافظت انسان و حیوان و زراعات بسیار مجرب است و إِنَّ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 لَيُزْلِقُونَكَ يَا بَصَارَهُمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ

198 : ص

مُبِينُ يَا مُنِيرُ يارب اكفنی الشُّرُورِ وَ آفَاتِ الدَّهْورِ وَأَسْأَلُكَ النِّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ برای فروش متاع و برکت بنویسد و روی آن بگذارد فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَ برای اولاد آیه شریفه گوئیم انزلنا هذا القرآن آخر سورة حشر با این آیه فَلَمَّا تَغَشَّيْهَا حَمَلَتْ حَمَلاً خَفِيفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ أَتَيْنَا صَالِحاً لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ بنویسد و بشوید و آب آنرا بیاشامد و همراه هم بگذارد و برای اولاد پسر بنویسد و بخواند و همراه گذارد یا زکریا انا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ

قَبْلَ سَمِيّاً

و باید قصد و نیت کند که اسم او را محمد بگذارد یا یحیی

ص: 199

خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا اللَّهُمَّ أَنْتَ سَمَّيْتَ مَا فِي بَطْنِهَا بِاسْمِ نَبِيِّكَ قَسَمَهُ أَنْتَ مُحَمَّدٌ وَبِرَّامِي طِفْلٍ وَحَيَوَانَاتٍ بَنُويسِد وَ
ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَبِرَّامِي مَحَبَّتٍ وَدُوسْتِي بَنُويسِد وَبَشُويد وَشِيرِيْنِي بِخَوَانِد وَبَخُورَانِد وَهَمْرَاه هَم بَكَذَارِد يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللَّهِ أَشَدُّ حُبًّا شَدِيداً وَأَنِيْهِمُ اللَّهُ قَوَابِ الدُّنْيَا وَحُسْنِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دِيَانُ يَا بُرْهَانَ يَا سُلْطَانَ يَا
ظَاهَرَ يَا مَغْنَى يَا اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاز تَجْرِيَّاتِ شَيْخِ بَهَائِي بِرَّامِي اُولَادِيكَ گُوسْفَنْد سِيَاه رَنْگ بَگِيْرِد كِه كَمْتَر از شَش مَاه نَبَاشَد وَزِيْر سَقْف
كِه آسْمَان نِه بِيْنَد ذَبْح وَبِجَهْل مُؤْمِن بَدَهْد اَنُوقْت يَكِي از مَحَارِمِ آيِه وَلَوْ اَنْ قَرَأْنَا كِه ذَكَرْ شَد بِحُرُوفِ مَقْطَعِه بِرْ جَانِبِ رَاسْت شَكْمِ زَن
بَنُويسِد وَرُوزِي صَد مَرْتَبِه اسْتِغْفَارِ هَم بَنَمَايِد حَقِّ تَعَالَى اُولَادِ صَالِحِ مَرَحْمَتِ فَرْمَايِد وَبِرَّامِي شُوهَرِ نَمُودَن دَخْتَرِ بِرْ پارِچِه بَنُويسِد وَدَر
لِبَاسِ كِه مِي پُوشَد بَكَذَارِد وَ مَنْ كَلْ شَيْءٍ خَلَقْنَا رَزَوَجِيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ

بادام تلخ همراه مسافر باشد و مداومت بآیه الکرسی و معوذتین نماید و این آیه شریفه که برای عزت و وسعت و محبت و محافظت مؤثر است بنویسد و همراه گذارد و مکرر بخواند در سفر و حضر الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز والبتة در اول دعاها بسم الله بخواند و بنویسد و در آخر بنویسد و صلی الله علی محمد و آله و این توسل در تمام اوقات برای جمیع مهمات مجرب است و در تمام کارها و دعاها و زیارات باید اول دعا بامام زمان بنمائی و بعد حوائج خود را بخواهی اللهم إلی اتوجه إلیک و أعظمها لَدَیک و أتقرب و توسل بمن أو جبت حقّه علی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِينَ کف مهماتی یا أرحم الراحمین الخیر ما من مخلوق یدعوا بدعاء الحسین (ع) إلا حشر معه و کان شفیعاً فی الآخرة اللهم انی أسألك بکلماتک و معافیه عرشک و سکان سمواتک و أرضک و أنبیائک و رسلک أن تستجیب لی فقد رحتنی من أمری عسراً فأتلتک أن تصلی

ص: 202

علی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ و أن تجعل لی من أمری (عسری خل) یسراً و بعلاوه برای حسن عاقبت و اصلاح امور دنیا و آخرت مجرب است. این فصل خاتمه داده می شود بمناجات و دعاء حضرت زین العابدین علیه السلام که معروف بدعاء سریع الاجابه و سبب آمرزش گناهان و قصاء جمیع حوائج و مهمات است إلهی کیف أدعوك و أنا أنا و کیف أقطع رجائی و أنت أنت إلهی إذا لم أسألك فتعطينی فمن ذالذی أسأله فیعطينی إلهی إذا لم أدعوك فتستجیب لی فمن ذالذی أدعوه فیستجیب لی إلهی إذا لم أتضرع إلیک فترحمنی فمن ذالذی أتضرع إلیه فیرحمنی إلهی فکما فلقّت البحر لموسی علیه السلام و نجیته أسألك أن تصلی علی مُحَمَّدٍ و آلیه و أن تتجینی ممّا أنا فیهِ و تفرج عني فرجاً عاجلاً غیر أجل بفضلک و رحمتک یا أرحم الراحمین سید صدر الدین ملتمس دعا می باشد

باب چهارم در اختیارات و آداب و حفظ الصحه ماخوذ از اختیارات علامه مجلسی مشتمل بر چند فصل است فصل اول

ص: 203

در استخاره و دانستن خوب و بد مکانها و اثر که واکب اما استخاره تسبیح دستور امام زمان چنانچه شیخ بهائی از مشایخ خود از حضرت امام زمان علیه السلام نقل نموده بعد از بسم الله و صلوات يك قبضه بگیرد و دو دو بشمارد هر گاه یکی باقی است خوب و اگر دو باقی است به و اما استخاره قرآن بعد از نماز حمد و صلوات بخواند و قرآن بگشاید اگر آیه رحمت است خوب و اگر آیه عذاب است بد و اگر از هر دو است میانه و هر گاه خواستی تقال از قرآن مجید بزنی با طهارت سه مرتبه قل هو الله احد و صلوات را بخوان و دعا کن و بگشا قرآنی که تمام باشد پس شش ورق بشمار و از ورق هفتم شش سطر بشمار و نظر کن مطلب معلوم می شود اما استخاره رقاع که معصوم فرماید در سه کاغذ بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خيرة من الله العزيز الحكيم افعل و سه کاغذ دیگر همین قسم بنویس و آخر آن بنویس لا تفعل و بگذار زیر سجاده و دورکعت نماز بگذار و برو بسجده و صد مرتبه بگو استخیر الله برحمته خيرة في عافيه و سربردار کاغذ ها را مخلوط نما و برهم

زن و صلوات بفرست و يك يك بردار و بين هر گاه سه افعـل آمد خوب و هر گاه سه لا تفعل آمد بد و اگر بعضی افعـل و بعضی لا تفعل است تا پنج رقه بیرون آور هر کدام بیشتر است عمل نماید و اما هرگاه خواستی در مکانی بروی یا کاری بکنی اسم آن مکان یا آن کار را بحروف ابجد جمع کن و چهار چهار طرح کن اگر یکی ماند خرب نیست اگر دو ماند متوسط است اگر سه ماند خیر است اگر چهار ماند بسیار خوب است و لازم است در این مقام ذکر اعداد حروف ابجد صغیر

ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن س ع ف ص

68 10 24 68 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ اسم مبارك علی صدوده است

84 - 84 - 84 - 4 با بجد کبیر

اما ستاره دنباله دار که گاهی پیدا می شود از کواکب آسمانی نیست وقوس و قزح از عکس روشنی آفتاب ظاهر می شود و گفتن قوس و قزح خوب نیست و نام شیطان است و گفته شود قوس الله و زلزله از شکاف شدن زمین برای

ص: 205

بیرون رفتن بخارات است و مکانی که چاه و قنات دارد کمتر زلزله می شود و اما خسوف و کسوف حایل شدن جرم ماه بین زمین و خورشید یا بعکس است و این ها آیات الهیه است گاهی آثار رحمت است و گاهی آثار غضب لذا در بعضی مواقع نماز آیات واجب است بخوانند و این آیه شریفه در این مواقع و انقلاب هوا خوانده شود لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير فصل دوم در محرم نامه و نوروزنامه و تعبیر خواب اما محرم نامه روز اول محرم این آیه را بنویسد و بشوید و در خانه بپاشد در آن سال از بلاها و گزیدن جانوران محفوظ باشند افا مِنْ أَهْلِ الْقُرَى انْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ و هرگاه روز اول محرم شنبه باشد زمستان سرد بارندگی بسیار مرض طاعون و کودکان در بعضی شهرها و گرانی گندم و کمی غسل بعضی جاها و مزروعات بی آفت باشد و بعضی میوه ها آفت رسد و روم با عرب جنگ کند و آخر سال از هر جهت خوب باشد و اگر یک شنبه باشد زمستان نیکو

باران بسیار و کمی آفت بزراعات و درختان برسد و کمی عسل و در هوا اثر طاعون ظاهر شود و در آخر سال گرانی باشد و غلبه پادشاه و ظاهر شدن ستاره دنباله دار و اگر دوشنبه باشد زمستان نیکو تابستان گرم باران بسیار گاو و گوسفند فراوان در آذربایجان میوه بسیار و مرض زنان و زکام در بلاد جبل و گوشت و روغن فراوان و زر کم باشد تزویج بسیار و چهار پایان خوب و بر هم خوردگی فارس سه شنبه باشد برف و سرما بسیار و در نواحی مشرق گوسفند و عسل بسیار و در آخر سال گرانی با آنکه زراعات و باران زیاد باشد و اول سال نرخها ارزان باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و میان عرب و عجم قتال واقع شود و بزرگی از عرب کشته شود و اگر چهارشنبه باشد زمستان وسط و در بهار باران آید و غله و میوه بسیار باشد و در بلاد جبل و مشرق موت بسیار باشد و نرخ ها ارزان و کسی بر پادشاه خروج نماید و ابریشم و حریر ارزان باشد و یکی از پادشاهان بمیرد و امراض در خراسان و مرک در چهار پایان باشد و معاملات بسیار شود و اگر پنج شنبه

باشد زمستان ملایم باران و غله و عسل بسیار باشد و آب زیاد باشد و بابل و روم بر مسلمانان غلبه نماید و عرب غالب شود و محاربات در مغرب واقع شود و بادهای تند گاو و زیادتی راهزنان و ستم - برعایا واقع شود و اگر جمعه باشد کمی سرما در زمستان و کمی آب و غله در بلاد جبل و گرانی در مغرب و آفت درختان و غلبه بعضی بر فارس و فساد عظیم در فارس و زیادتی مرض در اطفال و سقط جنین و سختی وضع حمل و اگر در این سال ستاره دنباله دار ظاهر شود فتنه های عظیم بهم رسد و نوروژنامه هر گاه روز اول نوروژ شنبه باشد خلاف رعیت و پادشاه خوبی گندم و جو زیادتی باران و سیل و در هند آفت برسد و بیماری بیماری و مورو کردم و ملح و حشرات و در آخر سال ارزانی و عسل کم و موش زیاد و ابریشم میانه باشد و در طبرستان فتنه و بیماری زنان و کودکان و آفت گوسفندان و اگر یک شنبه باشد حال ملوک خوب باشد و نکاح بسیار شود و بیماری زیاد و گندم و جو ارزان باشد و زراعات و پنبه قصور کند برف و سرما کم باشد و انگور

بسیار و در بهار باران آید قدریکه مردم به تنگ آیند و آفت کشتی باشد و تابستان گرم و زمستان میانه و اگر دوشنبه باشد تابستان گرم و زمستان میانه و ابریشم و غله خوب باشد و حال پادشاهان نیکو و فراوانی نعمت و خوبی و ارزانی زراعات کنجد و پنبه بسیار باشد و سرمای بی وقت آید و فتنه و حزب کم باشد و بیماری زیاد و حشرات

بسیار و حال بزرگان باشد و اگر سه شنبه و علماء خوب باشد حال بزرگان میانه و زمستان بسیار سرد و تابستان گرم باشد و نرخ ها گران و زیادتی فتنه و حرب و جانوران و آفت زراعات در شام و بیماری در فارس و آفت زراعات و تنگی در اول سال و ارزانی در آخر سال و ابریشم میانه و آبله و خشکی پیدا شود و اگر چهار شنبه باشد حال علماء و صلحاء خوب باشد و تغییر احوال سلاطین و زیادتی آشوب و ارزانی نرخها و ناخوشی در گیلان و طبرستان و آشفته گی و تنگی و بستگی کار مردم و باران بی وقت و آفت بعضی میوه ها و زراعات و خشکی در تابستان و سرمای زمستان و ابریشم خوب باشد و اگر پنجشنبه باشد نیکوئی

حال مؤمنین و کنجد و پنبه میانه و باران در بهار و تابستان آید و بیماری کم باشد و ابریشم میانه و زیادتى چهارپایان و خوبى کار گاوهر
فروشان و نیکوئى حال مردم و اگر جمعه باشد نیکوئى حال قاریان قرآن و سلاطین و فساد زراعت و خوبى پنبه و ابریشم و زیادتى سرما و
برف و گرمى هوا و بیماری در تابستان و خوبى حال کشتى ها و خوبى زراعات و سال مبارك و خويست و همیشه مؤمن دعا و توسل
و صدقه را نباید ترك کند نا محفوظ بوده باشد و اما تعبیر خواب از قرآن مجید اولاً آنشب که خواب دیده ملاحظه کند چند شب از ماه
گذشته و بعضى هر شبى يك سوره از قرآن شماره نماید بعد از همان سوره بعدد هر شبى که از ماه گذشته يك آیه شماره کند در آخر آن آیه
بازن خدا تعبیر آن معلوم مى شود و در موقع خواب مؤمن با طهارت بخوابد و استغفار و توبه نماید و کسى که بگوید بسم الله الرحمن
الرحيم الحمد لله رب العالمين صد هزار حسنه براى او نوشته شود و صد هزار گناه او آمرزیده شود و صد هزار درجه در بهشت براى او بلند
شود کما فى عنوان الکلام وآية الكرسى

بخواند تا محفوظ باشد و اگر خواهد از جانوران گزنده محفوظ باشد بخواند سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ
چنانچه برای رفع اذیت سگ و درندگان هر کجا باشد بخواند و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید پس هر گاه در خواب پیغمبران و ائمه و ملائکه
و صلحا و آسمان و خورشید و ماه و ستاره و بهشت و امثال آن

و به ها را دید دلیل بر حج و زیارت و حرمت از خویشان و فرزند پیدا کردن باشد و دیدن اموات از غم بیرون آید و قرآن و کتاب و منبر و
امامت و جماعت و قضاوت و نماز و روزه و اذان و امثال آن ها دین او قوی شود و خیر از او صادر شود و دیدن جنگ و جدال از دشمن حذر
نماید و دیدن جواهرات و زر و نقره و انگشتر دولت و فایده و ایمنی باشد

و او دیدن شمشیر و توپ و تفنگ و کارد و امثال آن ها قوت باشد و دیدن حیوانات عموماً روزی وسیع شود و حشمت دنیا باو برسد و دیدن
روغن و شیر و پنیر و مشروبات عموماً دلخوشی و روزی حلال باو برسد و دیدن میوه عموماً شادی شیرینی ها عموماً تن درستی و خوشی و
از غم بیرون آمدن

ص: 211

و ایمنی باشد و دیدن طهارت نمودن و برهنه بودن و حمام رفتن و خضاب نمودن و خون کم کردن دلیل عزت و رفع هم و غم باشد و دیدن خانه آراستن و جامه پوشیدن و آواز طنبور و ساز شنیدن نعمت و رزق حلال باشد و لباس سرخ دلیل بر سیاست است و نعلین پا نمودن زن رفتن باشد و موی سر اندکی رنج باشد و مزاح و صحبت با زنان بر او خوش گذرد و سوختن لباس اندک گرفتاری باشد و دیدن چهار پایان عموماً خوب است و اسب دولت و حمار بلندی بخت و گاو خوش گذشتن و شتر زیارت مکه یا ائمه رفتن و گوسفند روزی حلال و شیر فائده رسیدن از بزرگان باشد و قاطر و سگ و خوک و خرس و گرگ و شغال و روباه و کژدم از دشمن و ظالم احتراز کند و مار دولت یابد و دیدن مرغان عموماً خوشحالی باشد و نعمت باو برسد و دیدن شیرینی ها و گوشت ها عموماً نعمت و امنیت و فراخی باشد و برف لشکر کشی باشد و مؤمن باید همیشه تقفل بخوبی نماید و تعبیر خواب را از علما و صلحا بخواهد .

فصل سوم در آداب طهارت و حمام و مکان و لباس و غیره

ص: 212

اما آداب طهارت باید خود را از نامحرم بپوشاند و رو و پشت بقبله بول نکند که حرام است و ایستاده و در آب و رو بافتاب و ماه و سر و پا برهنه و روی سنك و زمین سخت و در خانه جانوران و زیر درخت میوه و حریم مساجد و قبور مسلمین بول و غایط نکند و بسم الله بگوید و سنگینی خود را بطرف چپ اندازد و اما آداب حمام عورت خود را از نامحرم بپوشاند آب سرد در حمام نیاشامد شانه نکند تکیه بدیوار ندهد ناشتا در حمام نرود در حمام مسواك نکند اول قدری آب بسر و پا بریزد لنگ بسر و صورت نکشد الله بگوید چون بیرون آمد سر را بپوشاند در زمین حمام و در آب بول نکند و خود را بسدر و خطمی بشوید و روز چهارشنبه یا پنجشنبه یا جمعه سر تراشد و بخواند بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله و حرام است ریش تراشیدن اما حنا بستن امان است از عذاب قبر و چهل روز نشده نوره بکشد اما آداب لباس پوشیدن رنگ لباس سفید یا زرد یا سبز یا آبی باشد رنگ سیاه مکروه است و لباس زیاد بلند نپوشد و زیر جامه نشسته در پا نماید و بسم الله بگوید و

دست و صورت بدا من پاك نكند و عمامه ايستاده بر سر گذارد و انگشتر در دست نمايد كه دو ركعت نماز با انگشتر عقيق برابر هزار ركعت است و نعلين سفيد يا زرد در پا نمايد اما آداب غذا خوردن در ظرف طلا و نقره و سرسفره كه شراب خورند و چيز نجس خوردن و بدون اذن صاحب سفره غذا خوردن اين جمله حرام است و پيش از غذا و بعد دست را بشويند و بسم الله بگويد و حمد و شكر خدا را بنمايند و خوب بچود و نظر بديگران نكند و نان را ظرف طعام قرار ندهد و با سيري چيز نخورد و طعام بسيار گرم نخورد و در حال جنابت و راه رفتن چيز نخورد و با دست راست بخورد و آخر طعام نمك بخورد و خلال نمايد و خلال و دستمال را با ديگري شركت نكند و اما آداب آب خوردن در شب نشسته و روز ايستاده بياشامد بنحو مكيدن و دهن روي آب نگذارد و در ظرف شكسته آب نخورد و بسم الله بگويد و لعن بر قاتلان سيد الشهداء نمايد صد هزار حسنه در نامه عمل او نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه در بهشت براى او بلند شود و ثواب صد هزار بنده آزاد نمودن با و

دهند و در قیامت سیراب و خنك دل وارد شود كما في عنوان الكلام و اما آداب خوابیدن زیاد خوابیدن فقر می آورد و بین الطلوعین و تنها و بر بام بی دیوار و با دست و دهان طعام آلوده و قبل از نماز عشاء نخوابد و بسم الله و حمد و استغفار بگوید و اول طرف چپ و بعد طرف راست بخوابد و خواب بر پشت خواب شیطان است و کنار لباس خود را برخت خواب بکشد جانوران دور می شوند اما آداب تزویج چه عقد و چه عروسی در شب بنماید و در قمر در عقرب و تحت الشعاع نباشد و زن و شوهر هر يك دورکعت نماز بخوانند و دعا نمایند و پای عروس را بشویند و آب آنرا در خانه بریزند بلاها رفع می شود و هفته اول عروس سیر و سر نخورد و در مجامعت بسم الله بگوید و نظر بعورت نکند و احتیاطاً رو و پشت بقبله نباشند و در حال حیض حرام است مجامعت و مکروه است ایستاده و بر بام خانه و رو بآفتاب و با پری معده و زیر درخت میوه و شب عید فطر و عید قربان و اول و وسط ر آخر هر ماه غیر از اول ماه رمضان و باید دستمال هر يك جدا باشد و اما حقوق مرد

بر زن آنکه هر وقت او را بخواهد تمکین نماید و بدون اذن او هیچ کاری نکند و مستحبات را بی اذن او بجا نیاورد و خود را برای شوهر زینت کند و شکایت او را بکسی نکند و اما حقوق زن بر مرد نفقه و کسوه او را ترك نکند و وسعت بدهد عطریات برای او بگیرد شب نزد او بخوابد با او غذا بخورد اگر تقصیری نمود او را عفو نماید و در بالاخانه ها او را منزل ندهد و آداب دین تعلیم او نماید نوشتن یاد او ندهد و اما حقوق پدر و مادر بر اولاد آنست که اطاعت آن ها را بکند اسم آن ها را نبرد پیشا پیش آن ها راه نرود رو به آن ها ترش نکند اگر محتاجند یاری آن ها بکند در حیات و ممات آن ها را فراموش نکند و اما حقوق اولاد نام خوب بر او بگذارد مادر در ایام حمل به و کندر و سیب بخورد او را در قنداقه سفید بگذارد روز هفتم ختنه او را بکند و نام او را بگذارد و کمتر از دو سال باو شیر ندهد و کم نماز و احکام دین و شنوگری باو یاد دهد و پسر را زن و دختر را شوهر دهد اما آدان منزل دیوار خانه زیاده از هشت زراع نباشد صورت در او نکشد محل نماز

علی حده باشد قرآن در خانه بخواند گوسفند و کبوتر و خروس نگاه دارد که رفع شیاطین بشود و ثواب بستیار هم دارد پرستوک در خانه جا ندهد سك نگاه ندارد چراغ زاود روشن نماید زیر طاق شکسته منزل نکند بسم الله و قل هو الله بخواند ناشتا از خانه بیرون نرود اما آداب زراعت وقت زرع بسم الله بخواند موقع درخت کشتن اول آب بریزند و بعد خاک در شب حصار نکند درخت میوه را ندارد اما آداب کسب از ربا احتراز نماید در معامله قسم نخورد عیب آنرا پنهان نکند دروغ نگوید اگر خریدار پشیمان شد قبول کند جلوبار نرود در معامله نوشته و شاهد بگیرد از کسادی شکایت نکند موقع نماز کاری بر نماز مقدم ندارد و توکل بخدا نماید و مؤمن که صدقه دادن را ترک نکند خصوصاً شب و روز جمعه و ماه های شریف و اعیاد که افضل است و بار حام بدهد ثواب آن بیشتر است و اما آداب معاشرت که بقاء نظم و عیش در حسن معاشرت است باید با عقلا و دانشمندان و کریمان و صلحا معاشرت نماید و از ظالم و بخیل و دروغ گو و فاسق و احمق و قاطع

رحم و متهم و اطفال و غلام و کنیز اجتناب نماید و با عقلا مشورت نماید و خیانت نکند و اظهار دوستی با برادران دینی نماید و بیهود و نصاری و کسی که مشغول نماز است سلام اذن داخل خانه کسی نشود و نظر بخانه مردم نکند و مسافحه نماید و صاحب مرضی می بیند حمد خدا نماید و موقع عطسه یرحمک الله بگوید و بزرگ تران و علما و صاحبان مال و جاه را احترام نماید و مهمان دوست باشد و در مجالس چهار زانو نشیند و خنده قهقهه نکند و به همسایه نیکی کند و از همنشین جوئیای حالات از او بشود کند کسی که با و بدی کرده باشد و پاری مؤمنین نماید و سبقت بصلح و سلام نماید و اعانت ظالم و اطاعت شهوت نکند و صبر و سکوت و شکر و حمد و خوف خدا را داشته باشد و راضی بقسمت خود بوده باشد و اما آداب مسافرت بعلاوه آنچه ذکر شد در ساعت خوب سفر نماید و قبل از نماز روز جمعه سفر نکند و توشه بردارد و اسراف نکند و توشه و مال خود را حفظ نماید و زود مراجعت نماید و غافلا وارد نشود و از غافله منفک نباشد و برای

دوستان تحفه بیاورد و در چهار شنبه آخر هر ماهی و در قمر در عقرب ازدواج و مسافرت ننماید و برای دانستن قمر در عقرب باین دستور مراجعه و حساب نماید معلوم می شود

هر چه از ماه شد مثنی کن *** پنج دیگر فزای بر سر آن

پس زهر پنج از آن زخانه شمس *** گیر برجی و جای ماه بدان

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت

فصل چهارم از باب چهارم در مختصری از دردها و دواهای لازمه قال النبی صلی الله علیه وآله لكل داء دواء الا الشام بهترین چیزیکه باعث حفظ الصحه و سلامتی است نظافت و پاکیزگی و عمل بدستورات دین مقدس اسلام است و طب پیشگیری از طب درمانی بیشتر اهمیت دارد پس باید غذا بخوری بقدر ضرورت دست برداری در حالتی که باز میل داشته باشی و دست ها و دندان ها را بشوئی و ابتدا و آخر غذا اندکی نمک یا سرکه بخوری و از خوردن چیزهای حرام و غذا های مانده و میوه های فاسد شده و از خوردن مواد نفاخ مثل آش و نان داخل در آب گوشت و خمیر و سبزیجات خام اجتناب نمائی و

ص: 219

همیشه غذا هائی بخوری که یبوست یا لنت زیاد نداشته باشد و چربی و گوشت و تخم مرغ زیاد کبد و کلیه را ناراحت می کند و فلفل و زعفران و زرد چوبه زیاد موجب تحريك قلب و کلیه است و میوه جات و مرکبات و گوشت و ماست و سبزیجات تازه بسیار خوب است و سر که مضعف قلب و بر عكس آب لیمو موجب تسهیل در هضم و مقوی است و چرك دندان باعث بیماری است و بینی باید کاملاً باز باشد و هفته يك روز چیز رقیق مثل دوق و گل سرخ بخورد و غذا را خوب باید جوید و قبل از خواب بول نماید و با دندان چیز نشکند و سوزن در دهان نکند و ظرف آب را ببیند و بیاشامد و لباس باید با فصل مطابقت داشته باشد هوای اطاق را دقت نماید اطاقی که آفتاب در او نتابد طیب داخل می شود موقع خواب خود را گرم بدارد و از هوای گرم داخل هوای سرد نشود و بمقدار کافی خواب بنماید و موقع خواب دکمه ها باز باشد و هر وقت حس خستگی نمود و میل بغذا ندارد یا سردرد می کند يك وعده غذا نخورد و استراحت نماید و اگر سرما خوردگی یا زکام باشد کوشش نماید که

عرق بیاید و غذا کم بخورد آنهم شیر و فرنی و آش رقیق با اسفناج و گشنیز و با پری معده جماع نکند و بعد از جماع بول نماید و ناشتا حمام نرود و بول را حبس نکند و منی در حال شهوت نگاه ندارد و حالت انسانی چهار قسم است اول طفولیت تا پانزده سال که غلبه خون و رطوبت و هاضمه و حرارت شدت دارد دوم از پانزده تا سی و پنج سال صفرا غلبه دارد سوم از سی و پنج سال تا شصت سال سودا غلبه دارد و مزاج سرد و خشک است چهارم از شصت ببالا- بلغم زیاد و قوه حرارت کم و رطوبت اطراف قلب را می گیرد و اما اخلاط اربعه علامت غلبه دم قرمزی صورت و چشم ها پری نبض خشکی دهن سنگینی سر میل بخواب سرخی بول خارش جای حجامت و بنفشه و عناب و نیلوفر با شکر مناسب است و علامت غلبه صفرا زردی صورت و چشم ها پاره زبان خشکی و تلخی دهن سنگینی سر سیاه شدن چشم وقت حرکت و زردی بول و ریشه خطمی و نیلوفر و تاج ریزی مناسب است با شکر و علامت غلبه سودا تیرگی رخساره و وحشت و بی حالی و خشکی دهن و

سیاهی باره زبان و گرفتگی صورت و شاه تره ریشه کاسنی و عناب با شکر مناسب است و علامت غلبه بلغم سفیدی و پریدگی رنگ صورت سردی بدن سستی اعضا بدمزگی دهن بدون عطش سفیدی بول و در بعضی سنگین شدن زبان و گل گاو زبان با در نجوبه بانبات مناسب است و مسهل این اخلاط هشت مثقال روغن کرچک یاسناه مکی و بنفشه و گل سرخ با شکر و علامت تب قرمزی صورت و چشم ها و حرارت بدن و زیاد شدن حرکت نبض و در بعضی با سر درد و مسهل بی اجازه طبیب نخورد و هر گاه ضعف دارد حقنه نماید و حقنه استر سال مایعات بروده است که باید ابتداء بروی دست چپ بخوابد و بعد بروی پشت در از کشد و اجزاء اماله روغن کرچک یا کف صابون یا مطبوخ گل خطمی و امثال آن و پاشوبه برای عرق و میل ماده است و روغن های مالیدنی برای تسکین اوجاع است و طریق گرفتن روغن ها از بادام و تخم کدو و گل سرخ و امثال آن ها بکوبند و قلیلی روغن و آب گرم در او بریزد و فشار دهد و اقسام تب بسیار است از تب عفونی و تب سرما

خوردگی و تب وجع عضوی و تب زکامی و غیره و در هوای عفونی و امراض مسری و باد سمومی دستمالی که که و پیاز آلوده باشد دهان و بینی را بپوشاند و امراض مسری زکام و حصبه وسوزاك و جرب و سیاه زخم و سیفلیس و غیره است و در بادهای سمومی خود را روی خاک با آب اندازند و مسافر در هوای سرد قلیلی تریاک بخورد و در منزل که وارد می شود نزدیک آتش نرود و برای حفظ چشم از برف و سرما عینک با پارچه سیاهی پیش چشم گذارد و اگر صدمه سرما به چشم رسید بخار کاه گندم بدهد و دست و پای سرما زده از روغن مغز گردو چرب نماید و مسافر دریائی غذای ترش بخورد و آب نمک در حمام بمالد رفع شپش میکند و از برای سوختگی آتش و آب گرم و سفیده تخم فورا بمالد یا عدس پخته ضماد کند و جراحی که از کارد و چاقو برسد مردا سنگ نرم کوبیده با روغن چراغ و زرده تخم بگذارد اما سر درد اگر پیش سر درد کند از زیادتی خون است حجامت و بوئیدن و مالیدن تریاک و خوردن عناب و تخم گشنیز مناسب است و اگر وسط سر درد کند

از صفر است پارچه با روغن گل سرخ آلوده نماید و بر سر گذارد و کف پا را روغن بنفشه بامالد و بوئیدن گل نیلوفر و خوردن مغز خیار و آتش انار یا آب غوره و تخم گشنیز مناسب است و اگر عقب سر درد کند زیادتی بلغم است قی نمودن از آب ترب یا سکنجبین با آب نیم گرم و نمک مناسب است و سرکه یکف یا ها بمالد و در آب گرم گذارد و اگر شقیقه درد کند آب گشنیز و تاجریزی و سرکه و صندل بمالد و آب سرد بر سر ریختن مناسب است و اگر از زکام یا سرما خوردگی باشد سبوس گندم یا سیاه تخم یا نمک گرم نموده بر سر بندد و اما زکام بهترین معالجات آب گرم بر سر ریختن یا پارچه بآتش گرم نماید و بگذارد و سیاه دانه بو کند و سر را بپوشاند و از خوردن شیرینی و ترشی و چربی و میوه و آب سرد اجتناب نماید و سبوس گندم گرم نماید و بر سر بندد و اگر سرما خوردگی تب هم دارد گوشت نخورد و استراحت نماید و تب نوبه تشخیص آن سهل است ابتداء لرز و تب و بعد عرق می آید و تب قطع می شود و ممکن است یکروز در میان پیدا شود

باید تقویت نماید و آب لیمو بخورد و حمام نرود و ترشی و میوه نخورد و جنطیانا و ریشه کاسنی و پوست گنه گنه و نبات مناسب است و عموماً خار خسك و عناب و سنبل الطیف و پر سیاوشان و باد رنجوبه و قودومه و سپستان و گل گاوزبان و اسطوخودوس و مرزنجوش با شکر یا ترنجبین یا گز علفی در این امراض بی ضرر است و در تب های عفونی و هوای وبائی نقل مکان نماید یا در منزل عود و عنبر و کندر و پوست انار و چدر و دود نماید و از جماع و حمام پرهیز نماید و پیاز رب انار و آب غوره و آب لیمو بخورد و در نوبه صرع که دهن که دهن کف می کند و آب می آید و رنگ سفید می شود و عاقرها و بسفایج و افیمون و اسطوخودوس بکوبد و پخته با مویز بی هسته معجون نماید و هر روز قبل از نوبه تا يك هفته روزی 7 مثقال بخورد و اما چشم درد از هوای گرم و سرد و گریه و نظر بخطوط و باد و غبار و دود و خوردن سیر و پیاز و گوشت و مجامعت و حمام و بی خوابی اجتناب نماید و گشودن چشم ر آب پاك و تلین طبیعت و کشیدن سرمه و خوردن تخم

گشنیز و اسطوخودوس و عناب و گل اروانه و بنفشه و پوست کاسنی و ترنجبین یکی دو نا مناسب است و بعد از سه روز لعاب اسفرزه با شیر یا سفیده تخم یا آب بهدانه بچکاند و مالیدن آب گشنیز و خیار و مامیران چینی و سفید آب و عناب و تریاک در اطراف چشم خوب است و غذا از آتش رقیق و برنج و عدس یا گشنیز و اسفناج مناسب است و گوشت و تخم مرغ در این امراض و فشار خون نخورد و اما دندان درد بهترین تدبیرات آب یخ در دهان بگیرد اول درد زیاد می شود بعد خوب می شود و نیز داغ کردن دندان با آتش ساکن می شود و اگر ورم نموده آرد و نشاسته و آب گرم مضمضه نماید تا منفجر شود و برای انفجار ورم کثیرا تخم مرو بیخ حلیمون کل خطمی هسته تمر هندی پاشد و اگر کرم خورده زراوند طویل بکوبد با برگ شفتالو بگذارد و برای اصلاح لثه گلنار و تباشیر شاه دانه نرم نموده بپاشد و نمک رفع درد و رفع خون بن دندان می نماید و برای بدبوئی دهان مویز و ابهل بکوبد و با فندق بخورد و اما گوش شامی در آب صاف نموده

بچکاند خوردن و بخور سداب مرزنجوش نافع است چکانیدن روغن بادام بسیار خوب است مالیدن آب گشنیز و کاهو و کاسنی و همیشه بهار و صبر زرد و تریاک بی ضرر است و اما کلو دود از جو و عدس و کوکنار که بجوشانند و از آب اسفرزه و خیار و فلوس و عسل و رب توت غرغره نماید و از بیرون بماند و اگر چرک زیاد است و برداشته نمی شود و حلقوم ورم دارد با داشتن قوه خون بگیرد و خروس بچه سر بریده شکم او را پاره نماید و گرم گرم زیر گلو ضماد کند و برای زعاف آب ریحان گشنیز کافور بچکاند آب یخ بر سر ریزد و گچ پخته یا سر که یا سرگین تازه گاوبر سر و پیشانی ضماد نماید و بازو و ران ها را به بندد و اگر از زیادتی خون باشد نباید بازداشت و برای خون جراحات نمک با پشم بز بگذارد و پاشیدن گل سرخ نافع است و اما ضعف قلب اقسامی دارد و بهترین چیزها اشتغال بی کارهای مفرح و اجتناب از سرکه و صرف شیرینی ها و سیب و به لیمو و انار جوجه کباب و تخم نیم پخته و مربا ها و ماست تازه و یک نخود دژیتال و دو مثقال سنبل الطیف

و پوست گنه گنه و جنطیانا با نبات نافع است و صندل و فوفل و کلاب بقلب بمالد ، و اما دل درد همه دل دردی را نباید از کرم دانست بسا می شود مسهل باعث سوراخ شدن روده ها می شود و برای کرم معده در منه ترکی شنبلیله جنطیانا اویشم سنبل الطیف افسنتین ریشه انار یکی دو تا دو مثقال مناسب است و اگر از امتلا باشد شبی دودانه حب شاهی از مقل زمکی و مرمکی و مصطکی و زعفران و صبر زرد بخورد و اگر نفخ یا ریاح باشد شاه تره و زیره و زنجبیل و ریشه بادیان يك مثقال یکی دو تا با نبات مناسب است و عموماً از ترشی و میوه و سر ما اجتناب نماید و قولنج که بسبب حبس ریاح یا ثقل که در رودها محبوس شده باید غذا نخورد و خود را گرم نگاهدارد و آب سرد نخورد و خروس بچه را سر بریده شکم او را پاره نماید بالای زهار بگذارد و پارچه نمد در آب نمک بجوشاند و بگذارد و بهترقی نمودن یا مکرر حقنه نمودن است از ترنجبین و شیر گاو و گل سرخ و روغن بید انجیر یا آب پاچه و امثال آن و مسهل سزاوار نیست. و اما اسهال گاهی جهت کرم معده

گاهی سبب نوبه یا فساد غذا یا سرما خوردگی یا سموم از اکل و شرب است اگر از سرما باشد سنگ یا نمک گرم کند روی آن بنشیند غذا کم بخورد آن هم برنج با فلفل و زیره و دارچینی و باید شیرینی و میوه و گوشت نخورد و چند مثقال روغن کرچک ناشتا نافع است و بهتر حمام رفتن و مالش دادن و آب نخوردن است و برک به ریشه انجبار بارهنگ ریشه خطمی پوست نارنج نعناع سماق دوغ نافع است و اما فتق خوردن چیزهای نفاخ مضر است و قرم باد و زرم باد و مغز اکلیل و عناب و گز علفی مفید است و پاها را بسمت بالا گذارد و دست بکشد و پارچه در آب بسیار گرم بگذارد تا بجای خود برود اما حرقة البول (سوزاك) تبرید بسیار نماید در آب گرم بول کند گوشت و سرخ کرده نخورد اسفناج گل کافشه با شیر پخته ضماد نماید خوردن شیره تخم خیار و کدو و آب اسفرزه و ماست نافع است و شیر و سفیده تخم مرغ بچکاند اما جرب که دانه‌های ریزه خصوصاً بین انگشتان می زند و یا خارش است سمغ عربی و هلیله بکوبد و با آب کافور ضماد نماید و بعد از خشک

شدن روغن زیت با عسل بمالد و برای خارش بدن نمک در آب جوش بریزد و یک ساعت در او بگذارد و عناب و تخم کدو و شکر بخورد. اما مفاصل اگر مقتضی باشد ابتدا مسهل بخورد و خوردن آب غوره و قهوه و خولنجان و سورنجان و هلیله با نبات خوب است و ضماد برگ کلم و زرده تخم و روغن گل سرخ و بادام و شادانه مفید است و اگر تب باشد گوشت و تخم و چربی کمتر بخورد و از نشستن زمین مرطوبی و آب سرد پرهیز نماید .

اما یرقان که زردی چشم و بدن است شیر و سماق و ماست و آب غوره و زرشک بخورد و ریشه خطمی و تخم کاسنی و آب رازیانه و کل نیلوفر و عناب و شیر خشت نافع است اما دمل تبرید نماید و کاهو و عناب بخورد و ضماد خمیر ترش و روغن چراغ و پیاز پخته و هسته تمر هندی و انجیر خشک و برگ سنجد و سرکین کبوتر نافع است بگذارد و باید چوڪ بعضو دیگر نرسد که دمل زیاد می شود اما سموم هر گاه يك مثقال تخم شلغم با کره یاروغن هر روز صبح بخورد رفع سموم می نماید و کسی که سمی خورده

ص: 230

باشد بهترین معالجات فی نمودن است و اماله از شیر و روغن و پس از قی شیر زیاد بخورد و خواب نرود و چیز های چرب و شیرین بخورد و جانور گزیده جای نیش را بمکد و آب دهن را بریزد بعد زالو اندازد و سیروسی که ضماد کند و خوردن سیر و جدروا خوب است و موضع نیش را در آب نمک بگذارد و ضماد برك توت یا خود توت و صبر زرد برای ضریه و سقطه و نیش گزندها نافع است و از گزیدن سك و گربه و غیره همین علاج ها نافع است بعلاوه محل زخم را داغ نماید بسیار مفید است و اگر درسم خورده احتباس طبع باشد اماله از شیر و روغن بنماید و انگشتر عقیق و یاقوت و جدروا و کل داغستان همراه داشتن بالخاصه برای رفع گزیدن جانوران موثر است چنانچه یاقوت همراه گذاردن برای رفع هوای عفونی مؤثر و اگر در دهان گذارد مسکن تشنگی می باشد و نیز آب برگ همیشه بهار قاتل اقسام کرم و جهت اورام و زخم ها و جانور گزیده نافع است و برای سوختگی آتش حنا و گل ارمنی با آب سماق و سرکه بمالد و اگر از جایی

افتاده یا کسی را چوب زده باشند پوست گوسفند تازه به آن عضو بپوشاند تا خشک شود یا اقاقیا و صبر زرد و ماش و گل ارمنی با آب برک مورد بسرشند و بگذارد و گر زالو بحلق چسبیده باشد سرکه و نمک غرغره کند و بهتر علاج کهنه بلجن آلوده و در دهان گیرد فوراً بکهنه می آویزد و شپشک که در ران و اطراف زهار پیدا می شود روغن خاکستری که در اورام و بیخ گوشه استعمال می شود بمالد خاتمه در فوائد بعضی اشیاء انجیر مقوی و رافع سده اسپند مثنی بدن نافع مصروع و رافع قولنج و فالج و سحر افسنتین مقوی و قاتل کرم و مدر حیض بابونه مقوی دماغ و باه و رافع سرفه و سینه و نزلات بسفایج محلل جمیع اخلاط بادیان مولد شیر و رافع سموم و اسهال تره رافع قولنج و مقوی معده تمر هندی مسکن فی ترب هازم غذا پیاز مقوی شهوت مانع ضرر آب و هوای وبائی حنا قلیلی آب حنا رافع قولنج خارخسک نافع قولنج و قاطع تب خاکشیر شیرین در آبله و حصبه و سرما خوردگی و رافع سموم و اخلاط سینه نافع زردک قاطع بلغم و مقوی سنجید رافع قی و

اسهال گل حلوا و کاهو و عناب صاف کننده خون روغن کرچک مسهل جمیع اخلاط و فرمود پیغمبر مکرم شفا در سنا باشد و مراجعه بطیب دستور اسلام است اللهم اشف کل مریض بحق محمد وآله.

باب پنجم در اخبار و مصائب ائمه اطهار - مقدمه در قواء انسان و علائم ایمان مشتمل بر یک مقدمه و دوازده مجلس و خاتمه مسما بعلائم الايمان متمم نور الايمان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ .

اما مقدمه قال الله الحكيم ولقد كرنا بني آدم و حملناهم في البر والبحر انسان مركب از دو چیز است یکی بدن که از جنس این عالم است و یکی روح که از عالم ملکوت است و برای هر انسانی چهار قوه است ثقل و شهوت و غضب و وهم و خیال و این چهار قوه هم لذت دارد و هم ناراحتی لذت عقل بعلم و معرفت و عبادت است و ناراحتی آن بجهل و کسالت در عبادت و لذت شهوت

ص: 233

در اكل و شرب ولذا نذ دنياست و ضد آن ترك لذائذ فانيه است و لذت غضب در غلبه و تسلط است و ضد آن حلم و است و لذت وهم و خيال در طول امل و آرزوهای دنياست و ضد آن در تفكر بفنا و مردن و بی اعتباری دنيا است پس هر گاه قوه عقل بر آن ها غلبه نمود مقام انسان از ملئكه بالاتر می شود و اگر قوای دیگر غلبه نمود پس از حیوانات پست تر خواهد بود العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان پس کسی که طالب پاکی نفس باشد باید از اوصاف رزيله مثل دروغ و غیبت و فحش و خیانت و نفاق و حرص و حسد و کینه و بخل و ریا دوری نماید و بصفات نیکو مثل مودت و محبت و راستی و غیرت و شجاعت و سخاوت و امثال آن خود را آرایش دهد و مطالعه کتب دین و اخلاق را بنماید و مواظب اعمال خود باشد و فریب نفس نخورد و اعمال دیگران را آئینه خود قرار دهد و آنچه از دیگران به بیند بعقل خود مطالعه نماید تا خوب و بد را امتیاز بدهد تا اعمال بد را ترك و صفات خوب را عمل نماید و خود را بمقامات عالیّه برساند و هیچ

وقت خدا را فراموش نکند که حق تعالی فرماید من از سه نفر تعجب دارم کسی که نماز می خواند و توجه بمن ندارد و کسی که روزی یک روز دارد و غم فردا می خورد و کسی که نمی داند من از او خشنود هستم یا نیستم و مسرور و خندان است

مأیوس و خجالت زده از کرده خویشیم *** در حلقه خوبان چه نشستیم که زشتیم

باشد که عنایت برسد و رنه مپندار *** با این عمل دوزخیان کاهل بهشتیم

ملاحظه احوالات اولیاء خدا را بنمائیم با آنکه مقربان حق و شفعاء قیامت هستند در مقام صفات اخلاقی و عبادات چه می کردند حضرت ابا عبدالله علیه السلام ملاحظه تشنگی دشمن را نمود او فرمود بلشکر حر آب دادند یکی از لشکریان حر نمی توانست آب بیاشامد خود آن حضرت برخاست در مشک را باز نمود او را سیراب فرمود اما آن بی حیا مردم آب را از آنحضرت و اهل بیت او منع نمودند که آنقدر تشنه شدند جبرئیل برای آدم نقل نمود یحول

ص: 235

العطش بينه وبين السماء كدخان از عطش میان چشم آن حضرت و آسمان مثل دودی می شود و برای آب بود که دست های ابا الفضل را قطع نمودند برای آب بود تیر بحلقوم علی اصغر زدند و این مصیبت بسیار بر حضرت اباعبدالله سخت و بزرگ بود که پیغام فرمود شیعیان ایکاش بودید کربلا که برای يك شربت آب تیر سه شعبه زهر آلود بحلقوم طفل مظلوم من زدند که برید تمام رگ های گلوی علی را و سقوه سهم بغی عوض الماء المعین

مجلس اول فی القرآن المجید و اما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فإن الجنة هي المأوى همام بن شریح یکی از اصحاب خاص حضرت امیرالمؤمنین است با ربیع بن خثیم آمد خدمت حضرت خواش نمود آقا علائم ایمان و صفات متقین را برای او بیان فرماید آنحضرت فرمود ای همام علائم ایمان و صفات متقین آنست که صحبت آن ها خیر و ثواب وضعیت آن ها بقناعت و اقتصار چشم و بدن خود را از حرام نگاه می دارند تواضع و فروتنی دارند با بندگان خدا مهربان و بکسی اذیت نمی کنند و اوقیات

ص: 236

خود را بعلم دین و قرائت قرآن و خضوع و خشوع در عبادت صرف می نمایند و صابر در بلا و شاکر در نعمت های حق تعالی می باشند و برحمت خدا امیدوار و از غضب خدا می ترسند و اهل مکر و خدعه نیستند و غیظ خود را فرو می نشانند و صله رحم می نمایند و اگر کسی بآن ها بدی نمود عفو می کنند

معنی تقوی است زهد ای ذوفنون *** اجر این زهد است جنات و عیون

زهد آن باشد که با رنج و تعب *** صائم و قائم تو باشی روز و شب

و حق تعالی در اول قرآن صفات آن ها را بیان فرموده الذین یؤمنون بالغیبِ وَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ ایمان و یقین بقیامت دارند نماز صحیح بجا می آورند از آنچه حق تعالی بآن ها داده انفاق می کنند و تمام این صفات در خود آنحضرت موجود بود گر از قناعتش بگویم بنان جو قناعت می نمود اگر از علمش بگویم پیغمبر مکرم می فرمود أنا مدینة العلم و علی بابها اگر از حلمش بگویم چندین سال خانه نشین بود و صبر نمود اگر از عبادتش بگویم

ص: 237

شبی هزار رکعت نماز مینمود و چندین مرتبه از عظمت خدا غش می کرد ابو دردا دید در نخلستان صدای گریه و مناجات می آید آمد دید آقا افتاده و نفس او قطع شده آمد خانه فاطمه زهرا عرض کرد علی از دنیا رفته فرمود علی از دنیا نرفته شبی چندین مرتبه از خوف خدا غش می کند و تمام این خانواده دارای این صفات بودند حتی علیا جناب زینب خاتون دختر امیرالمؤمنین اگر از علمش بگویم امام در حق او فرمود أنت عالمة غیر معلمة اگر از عبادتش بگویم در اسیری راه شام نماز شب از او ترك نشد اگر از قناعت و سخاوتش بگویم قرص نان خود را به یتیمان و اطفال برادر می داد و خود گرسنه بود اگر از صبرش بگویم حجت خدا حضرت زین العابدین را دلداری می داد ولی با این صبر روز دوم محرم که وارد زمین کربلا شدند و حضرت ابا عبدالله خبر شهادت خود را دادند فرمود در این زمین خون های ما ریخته می شود و جوانان ما را شهید می کنند چون زینب خاتون شنید صدا زد لیت الموت اعد منی الحیوة ایکاش مرده بودم و خبر کشته شدن برادر نمی شنیدم

و هم چنین وقتی که آقا نعلش علی اکبر را آوردند در خیمه ها زینب خاتون خود را انداخت روی نعلش علی و صدا می زد ای کاش کور شده شده بودم و ندیده بودم.

مجلس دوم قال الله العزيز هل يستو الذين يعلمون والذين لا يعلمون فرمود امیر المؤمنین علیه السلام به همام یکی از علانم ایمان و صفات متقیان آموختن علم دین است العلم علما علم الابدان و علم الادیان و علم دو قسم است علم دنیا مثل علم طب و حکمت و صنایع دوم علم آخرت و دین و آن سه علم است علم اصول دین و فروع دین و علم اخلاق که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود طلب العلم فریضة علی کل مسلم بقدری که انسان قوه و قدرت دارد باید این سه علم را تحصیل نماید که اصول دین را از روی دلیل و یقین و علم فروع و اخلاق را تحصیل و عمل نماید عالمی بهر کس می رسد اصول و فروع دین او را می پرسد اتفاقا در صحرائی بزارعی رسید فرمود اصول دین چند است گفت پنج است توحید و عدل حق تعالی و نبوت و امامت و معاد قیامت فرمود توحید یعنی چه جواب داد یعنی خدا یکی است و شریک ندارد پرسید

ص: 239

اگر کسی بگوید خدا دو تاست چه دلیلی داری چوب را برداشت دنبال آن عالم گفت مگر کسی هم پیدا شده بگوید خدا دو تاست عالم فرمود خوب دلیلی داری از دست مده عالم نایب امام و امام نایب پیغمبر و پیغمبر نایب خداست و علما وارث علوم انبیاء و چراغ های هدایت هستند.

کمال و فضل رساند ترا بجاه و جلال *** که هست ما یه جاه و جلال علم و کمال

مکن باصل و نسب افتخار بر دگران *** که جز بعلم و ادب نیست افتخار رجال

الزاهدین فی الدنیا والراغبین علی الاخره ولی عالم بلا عمل مثل ابر بی باران است و مال دار بی کرم مانند درخت بی میوه است و فقیر بی صبر مثل جوب بی آب است و جوان بی توبه مانند خانه بی سقف است و زن بی حیا مانند طعام بی نمک است و علما نجات دهنده مردم از ضلالت و شفعاء قیامت اند و احترام آن ها بر همه کس لازم است

با خلق چنین گفت رسول مدنی *** من اکرم عالماً فقد اکرمنی

بعد از فوت مرحوم شیخ مفید دیدند امام زمان از خط

ص: 240

مبارك نوشته بودند يَوْمُ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ وَفُوتُ این عالم را عظيم و بزرگ شمردند إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ قَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ تِلْمَةً وقتی که عالمی از دنیا رفت رخنه در اسلام پدید آید روز قیامت عالمی از صراط عبور نماید شخصی از جهنم فریاد زند ایعالم شما را بخدا قسم تأمل نما من مطلبی دارم آنعالم تأمل می کند عرض می کند من در دنیا شما را دوست می داشتم اگر راست می گویم مرا شفاعت کن از جانب حق تعالی خطاب شود راست می گوید پس او را شفاعت نماید و از جهنم نجاتش دهد وقتی که عالمی از دنیا رود شیطان خوشحال می شود روز عاشورا هم شیطان خیلی مسرور بود که جمعی را جهنمی نمود ولی نمی دانست که حق تعالی چقدر گناهکاران را بواسطه عزاداری و زیارت و گریه و خدمت گذاری سید الشهداء می آمرزد حضرت رضا به ریان بن شبيب فرمود کسی که گریه کند برای مظلومی جدم حسین حق تعالی بیامرزد گناهان او را از این جهت خود حضرت اباعبدالله در مقامات متعدده برای شیعیان پیغام فرمود که شیعیان برای من

گریه کنید حتی از حلقوم بریده موقعی که سکینه خاتون خود را روی بدن پدر انداخته بود عرض می کرد من ذالذی قطع وریدك بابا کدام ظالمی رگ های گردنت را بریده و ما را یتیم نمود ولی در عوض تسلیت سیلی بصورت اوزدند که افتاد و غش نمود در عالم غشوه شنید از حلقوم بریده که آقا فرمود بشیعیانم بگو برای من گریه کنید و هر وقت آب سردی آشامیدید یاد از من مظلوم نمائید مجلس سوم قَالَ اللَّهُ الْحَمِيدُ قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِيْ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ یکی از علائم ایمان دوستی خدا و دوستی با دوستان خدا حب محبوب خدا حب خدا است فرمود من احب حجرا حشره الله معه خوشا حال آن هائی که در قیامت با دوستان خدا باشند سلمان اول آتش پرست بود در اثر محبت با پیغمبر بجائی رسید که آنحضرت می فرمود سلمان از ما اهل بیت است محل دسر ابابکر برای محبت با امیر المؤمنین علیه السلام آقا می فرمود محمد پسر من است متحد آمد قبر پدرش پای خود را بر قبر ابابکر زد گفت آنخدائی که مروارید را از آب دریای شور بعمل آورد مرا از

تو بوجود آورد ولی نجابت محمد از مادرش اسماء بود که زوجه جعفر طیار بود بعد ابابکر او را عقد نمود محمد بوجود آمد بعد بامیر المؤمنین علیه السلام شوهر نمود من احب شیئاً احب آثاره کسی که اظهار دوستی با خدا و اولیاء حق می نماید باید اطاعت خدا و پیروی اعمال اولیاء خدا را بنماید العبد خلاف الحر حضرت صادق علیه السلام بعنوان بصری فرمود حقیقت محبت و بندگی خدا در سه چیز است اول بدانی

بنده مالک چیزی نیست هر چه هست از اوست

ای همه هستی ز تو پیدا شده *** خاک ضعیف از تو توانا شده

همه فانی و بقا بس تورا *** ملک تعالی و تقدس تورا

دوم بدانی مولا در تدبیر کار تو هست و تورا بحال خود و انمی گذارد سوم بدانی خدای تو هم رحمت دارد هم غضب هم بهشت دارد هم جهنم غلام اگر اطاعت نکرد او را سیاست می کند بنده هم اگر نافرمانی نمود او را عذاب می کند و اگر نظر مرحمتی آقا بغلام داشته باشد بدیگران گوید اور اشفاعت نمائید حق تعالی هم به پیغمبران و اولیاء فرماید بنده گناهکار را شفاعت نمائید مَنْ ذَٰلَکَ الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ

ص: 243

إلا بأذنيه مولا تكليف شاق بغلام نمی کند حق تعالی هم اگر بنده مریض یا فقیر باشد بعضی عبادات را از او نمی خواهد غلام از کار افتاده را مولا حقوق تقاعدی می دهد بنده هم چون پیر شد حق تعالی با و رحم می فرماید و می فرماید حیا می کنم او را عذاب نمایم ولی چه خوب است بنده هم حیا کند و نافرمانی نکند رسم است که مالکان تحریر آزاد کنند بنده پیر ای بار خدای عالم آرا بر بنده پیر خود ببخشا حقیقت محبت و ایمان را شهداء کربلا باهل عالم تعلیم دادند عابس روز عاشورا آمد میدان او را سنگ باران نمودند آن مرد با ایمان خود را برهنه نمود فرمود شما گمان می کنید ما دست از ایمان و یاری امام زمان بر می داریم هلال بن نافع دختری خطبه نموده بود آمد خدمت حضرت اذن جهاد بگیرد آقا فرمود تو عروسی نکرده عرض کرد آقا مرا نزد جدت شرمنده ممکن اذن فرما بروم جانم را فدایت نمایم و هب بن عبدالله تازه مسلمان بود چند روز بود عروسی کرده بود مادرش گفت برخیز برو یاری پسر پیغمبر نما آمد میدان جمعی را کشت برگشت بمادر گفت از من

راضی شدی مادرش گفت وقتی راضی می شوم که جان خود را فدای آقا حسین بکنی برگشت میدان دست های او را قطع نمودند چند دست کربلا قطع نمودند یکی هم دستهای مبارك ابا الفضل بود چون دست آنحضرت قطع شد فرمود وَاللّٰهُ اِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِيْ - اِنِّيْ اُحَامِيْ اَبْدًا عَنْ دِيْنِيْ اَي لشگر دست مرا قطع نمودید بخدا قسم دست از ایمان و یاری امام بر نمی دارم دست هم بر نداشت تا وقتی که از اسب بزمین افتاد و خطاب باقا نمود برادر برادرت را دریاب آقا با کمر خمیده آمد بالین برادر و می فرمود اَلَا اَنْ اِنْكَسَرَ ظَهْرِيْ .

مجلس چهارم قال الله الكريم و ما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون فرمود امیر المؤمنین علیه السلام به همام حق تعالی خلق فرمود بندگان را و بی نیاز بود از عبادت آن ها و عبادت و معصیت بندگان نفع و ضرری برای حق تعالی نمی رسانید بلکه عاید خود آن ها می شود ولی خلق فرمود برای معرفت و خدا شناسی كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخُلِقْتُ الْخَلْقَ اِلَى اَعْرِفَ اَي همام درجه

اول تقوی توبه و اداء واجبات و ترك محرمات است چنانچه شخصی آمد خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد من غیر از اداء واجبات و ترك محرمات اعمال مستحبی را بجا نمی آورم آیا حال من چگونه است فرمود با من هستی در بهشت اما زبان خود را از دروغ و عیبت و چشم خود را از حرام و دل خود را از کینه و اذیت بمسلمانان نگاه داری پس خلقت بنده برای عبادت و بندگی شده با معرفت در اخبار است پیغمبری از رسولان حق تعالی در بنی اسرائیل رسید بعابدی که در هوای گرم در آفتاب مشغول عبادت بود فرمود ای عابد چه مانعی دارد که در سایه عبادت نمائی و چرا سایه برای خود قرار نداده ای جواب داد قبل از شما پیغمبری اینجا آمد از او خواهش نمودم از خدا بخواهد بعمر من چقدر باقیست حق تعالی فرمود هفتصد سال دیگر باقی است دیدم این عمر قابل آن نیست که من سایه بانی تهیه کنم آن پیغمبر فرمود اگر در آخر الزمان بودی که عمرها از صد سال تجاوز نمی کند و بناهای عالی بنا می کنند و آرزوهای زیاد دارند عابد گفت اگر من در آن زمان بودم صد سال

را بیک سجده طی می کردم اهل عبادت خستگی ندارند و همه را میل بعبادت دارند البته هر قدر معرفت و محبت بیشتر باشد میل و رغبت بعبادت و آخرت بیشتر است و این معرفت و محبت حقتعالی زن و مرد جوان و پیر ندارد

تو بندگی چه گدایان بشرط مزد مکن *** که خواجه خود روش بنده پروری داند

ملاحظه نمائید آقازاده علی اکبر هیجده سال از عمر شریفش می گذرد نماز شب از او ترك نشد مؤذن نماز حضرت اباعبدالله بود بقدری با معرفت بود که پدر بزرگوارش را تسلیت می داد نزدیکی کربلا آقا سوار بر اسب بود فرمود إنا لله وإنا إلیه راجعون علی اکبر عرض کرد چه شد که شما این آیه تلاوت نمودید فرمود ندائی شنیدم می گوید این دسته می روند و مرگ همراه آن ها می رود علی اکبر عرض کرد آقا ما بر حقیم فرمود بابا حق باما و ما عرض کرد پس چه باکی داریم از مرگ و کشته شدن روز عاشورا هم پدر را تسلیت داد وقتی که از اسب روی زمین افتاد عرض کرد بابا من هم رفتم آقا تشریف آورد بالین او

ص: 247

عرض کرد بابا غصه تشنگی مرا نخورید هذا جدی رسول الله قد سقانی جدم مرا سیراب نمود همین يك كلمه را عرض کرد و آهی کشید و از دنیا رحلت نمود آقا با حالت پریشان برخاست رو بخیمه ها نمود فرمود جوانان بنی هاشم بیائید نعل علی را بردارید

مجلس پنجم قال الله الحکیم الرحیم إنما یخشى الله عباده العلماء یکی از علائم ایمان آنکه متقیان همیشه خائف و ترسانند نیست بهر عارفان با صفا رتبه بالاتر از خوف خدا خوف حق در هر دلی چون جا گرفت حق در آن دل منزل و مأوی گرفت هر قدر معرفت و خدا شناسی بیشتر باشد خوف بیشتر است از این جهت می فرماید در این آیه شریفه بدرستی که می ترسند از حق تعالی اهل معرفت و دانش هر گاه پادشاهی را ببینی و شناسی چندان توجهی نمی کنی ولی وقتی که سلطان را شناختی ادب می نمائی اما خوف و رجاء مقربان حق نه از جهت رحمت یا عذاب است بلکه برای عظمت و بزرگی حق تعالی می باشد که آن قسم عبادات و مناجات و گریه ها می کردند پیغمبر

ص: 248

اکرم رسیدند بکوهی آنکوه ناله می کرد فرمود چرا ناله می کنی بلسان خود عرض کرد عیسی پیغمبر از این طرف عبور نمود با اصحاب خود و شرح عذاب جهنم را برای آن ها می فرمود من ترسیدم از سنگ های جهنم باشم فرمود تو نیستی آن سنگ های کبریت است آنوقت آرام گرفت ولی دل های ما از سنگ سخت تر است آنچه آیات عذاب بخوانیم یا بشنویم باکی نداریم و نمی ترسیم برای آنست که علاقه از خدا بریده شده و بخواندن روزنامه ها و حکایات باطله و دیدن محرمات و لهوریات مشغول شده ایم هیچ فکر می کنیم کجا بودیم برای چه آمدیم کجا می رویم چه بر ما خواهد گذشت قدری هم روزنامه خدار بخوانیم.

انَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نُعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ آه آتش دنیا نشان از دوزخ است ورنه این آتش بدان آتش یخ است يك روز وحشت و خوف در پیش داریم کسی بفریاد نمی رسد یوم یغیر المرء من أخیه وامه و ابیه نه پدر فکر پسر نه مادر فکر دختر آتش اطراف محشر را گرفته جهنم فریاد می زند گناهکاران را می خواهیم اعضاء بدن بر گناهان

روز محشر هر نهان پیدا شود *** هم ز خود هر مجرمی رسوا شود

دست گوید من چنین در دنده ام *** لب بگوید من چنین بوسیده ام

بندگان خوب خدا برای آن روز گریه ها می کردند و ما غفلت داریم یحیی پیغمبر بقدری گریه می کرد که صورت او مجروح شده بود هر وقت حضرت زکریا می خواست بنی اسرائیل را موعظه کند و شرح جهنم را بیان نماید نظر می کرد یحیی در مجلس نباشد روزی یحیی عقب ستون بیت - المقدس نشسته بود زکریا شرح جهنم را بیان فرمود يك مرتبه یحیی نعره زد و سر صحرا گذارد و فریاد می کرد الویل لی إن كان الجحیم مسکنی خیلی شباهت داشت یحیی با حضرت سیدالشهدا یحیی شش ماهه متولد شد - سید الشهدا هم شش ماهه بود یحیی از خوف خدا گریه می کرد سیدالشهدا هم شب ها در مسجد الحرام مناجات و گریه می نمود سر حضرت یحیی را بردند و در طشت طلا گذاردند و تکلم نمود سر مقدس ابا عبدالله هم در طشت طلا قرآن خواند از این جهات شباهت داشت ولی یحیی پیغمبر دیگر داغ

برادران و جوانان ندید و لب او تشنه نبود اگر سر یحیی تکلم نمود پادشاه پشیمان شد از شهادت یحیی ولی وقتی که سر مقدس ابا عبدالله تکلم نمود یزید جسارتی نمود که زینب خاتون پیراهن خود را پاره نمود السلام علی الثغر المقروع بالقضیب سلام بر آن لب هائی که پیغمبر صلی الله علیه وآله می بوسید و یزید ملعون با چوب خیزران اشاره نمود.

ای هلال مجلس ششم - فِي الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ، قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ - یکی از علانم ایمان آنست که هر وقت قرآن می خوانند و آیات رحمت و بهشت می رسند مسرور می شوند و چون آیات عذاب و جهنم می رسند ترسناک می شوند ولی انسان هر قدر گناهکار باشد باید امیدوار بر رحمت حق تعالی داشته باشد و نا امیدی از رحمت حق بزرگ ترین گناهان است بحضرت موسی علیه السلام خطاب شد چرا قارون را نجات ندادی که چندین مرتبه بتو التماس نمود اگر بخودم توجه نموده بود نجاتش می دادم آن جوان گناه کار آمد خدمت پیغمبر رحمة للعالمین و گناه بزرگی نموده بود که پیغمبر برای آن دعا نمایند

پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود دور شو می ترسم آتش بیاید مرا هم بسوزاند جوان گناه کار دید کار مشکل است سر بصحرا نهاد و با امیدواری مشغول گریه و توبه گردید جبرئیل نازل شد عرض کرد یا رسول الله حق تعالی می فرماید چرا بنده مرا مأیوس نمودی من توبه او را قبول نمودم بروید صحرا اور امژده آمرزش بدهید و بیاورید نبیء عبادي انا الغفور الرحيم . باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ اگر کافر و گبر و بت پرستی باز آ این در که ما در گه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آ جوان فاسقی در بنی اسرائیل از دنیا رفت مردم خوشحال شدند و در کمن و دفن او حاضر نشدند صالحی او را خواب دید با مقامات عالیہ پرسید تو همان جوان فاسق نیستی از کجا با این مقام گفت در وقت مردن که امید من از همه جا قطع بود امیدوار برحمت خدای خود شدم و عرض کردم یا من له الدنيا والآخرة ارحم من لیس له الدنيا والآخرة خدایا رحم کن بر بنده گناه کار که نه دنیا دارد و نه آخرت حق تعالی مرا بخشید و عفو فرمود اما سستی اعتقادات باعث

قطع امید می شود می گوید نماز چه فایده دارد روزه برای چه گرسنه بکشی دعا و مناجات و گریه کدام است کجا يك قطره اشك قیامت بصورت مروارید می شود و باعث نجات می شود جواب بگو در دریای شور قطره باران که می بارد صدف در میان خود می گردد حق تعالی او را مروارید می کند غواص از دریا بیرون می آورد یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چو پهنای دریا بدید چو خود را بچشم حقارت بدید صدف در کنارش بجان پرورید.

آن خدائی که مروارید را از قطره باران در میان صدف خلق می فرماید قطره اشک ها که برای ابا عبدالله ریخته می شود مروارید می کند و بدست حسین می دهد که شفاعت او را به نماید هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون خواهند گفت وای بر ما که آنچه گفتند قبول نکردیم حالا بآن ها رسیدیم این بهشت این جهنم این صراط این میزان این کوثر وقتی که سوره کوثر نازل شد پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود یا علی حق تعالی عطا فرمود بمن کوثر را ولی سقایت و آب دادن آن را با تو قرار داد و تو وصی من و حبیب من و جانشین من

ص: 253

و حجت خدائی بر تمام خلق دوستان تو اهل نجات و دشمنان تو در هلاکت اند و تویی ساقی حوض کوثر

يك تا صدف علم خدا روی علیست *** آبادی دین قوه بازوی علیست

چون حور و قصور و جنت و خلد و نعیم *** آن جمله روان مدام در جوی علیست

روز عاشورا حضرت ابا عبدالله علیه السلام در خطبه ای که بیان فرمود اشاره بهمین مطلب نمود و نحن ولاية الحوض نسقي محبنا بكاس رسول الله ماليس ينكروا کسی که آبهای عالم مهر مادرش حضرت زهرا و پدرش ساقی حوض کوثر باشد برای رفع عطش زبان در دهان جوانش علی اکبر و انگشتر شتر در دهان دامادش قاسم بگذارد چون یتیم حضرت امام حسن علیه السلام اظهار عطش نمود حضرت انگشتر در دهان او گذاردند و حضرت قاسم رفت میدان طولی نکشید عمو را طلبید آقا تشریف آورد دیدند دشمن اطراف یتیم برادرش را گرفته و هر ظالمی ضربتی بآن مظلوم می زند آقا مشغول جنگ شد که آن ها را دور نماید ناله قاسم بلند شد آقای عمو بیا

ص: 254

جنگ بس است استخوان های سینه من زیر سم اسبان لگد کوب شد

مجلس هفتم فی القرآن الکریم وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجري من تحتها الأنهار یکی از علائم ایمان و متقیان اعتقاد داشتن بوجود بهشت و جهنم و امیدواری برحمت حق برفتن بهشت است و برای جهنم هفت طبقه و درهای متعدده دارد و هر دری هم نامی مخصوص دارد باب البخل باب الزنا باب الظلم باب السرقة و اما بهشت هشت است و هفتاد و یک در دارد و هر دری اسمی دارد باب الصلوة باب الزکوة باب الصوم باب الحج باب الجهاد باب الصبر باب الاحسان باب الرحم باب البكاء و مسافت هر دری تا در دیگر پانصد سال راه است و خاکش مشک و دیوارش طلا و نقره و عمارانش از یاقوت و درخت هایش از لؤلؤ و مرجان و از هر درختی میوه های متعدده ظاهر می شود و هر طایفه از در مخصوص بعمل خود وارد بهشت می شوند و این نعمت ها را حق تعالی خلق فرموده برای کسی که اطاعت او را بنماید و ترك محرمات و لذائد فانیه دنیا را

ص: 255

بنماید من طریق سعی می آرم بجا لیس للانسان إلا ما سعی در احوالات بهلول نوشتند تیری روی زمین بودگاهی این سر تیر را بلند می کرد گاهی آن سر تیر را گاهی میان تیر را می گرفت گفتند این چه حالت است فرمود مثل دنیا و آخرت است می خواهم دنیا را بگیرم آخرت زمین است می خواهم آخرت را اختیار کنم از لذائذ دنیا محروم می شوم می خواهم هر دورا داشته باشم قوتم نمی رسد

عیان نشد که چرا آمدم کجا بودم *** دریغ و درد که غافل ز کار خویشتم

چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس *** چو در سراچه ترکیب تخته بند تنم

زید بن حارث یکی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله بود حضرت دیدند رنگ او زرد و بدن او لاغر شده فرمودند کیف أصبحت چگونه شب را بروز می آوری عرض کرد جهنم و بهشت را می بینم اهل آنرا می شناسم حساب و میزان و صراط در نظر من است از این جهت این حالت من است حضرت فرمود اینست آنکه خدا دلش را منور نموده بنور

ص: 256

ایمان این نعمت های دنیا را که ملا-حظه می کنی نمونه نعمت های بهشت است انار از میوه های بهشت است که فرمود تمام انار را بخورید دانه هم از بهشت در او هست انگور از میوه های بهشت است سید الشهداء از جدش انگور خواست موقع انگور نبود پیغمبر صلی الله علیه وآله دعا نمودند جبرئیل انگور بهشتی آورد عرض کرد فیما بین حسنین قسمت فرمائید پیغمبر قسمت حسن را بیشتر دادند سیدالشهدا عرض کرد یا جد! برادرم از من بزرگ تر است ولی جبرئیل بشما عرض کرد بین من و برادرم قسمت فرمائید چرا از برادرم را بیشتر دادید پیغمبر صلی الله علیه وآله حسین را در سینه گرفت و لب های او را می بوسیدند یکی از درهای بهشت باب الحسین است بیشتر از این در داخل بهشت می شوند خبر از حضرت صادق است فرمود کسی که بگرید یا بگریاند در مصیبت جدم حسین حق تعالی او را از بهشت محروم نکند و او را بیامرزد عزاداری و گریه سیدالشهداء منحصر به شیعیان نیست تمام موجودات و انبیا برای آنحضرت گریه کردند

جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند

ص: 257

آدم گریه کرد نوح گریه کرد ابراهیم پیغمبر در زمین کربلا از اسب افتاد سرش شکست خطاب شد در این زمین خون حسین ریخته می شود موسی پیغمبر بزمین کربلا خاری در پای او فرورفت خون جاری شد خطاب شد در این زمین خون های حسین و اصحاب او ریخته می شود ابن عباس با امیر المؤمنین بزمین کربلا رسیدند ساعتی حضرت خوابیدند چون بیدار شدند مشغول گریه شدند فرمود ابن عباس در خواب دیدم این صحرا پر از خون است و حسین من در دریای خون غرق شده اشاره بآن وقتی که آقا از اسب روی زمین افتاد و ذوالجناح یال خود را خون آلود نمود و فریاد می کرد و آمد در خیمه ها خبر شهادت آقا را آورد و يك مرتبه اهل بیت فریاد و حسیناه بلند نمودند و آمدند رو بمیدان والشمر جاليس علی صدره دیدند شهر روی

سینه آن مظلوم نشسته

مجلس هشتم فی القرآن العظیم قالت الأعرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُلُوا أَسْلَمْنَا مسلمان کسی که اقرار

بشهادتین بنماید و نماز و روزه و سایر فروع دین را بجا آورد ولی مؤمن کسیکه افرار بولایت امیر المؤمنین و اولاد طاهرین او که روح ایمان است داشته باشد که فرمود بنی الإسلام علی خمس بنا کرده شد اسلام بر پنج چیز نماز و زکوة و روزه و حج و ولایت ائمه اطهار علیه السلام و در چهار چیز اول رخصت هست یعنی نماز چهار رکعتی در سفر دور کعت است یا زن در ایام عادت زنانه نماز از او ساقط است در روزه ماه رمضان بسفر وقت یا مریض است روزه نمی گیرد در زکوة و حج اگر مالیه ندارد بجا نمی آورد ولی در ولایت امیر المؤمنین و اولاد طاهرین او احدی معذور نیست خورشید کمال است نبی و ماه است ولی اسلام محمد است و ایمان علی فرمود پیغمبر اکرم یا علی مردم در حق عیسی سه طایفه شدند يك دسته حواریین که او را پیغمبر دانستند يك دسته یهود که دشمن او بودند يك دسته غلو نمودند و او را خدا و پسر خدا دانستند در حق توهّم امت من سه طایفه هستند يك دسته شیعیان و دوستان تو که تو را ولی خدا می دانند و اهل نجاتند يك

در مذهب ما کلام حق ناد علیست طاعت که قبول حق و یاد علیست از جمله آفرینش کون و مکان مقصود خدا علی و اولاد علیست در روضات الجنات مرحوم آیه الله جد عالی مقام آقا میرزا محمد باقر از کتاب بشارة المصطفی نقل فرماید پیغمبر اکرم وارد شدند بر امیرالمؤمنین در حال سرور فرمود جبرئیل بشارت داد مرا که شیعیان و دوستان تو از مطیع پس علی علیه السلام بشکرانه این نعمت عرض کرد خدا نصف از حسنات خود را دادم بدوستان خود پیغمبر و حسنین هم همین قسم نصف از عبادات خود را دادند بشیعیان امیر المومنین جبرئیل مرتبه دیگر نازل شد عرض کرد حق تعالی فرماید شما از من کریم تو نیستید من هم شیعیان و دوستان علی را آمرزیدم ز صد هزار محمد که در جهان آید یکی بمنزله جاه مصطفی نشود و گرچه عرصه عالم پر از علی گردد یکی بعلم و سخاوت چه مرتضی نشود پدر حقیقی ما پیغمبر و علی هستند . سه نفر حق پدری دارند یکی پدر جسمانی که باعث

بدنیا آمدن شما باشد دوم پدر و مادری که بشما دختر خود را میدهند سوم معلم و عالمی که بشما تعلیم دهد و هدایت نماید ولی دو پدر حقیقی فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله یا علی انا و انت ابوا هذه الأمة من و شما دو پدر مهربانیم برای امت چقدر این دو پدر مهربان برای امت گریه ها و دعا ها نمودند و طلب آمرزش کردند و این امت بی حیا چقدر اذیت بآن ها و اولاد آن ها نمودند ماذا تَقُولُونَ اِنَّ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ ماذا فَعَلْتُمْ و اَنْتُمْ اَخَرِ الامم باهل بیتی و اولادی مکرمتی مِنْهُمْ اَسَارَى اَوْ مِنْهُمْ خَرَجُوا بدم جواب پیغمبر صلی الله علیه وآله علی علیه السلام را چه خواهند داد که فرمایند ای امت جزای ما آن بود که اولاد ما را چند قسمت بکنید يك دسته آن ها را بزهر جفا در غربت شهید نمائید موسی بن جعفر علیهما السلام در زندان بغداد حضرت رضا علیه السلام در خراسان و يك دسته آن ها را از دم شمشیر قطعه قطعه نمائید و یک دسته آن ها را در کوفه و شام اسیر و ذلیل نمودند و مثل فقیران لقمه لقمه نان و خرما به آن ها دادند و حجت خدا زین العابدین را با غل جامعه سوار شتر دور شهر ها گردانیدند بقدری

بر آن مظلوم سخت گذشت که در شام تمنای مرگ نمود فیالیت امی لم تلدنی ولم اکن ای کاش مادر مرا نزائیده بود مجلس نهم قَالَ اللَّهُ الْكَرِيمُ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَيْهٍ مُسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً یکی از علانم ایمان مهمان دوست داشتن است پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود طعام دادن یکنفر مهمان ثواب طعام دادن هفتاد پیغمبر دارد و کسی که مهمان در شب باشد در قیامت مسرور و با صورت نورانی وارد محشر شود ابراهیم پیغمبر و همچنین حضرت خاتم الانبیاء ص بی مهمان طعام میل نسفرمودند و آوردن مهمان در خانه خود باعث آمرزش گناهان و وسعت و رفع بلا می باشد آقا امیرالمؤمنین میفرماید من از دنیا چه چیز را دوست دارم روزه گرفتن در تابستان شمشیر زدن در راه خدا مهمان آوردن در خانه و خود آن حضرت با مهمان طعام می خورد و دست مهمان را می شست و با مهمان اظهار مسرت می فرمود وقتی مهمانی بآن حضرت رسید فاطمه زهرا عرض کرد بیش از يك نفر طعامی در خانه نداریم فرمود طعام را حاضر نما و من به بهانه اصلاح چراغ را خاموش

می کنم و شما تأخیر در روشن نمودن چراغ بنمائید و خود حضرت نشست نزد مهمان و دست خالی خود را بر دهان مبارک می گذارد و حرکت میداد که مهمان گمان کند آقا طعام می خورد و سیر طعام بخورد و اهل بیت سه روز روزه گرفتند و افطاری خود را در راه خدا بفقیران و یتیمان و اسیران دادند که سوره مبارکه هل انی در حق آن ها با طعام بهشتی نازل شد هدهد حضرت سلیمان را با تمام لشکر او کنار دریا دعوت نمود و ملخی صید نمود آورد انداخت در دریا گفت همه مهمان من این گوشت و این آب گوشت میل نمائید سلیمان و اصحاب او همه خندیدند بعلاوة ثواب ها که برای آمدن مهمان است فوائد دنیوی و اخروی هم بسیار دارد از محبت ها و صله رحم ها .

کسی نیک بیند بهر دو سرای که نیکی رساند بخلق خدای در زمان حضرت صادق علیه السلام یکی از دوستان آن حضرت از جیل همه ساله می آمد مکه و مدینه و مدت ها در منزل حضرت می ماند سالی مبلغی آورد خدمت آنحضرت که خانه برای او خریداری نمایند زیاد مزاحم آنحضرت نباشد

حضرت آنوجه را دادند فقراء بنی هاشم و کاغذی نوشتند فروختم خانه در بهشت که حدود آن بخانه پیغمبر و علی و فاطمه و حسنین علیه السلام است چون آنمرد مراجعت نمود حضرت فرمودند خانه بتو فروختم وجه آنرا بفقراء دادم و کاغذ را با و دادند بوسید و عرض کرد قبول نمودم و وصیت نمود آن کاغذ را در قبر او گذارند چون از دنیا رفت کاغذ را در قبر گذاردند فردای آنروز دیدند کاغذ روی قبر اوست و در آن نوشته شده خانه که حضرت صادق علیه السلام فروختند بتصرف او دادیم دستور اسلام است طعام برای مهمان زود بیاورید شاید گرسنه باشد و ظرف آبی در حضور او بگذارید شاید تشنه باشد کوفیان هم پسر پیغمبر را مهمانی نمودند دعوتنامه ها نوشتند ولی اول آب را از آن ها منع نمودند و اطراف آن مظلوم را گرفتند و مهیا شدند برای ریختن خون پسر پیغمبر شب عاشورا حضرت خطبه در بی اعتباری دنیا بیان فرمود اصحاب همه جمع بودند فرمود مقصود این قوم ریختن خون من است با شما کار ندارند هر که می خواهد برود ، برود آن هائی که برای دنیا

آمده بودند رفتند آن هائی که علم شفاعت گناه کاران بردوش داشتند عرض کردند اگر ما را قطعه قطعه کنند دست از شما برنداریم پس آنحضرت مقامات آن ها و شرح شهادت آن ها را بیان فرمود و تا صبح مشغول مناجات و فرائد قرآن بودند زینب خاتون چون شنید آقا خبر شهادت خود می دهد صیحه کشید و می گفت لَيْتَ الْمَوْتِ أَعْدُ مِنْنِ الْحَيَوةِ اِی کاش مرده بودم آقا تشریف آوردند او را تسلیت دادند اینجا

زینب خاتون خبر شهادت برادر شنید غش کرد چه گذشت بر آن مظلومه وقتی که دید سر برادر بالای نیزه است

مجلس دهم فی القرآنِ الْکَرِیمِ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِنْ مَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ فرمود امیر المومنین علیه السلام ای همام علامت ایمان بعوالم قیامت و بجا آوردن نماز و انفاق در راه خداست و انفاق مطلق احسان و بهترین اعمال صالحه است و آن چند قسم است یکی انفاق بقلب یعنی دوستی با برادران ایمانی و رفع شر و ضرر از آن ها نمودن و طلب آمرزش و دعا بآنها نمودن که حق تعالی در آن چهار کلمه موعظه که بحضرت آدم فرمود یکی آن

ص: 265

بود باید راضی باشی برای دیگران آنچه برای خود راضی هستی دیگر اقسام انفاق که بالاتر است انفاق با اعضا و جوارح است که از دست و پا و چشم و زبان و بدن و جان انفاق نمائی حجاج خواست کمیل بن زیاد را بقتل برساند کمیل فرار کرد حجاج عطا و وظیفه قبیله او را قطع نمود کمیل فرمود من راضی نمی شوم که بجهة من قبیله من محروم شوند آمد نزد حجاج و بدست خود خود را بکشتن داد برای احسان بخویشان خود دیگر اقسام انفاق که بالاتر از آن اقسام است هدایت مردم است بگفتار و موعظه که فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ عملی نزد حق تعالی از گفتار خیر و هدایت مردم بهتر نیست کسیکه هدایت کند يك نفر را فکأنما أحيى الناس جميعاً مثل کسیست که زنده کرده باشد همه مردم را و از این قبیل است امر بمعروف و نهی از منکر و دعا برای برادران ایمانی و تعلیم احکام دین و قضاء حوائج آن ها و أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ و امر نمودن اهلبیت و اولاد خود را بنماز و اطاعت خدا در خبر است امر شود گناه کاری را بجهنم برند مؤمنین

عرض

کنند خدایا این مرد بما حق دارد دعای خیر بما می نمود اذن فرما او را شفاعت نمائیم حق تعالی اذن دهد و او را شفاعت نمایند دیگر اقسام انفاق و احسان بمال است و آن اعظم صدقات و سید اعمال و علو درجات و ذخیره دنیا و آخرت است کسی نيك بیند بهر دوسرای که نیکی رساند بخلق خدای تا بتواند شیطان نمی گذارد مؤمن موفق باحسان شود چرا که بخیل وارد بهشت نمی شود و سخی کسی که الذی ینفق ماله فی الحق وقتی که دید این انفاق بمقام است و باعث خشنودی حق است دیگر بوسوسه شیطان خود را از فیض محروم نکند و انفاق و احسان در راه خدا بنماید مرحوم آیت الله صاحب روضات الجنات جد عالی مقام نوشتند یکی از مأمورین دولت در قزوین رسید بعالم جلیل ملا خلیل شارح کتاب کافی و در دست او برانی بود بنام يك رعیتی برای مالیات داد آقا اسم او را بخواند برود از او بگیرد فرمود این حواله جو است و بنام من می باشد و جو را با و داد شب نزد اسبان شاه ریختند هیچ اسبی نخورد تعجب نمودند خبر بیادشاه رسید چون از حقیقت

مطلع شدند و آقا را شناخت عذرخواهی نمودند و بر مقامات او افزوده گشت حق تعالی فرماید بنده من من سه کار با تو می کنم تو هم سه کار با من بکن من عبادت فردا نمی خواهم تو هم روزی فردا میخواه من از معصیت ها تو را عفو می نمایم تو هم کسی بتوبدی می کند عفون ها من این همه نعمت ها و احسان ها بتو نمودم و منت بتو نگذارم تو هم اگر احسانی نمودی بکسی منت نگذار یکی از اخلاق ابا عبد الله آن بود اگر کسی حاجتی داشت می فرمود بنویس بیاور برای آنکه خجالت نکشد و پیش از آنکه بخواند می فرمود مطلب تو رواست اما خود آن مظلوم هر قدر فرمود دست از من بردارید اهل بیت خود را بردارم و برگردم مدینه جدم پیغمبر و اگر دست بر نمی دارید اهل بیت من گناهی ندارند شربت آبی بآن ها بدهید فَأَنَّهُ حَجَرَ أَفْوَغَ عَلَى جِبْهَتِهِ الشَّرِيفَةِ ظالمی سنگی بر پیشانی نورانی آن مظلوم انداخت که خون جاری شد پیراهن مبارك بالا نمود خون پیشانی پاك كند ظالمی تیر سه شعبه زهر آلود بقلب مبارك آقا انداخت .

المجلس يازدهم في القرآن الكريم توبوا إلى الله توبة نصوحاً یکی از علائم ایمان آنکه مؤمن دائماً استغفار و توبه نماید و توبه یکی از واجبات است همین قسم که سمومات مضر و باعث هلاکت است گناهان هم مضر روح و ایمان است آدم مسموم باید استغفار نماید گناهکار توبه و استغفار نماید اگر توبه نکرد کم کم قساوت قلب پیدا می شود و ایمان زائل می شود و حق تعالی همیشه توبه را می پذیرد زمان حضرت موسی قحطی شد مردم برای دعای باران بصحرا رفتند آنچه دعا نمودند اثری حاصل نشد خطاب شد ای موسی میان این مردم گناه کاری می باشد چهل سال است مشغول معصیت است باید بروی بیرون تا رحمت نازل شود موسی فریاد کرد ای کسی که چهل سال است معصیت خدا می کنی و توبه نکرده بیرون برو تا خدا بفرماید رحمت کند گناه کار دانست از اثر بدی اوست عرض کرد خدایا اگر بیرون روم رسوا می شوم اگر بمانم باعث قطع رحمت هستم خدایا توبه نمودم و مشغول گریه و توبه شد بارش رحمت نازل و خطاب شد گناه کار توبه نمود موسی عرض کرد

خدایا او را بمن بنما فرمود آن وقتی که گناه کار بود او را رسوا نکردم حالا که توبه نمود چگونه او را بتو بنمایانم دوست دارد که بندگان هم عیوب یک دیگر را پوشانند شخصی آمد خدمت پیغمبر صلی الله علیه وآله عرض کرد مرد وزنی رفتند در خانه برای فسق و فجور و در خانه را بستم آمدم بشما خبر دهم پیغمبر فرمودند یا علی برو آن ها را بیاور آقا وارد خانه شد و چشم های خود را پوشانید آن ها دیدند آقا چشم های خود را پوشانیده فوراً بیرون رفتند علی علیه السلام آمد خدمت پیغمبر عرض کرد من چشم خود را پوشانیده بودم چون باز کردم کسی را در خانه ندیدم پیغمبر فرمود الحمد لله اما حق تعالی ما را در هر حالی می بیند و چه خوب است بنده از خدا حیا نماید آدم کریمه المنظری عاشق خوب روئی شد آن خوبرو آئینه آورد گفت ای مرد نظر در این آئینه بکن يك نظر هم بمن بکن اگر سزاوار است مثل منی با تو باشم در اظهار عشق تو حاضرم چون آن مرد صورت خود را در آئینه دید خجالت کشید و انصاف نمود و رفت ما هم اگر نظر بآئینه اعمال خود بکنیم خجالت می کشیم ولی خدای

ما رؤف و مهربان و ستار العیوب است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از راهی عبور می فرمود شخصی با شیشه شراب رسید با خود گفت اگر پیغمبر باین حالت مرا به بیند رسوا می شوم فوراً از روی حقیقت توبه نمود پیغمبر باورسیدند فرمود چه داری عرض کرد سرکه فرمود قدری بریز کف دست من دید سرکه است فرمود **أُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ** یا بیا بر در که حق بنده باش یا که از این بندگی شرمنده باش دوست دارد بنده گناه کار بیاید بسوی او توبه و انابه نماید بملئکه فرماید بندگان مرا بخوانید هل مین سائل هل من مستغفر حاجت مندان گناه کاران بیائید خوب است ما هم عرض کنیم ای خدای مهربان آمدیم رو بسوی تو ولی با دوش پر گناه و نامه اعمال سیاه و با دست و پا و چشم و زبان گناه کار ما را از کرم خود ببخش بدعاهای پیغمبر رحمت و بمناجات های امیرالمؤمنین و بگریه های فاطمه زهرا و عبادات و مظلومی حضرت مجتبی خدایا تو حسین را شفیع گناه کاران قراردادی ما را عفو فرما بآن آقا و مولا حسین که داغ جوانان و برادران را دید و اهل بیت

او را اسیر نمودند و سر مبارکش را بالای نیزه و دیر نصاری و مجلس یزید بردند و جسارت بسر مقدس او نمودند که زینب خاتون بعد از اسیری آمد مدینه سر قبر جدش پیغمبر عرض کرد الْجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءٍ مُضْرَجٌ وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاةِ يُدَارُ يَا جَدَاهُ بَدَنِ حُسَيْنِ شَمَا دَر زَمِينِ كَرْبَلَا عَرِيَانِ رَوَى خَاكُ وَ سَرِ مَنْوَرِ اَوِ بَالَاى نِيْزَه هَا يَا جَدَاهُ خُودِمِ دِيْدِمِ اَنِ وَ قَتَى كِه يَزِيْدِ مَلْعُوْنِ بَا چُوبِ اِشَارَه بَر لَبِ هَاى حُسَيْنِ شَمَا نَمُوْدَ .

مجلس دوازدهم في القرآن الكريم إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ یکی از علایم ایمان آنکه مؤمن در تمام کارها بعدالت و میانه روی عمل نماید و بموقع شایسته احسان و انفاق بکند فرمود پیغمبر اکرم مردم بر چهار قسمند یکی سخی و آن کسی که می خورد و می خوراند یکی کریم و او نمی خورد ولی می خوراند سوم بخیل و آن کسی که می خورد ولی انفاق و اعطاء نمی کند چهارم لئیم و او نمی خورد و نمی خوراند و غافل از آنست که آنچه برای وارث می گذارد یا وارث در رضایت حق تعالی و عبادات صرف می کند و آن ها

ص: 272

سعید می شوند و صاحب مال شقی و با یا آنکه وارث در معصیت صرف می کنند پس صاحب مال آن ها را یاری نموده در معصیت و دو عذاب برای اوست بعلاوه امیر المؤمنین فرمود در مال دو شریک است یکی وارث یکی حادث یعنی یا قسمت وارث می شود یا پیش وارث می شود یا پیش آمدی حادث می شود که از میان می رود و سه نفر در قیامت حسرت آن ها از همه بیشتر است اول عالم بلا عمل دوم عیال و اولاد که حسنات داشته باشند و پدر و شوهر و آقا در جات آن ها را ببینند و او حسناتی نداشته باشد سوم مال داری که نخورد و نخوراند و برای وارث بگذارد و آن ها استفاده نمایند و سؤال و عذاب برای مالدار باشد پس انسان عاقل کسی که پیش از آنکه وارث یا حادث ببرند خود در راه حق صرف نماید و مال برای آسایش عمر و تجارت آخرت است نه عمر برای جمع کردن مال و برای دیگران گذاردن.

نیک بخت آنکه خورد و کشت *** بدبخت آنکه مرد و هشت

حضرت موسی عرض کرد خدایا می خواهم بهترین بندگان تو را ببینم خطاب شد فلان مرد آهنگر بهترین بندگانست

ص: 273

آمد بمهمانی او شب و روز را نزد او بود دید از صبح شام مشغول کار و شب ها براحات می خوابد نه عبادتی فوق العاده و نه گریه و مناجاتی و نه شب بیداری فرمود ایمرود عمل تو چیست گفت من فرائض و عبادات واجب خود را بجا می اورم و آنچه حق تعالی بمن عطا فرمود پس از صرف برای عیال و اولاد بقیه را در راه خدا انفاق می کنم فرمود بدان که حق تعالی تو را برای این عمل بسیار دوست دارد .

کسی نيك بيند بهر دوسرای *** که نیکی رساند خلق خدای

کسی که صفت انفاق و احسان داشته باشد بعلاوه آنکه همه کس او را دوست دارد دنیا و آخرت عزیز و محترم است آنعرب آمد آمد مسجد پیغمبر مقابل حضرت اباعبدالله عرض کرد أنت جَوَادٌ و أنت معتمد أبوك قَدْ كَانَ قَاتِلُ الْكَفَرَةِ فرمود چهار هزار اشرفی باو دادند و عذرخواهی هم از او فرمود بچه های ابا عبدالله معلم رفتند بآنها سوره مبارکه حمد را تعلیم داد حضرت امر فرمود دهن معلم را پر از طلا نمودند و خلعت فاخری هم باو عطا نمود اما ظهر عاشورا آمد عقب خیمه ها و فرمود یا اختا

ص: 274

ایتینی بشوب عتیق پیراهن کهنه برای من بیاور بی بی عالم پیراهن را آورد حضرت با شمشیر او را پاره پاره نمود که شاید در بدن مبارکش بگذارند و با اهل بیت وداع فرمود آمد برای میدان دیگر زینب خانوم برادر رانیدید تا وقتی که آمد گودال قتلگاه دید يك بدن عریان برهنه روی زمین افتاده بأبي المهموم حتی مضی بأبی العطشان حتی چه کند زینب با این غم که آن پیراهن را از بدن مبارکت بیرون نمودند کجا زینب فراموش می کند که تو را با لب تشنه شهید نمودند .

ص: 275

نظر باین که این کتاب نفیس جامع همه فیوضات باشد تبرکا بسوره مبارکه جمعه و صلوات جامعه و دعای یستشیر و زیارت جامعه و مختصری از حدیث کساء مزین نمودم.

سوره مبارکه جمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ

ص: 276

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنَّ زَعْمَتَكُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَغْيُرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ سَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَيْتَكَ يَا رَبِّ وَ سَعْدَيْكَ وَ سَعْدَ بَحَانِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ آمِنْ عَلَى حُمَيْدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيْظُهُ

ص: 278

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ، كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَفَتْ عَلَى قَدٍّ وَ
آلِهِ السَّلَامِ، كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامِ، كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ عَلَى عَمَدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْحِجْلِ وَ
الْحَرَامِ أَبْلِغْ نَبِيَّكَ غَدًا وَآلِهِ عَنَّا السَّلَامَ، اللَّهُمَّ أَعْطِ عَمَدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالسُّرُورِ وَالنَّصْرَةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلِيَّةَ وَالْمَقَامَ وَالْقُرْفَ
وَالرَّفْعَةَ وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَفْضَلُ مَا تُعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ حَدًّا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا
غَيْرُكَ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَطْيَبَ وَ اَظْهَرَ وَ اَزْكٰى وَ اَنْمٰى وَ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِّنَ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ وَ عَلٰى اَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ
يَا اَزْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاٰلِ مَنْ وَاَلَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَ ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِيْ دَمِهِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ
لَمْى فَاطِمَةً بِنْتَ نَبِيِّكَ عَمِلَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ الْعَنْ مَنْ اَذٰى نَبِيِّكَ فِيْهَا ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اِمَامِي الْمُسْلِمِيْنَ وَ وَاٰلِ مَنْ
وَاَلَاهُمَا وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُمَا وَ ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِيْ دِمَائِهِمَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اِمَامِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ وَاٰلِ مَنْ وَاَلَاهُ وَ عَادٍ
مَنْ عَادَاهُ وَ ضَاعِفِ الْعَذَابِ ظُلْمَهُ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ وَاٰلِ مَنْ وَاَلَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَ ضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلٰى
مَنْ ظَلَمَهُ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَّامَّ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَامَهُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
إِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَّاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَ
وَالٍ مَنْ وَالَّاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دِينِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَبْدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَّاهُ وَعَادٍ مَنْ
عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَّاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ
عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُتَسَلِّمِينَ وَوَالٍ مَنْ وَالَّاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ

الْمُسْلِمِينَ وَالْمَنْ وَالْأَهْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَعَجَّلْ فَرَجَهُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقَيْةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ
الْمَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمِّ كُلثُومِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ ، اللَّهُمَّ أَخْلَفْ نَبِيَّكَ
فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ، اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ ، اللَّهُمَّ أَطْلُبْ
بَذَلَهُمْ وَتَرْهِيمَ وَدِمَائِهِمْ وَكَفِّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَمِنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَلَسَ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ أَشَدُّ بَاسًا وَأَشَدُّ
تَنْكِيلًا .

دَعَايِ يَسْتَشِيرُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ

ص: 282

الْمُدَبِّرِ بِلَا وَزِيرٍ وَلَا خُلُقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ الْأَوَّلَ غَيْرَ مَوْصُوفٍ وَالْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْحَاقِّ الْعَظِيمِ الرَّبُّوبِيَّةِ نُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ فَاطِرَهُمَا وَ
مُبْتَدِئَهُمَا بِغَيْرِ عَمَّةٍ خَلَقَهُمَا وَفَتَقَهُمَا فَتَقًا فَقَامَتِ السَّمَوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَوَاتِ
الْعُلَى الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أَسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ النُّورِ فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا رَافِعَ لِمَا
وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ وَلَا مُعِينٍ لِمَنْ أَذَلَّتْ وَلَا مُذِلٍّ لِمَنْ أَعَزَّزْتَ وَلَا مَانِعٍ لِمَنْ أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةً وَلَا شَمْسٌ مَضِيَّةٌ وَلَا لَيْلٌ مَظْلِيمٌ وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ وَلَا جَبَلٌ

رأس وَلَا نَجْمٌ سَارَ وَلَا قَمَرٌ مُنِيرٌ وَلَا رِيحٌ نَهَبٌ وَلَا سَحَابٌ يَسْكُبُ وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ وَلَا رَعْدٌ يُسَبِّحُ وَلَا رُوحٌ تَنْفَسُ وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ وَلَا مَاءٌ يَطْوُدُ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَكُنْتَ كَلِمِي ، وَقَدَرْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عِوَابَةً دَعْتُ كُلَّ شَيْءٍ ، وَأَغْنَيْتَ وَأَفْقَرْتَ وَأَمَتَّ وَأَحْيَيْتَ وَأَضَّحَكْتَ وَأَبْكَيْتَ وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ فَتَبَارَكَتَ يَا اللَّهُ وَتَعَالَيْتَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَالِقُ الْمُعِينُ أَمَرَكَ غَالِبٍ عِلْمُكَ نَافِذٌ وَكِيدُكَ غَرِيبٌ وَعَمْدُكَ صَادِقٌ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَحُكْمُكَ عَدْلٌ وَكَلَامُكَ هُدًى وَحَيْكَ نُورٌ وَرَحْمَتُكَ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُكَ عَظِيمٌ وَفَضْلُكَ كَثِيرٌ وَعَطَاؤُكَ جَزِيلٌ وَحَبْلُكَ مَتِينٌ وَإِمكَانُكَ عَتِيدٌ وَجَارُكَ عَزِيزٌ وَبَأْسُكَ شَدِيدٌ وَمَسْكُوكُكَ مَكِيدٌ أَنْتَ يَا رَبَّ مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى

حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ وَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ مُفَرِّجُ كُلِّ حُزْنٍ غَنَى كُلِّ مَسْكِينٍ حِصْنُ كُلِّ هَآ رَبِّ أَمَانُ كُلِّ خَافٍ حِرْزُ الضَّعْفَاءِ
كَنْزُ الْفُقَرَاءِ مَفْرَجُ الْغَسَمَاءِ مُعَيِّنُ الصَّالِحِينَ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تُكْفَى مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ وَأَنْتَ جَارٌ مِنْ لَدُنْكَ وَ تَصْرُحُ إِلَيْكَ
عِصْمَةٌ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ نَاصِرٌ مَنْ انْتَصَرَ بِكَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ أَسْتَغْفِرُكَ جَبَّارُ الْجَبَابِرِ الْعُظَمَاءِ كَبِيرُ الْكُبَرَاءِ سَيِّدُ السَّادَاتِ مَوْلَى الْمَوَالِي
صَرِيحُ الْمُسْتَصْرَحِينَ نَفْسٌ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ أَسْمَعُ السَّامِعِينَ أَبْصِرُ النَّاطِرِينَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ أَسْرِعُ الْحَاسِبِينَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ مُغِيثُ الصَّالِحِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ

وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الْجَوَادِ وَأَنَا الْبَخِيلُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الدَّلِيلُ وَأَنْتَ الْغَنَى وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ السَّيِّدُ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْغَافِرُ وَأَنَا الْمُسِيءُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا الْجَاهِلُ وَأَنْتَ الْحَلِيمُ وَأَنَا الْعَجُولُ وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ وَأَنْتَ الْمَعَانِي وَأَنَا الْمُبْتَلَى وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ وَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُعْطَى عِبَادِكَ يَا سُبُّوحٌ وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ صَلَّى اللَّهُ عَلَى حَمْدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ عُيُوبِي وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَرِزْقاً وَاسِعاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ وَأَمِينِهِ عَلَى وَحْيِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بَابُ عِلْمِهِ وَوَصَى نَبِيِّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ أُمَّتِهِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً فَصَدَّ بَيْنَكَ حَقَّكَ وَ
فَعَدَّتْ مَقْعَدَكَ أَذْأَبَرِيٍّ مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْءٍ يَعْتَبِهِمْ إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ الْبَتُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ وَمَنْعَتْكَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَكَ

ص: 287

حَلَالًا أَنَا بَرَى ، إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الذَّكَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعَتْ أَنَا بَرَى إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَاعَبْدَ اللَّهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَيْكَ وَجَدَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً تَبَايَعَتْ حَرِيمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمَمْدِينِ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ أَنَا بَرَى ، إِلَى اللَّهِ إِلَيْكَ مِنْهُمْ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ حَمِيدٌ بْنُ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ

جَعْفَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَمِلٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ حَمِيدَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبُ الزَّمَانُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عَتَرَتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ يَا مَوْلَى الطَّيِّبَةِ يَا مَوْلَى كُونُوا شَفَعَائِي فِي خَطِّ وَزَرِي وَخَطَايَايَ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَأَتَوَالِي آخَرَ كَمَ بِمَا أَتَوَالِي أَوْ لَكُمْ وَبَرَنْتَ مِنَ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى يَا مَوْلَى أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَّ بِكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِيَكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاءَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَأَهْلَ مَذْهَبِهِمْ وَأَبْرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ.

دو رکعت نماز بخواند و بسیار دعا نماید که مستجاب است و این زیارت منقول از حضرت صادق است که در هر وقت و در حرم مطهر هر يك از چهارده معصوم علیه السلام خوانده شود .

مختصري از حدیث کساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ تَوَكَّلِي *** وَبِالْخُمْسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ تَوَسَّلِي

مُحَمَّدُ الْمَبْعُوثُ وَأَبْنَاهُ بَعْدَهُ *** وَفَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ وَالْمُرْتَضَى عَلَى

فَلَمَّا اجْتَمَعُوا تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي وَسَيِّدَتَايَ مَا وَاتِي بِعِزَّتِي وَجَلَالِي أَنِّي مَا خَلَقْتُ سِوَاءَ مَبْنِيَّةٍ وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً وَلَا فَلَكاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً يُجْرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخُمْسَةُ فَقَالَ الْأَمِينُ

ص: 290

جبرائيل يارب و من تحت الكساء قال الله تعالى هم فاطمة وأبوها و بعلها وبنوها

السلام عليكم يا أهل بيت النبوة إنا توجهنا و توسلنا بكم في الدنيا و الاخرة قد التمس من أخوانى المؤمنين الدعاء في حياتي و مماتي و أنا
العبد الخاطى السيد صدر الدين الموسوى الروضاتي

خواهشمند است اغلاط زير را تصحيح فرمائيد

صفحه سطر غلط صحيح صفحه سطر غلط صحيح

5 - 15 زير زيرا 145 - 15 اصمى اسمى

63 - 5 اول اصل 164 - 4 باحصار باحصار

95 - 9 مطاعات معاطات 165 - 5 عقبه عقيل

118 - 3 الغفر اغفر 168 - 14 ب رب

127 - 15 و لا 170 - 8 فى النور لى النور

136 - 2 السم النسّم 190 - 7 المتحف المتخلف

141 - 1 قبل بعد

ص: 291

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شَهِدُ الشُّهُودِ الْقَارُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ النَّفِيسِ أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَقِيدَ صَدْرِ الدِّينِ الْمَوْسَوِي الرُّوضَاتِي أَشَدَّ يَهْدُهُمْ وَاسْتَوْدِعُهُمْ وَ
أُفِّرَ عَنْدهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُ مَقِيرٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ وَ
الْقِيَامَةِ وَالْقَفَاعَةِ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَإِمَامُهُ وَأَنَّ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وَلَدِهِ أَيْمَةٌ وَقَادَةُ دُعَاةٍ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَأَنَّ كُلَّ مَا جَاءَ بِهِ
النَّبِيُّ حَقٌّ وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ .

فَبَعْدَ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَلَهُ الْمِنَّةُ أَنْجَهَ مَقْصُودَ بَدَنِي وَبِإِذْنِهِ بَصَّاحَتِ بَصَائِعِ الْمَعْرِفَةِ وَبِإِزْنِهِ دَانِشِ بَرَكَتِ تَوْجِهَاتِ اامامِ عَصْرِ ارواحنا فداه
موفق بطبع دفعه پنجم این کتاب شریف گردیدم امیدوارم هر طبقه از او بهره مند گردیده و این گناهکار را بطلب مغفرتی شاد نمایند
1381.

ص: 292

فهرست مطالب کتاب

اصول دین	3
اقسام عبادات	19
مسائل وضو	20
مسائل غسل	24
مسائل تیمم	30
نجاسات	34
مطهرات	36
مقدمات نماز	40
واجبات نماز	49
مبطلات نماز	61
شکایات و سهویات	64
نماز قضا	68
نماز مسافر	70
نماز جماعت	71
نماز آیات	74
مسائل روزه	76
مسائل زکوة	81
در خمس	83
مسائل حج و اعتکاف	84
در جهاد	94

در بیع 95

وقف و تصدق 96

اجاره و ضمانت 97

رهن و قرض 98

قسم و کفارات 99

غصب و مشترکات 100

در حریم 102

شرکت و قضاوت 103

حلال و حرام حیوانات 104

در حدود 105

ص: 293

در نکاح 107

رجوع وعده 111

در طلاق 112

در ارث 113

اعمال ایام ولیالی 118

نماز غفيله 128

در نماز شب 131

اعمال جمعه 133

اعمال شب جمعه 136

اعمال هر روز 139

اعمال ماه رجب 141

اعمال ماه شعبان 144

اعمال ماه رمضان 148

اعمال ماه شوال 165

اعمال ماه ذی الحجه 168

اعمال ماه محرم 173

اعمال ماه صفر 175

اعمال ماه ها 176

آداب نوروز 177

نمازهای واجب و مستحب 178

نماز عیدین و جمعه 185

آداب و نماز میت 188

زیارات اهل قبور 189

اسماء الحسنی 191

اسم اطفال و عقیقه 193

عریضه ائمه 194

دعوات و ختم 195

دعای گندم 196

دعوات لازمه 197

دعوات مسافر 201

دعاء سریع الاجابه 203

استخاره 204

ص: 294

اثر کواکب 206

محرم نامه 207

نوروزنامه 209

تعبیر خواب 211

آداب شرعیه 212

حفظ الصحیه 219

دراهای امراض 224

امراض و دواها 229

علائم الایمان 233

قوای انسانی 234

دوازده مجلس موعظه 237

سوره جمعه 276

صلوات جامعه 280

دعاء یستشیر 282

زیارت جامعه 287

حدیث کساء 289

وصیت مؤلفات 290

ص: 295

- در علائم ایمان و فضائل امیر المؤمنین و مصائب زینب خاتون 237
- در علم و فضائل علماء و مصیبت سکینه خاتون 239
- در محبت و وظائف بندگان و مصیبت ابا الفضل 243
- در معرفت و عبادت حق تعالی و مصیبت علی اکبر 245
- در خوف و جهنم و قیامت و مجلس یزید 248
- در رحمت خدا و ثمره گریه و مصیبت حضرت قاسم 252
- در بهشت و نعمت های آن و آمدن ذوالجناح بخیمه ها 255
- در ولایت ائمه و ثمرات آن و مصیبت حضرت سجاد علیه السلام 259
- در مهمانی و فروختن امام ششم خانه بهشت و شب عاشورا 263
- در انفاق و مواعظ حق تعالی و شهادت ابا عبدالله علیه السلام 266
- در توبه و رحمت خداوند و مراجعت اهل بیت بمدینه 269
- در احسان و بنده ای که خدا او را دوست می دارد و آمدن زینب خاتون بقتلگاه 277
- ص: 296

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی
خاتمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

